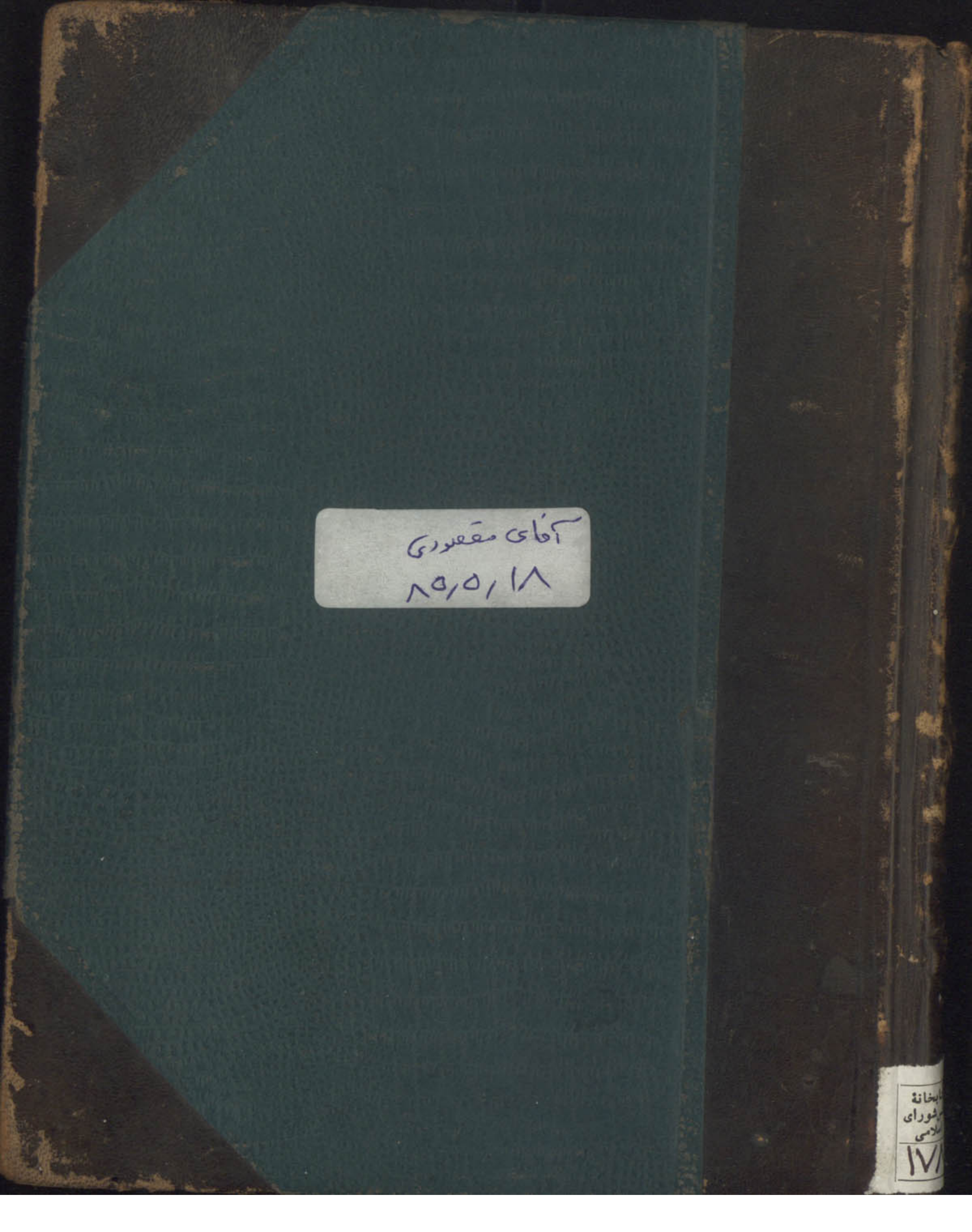
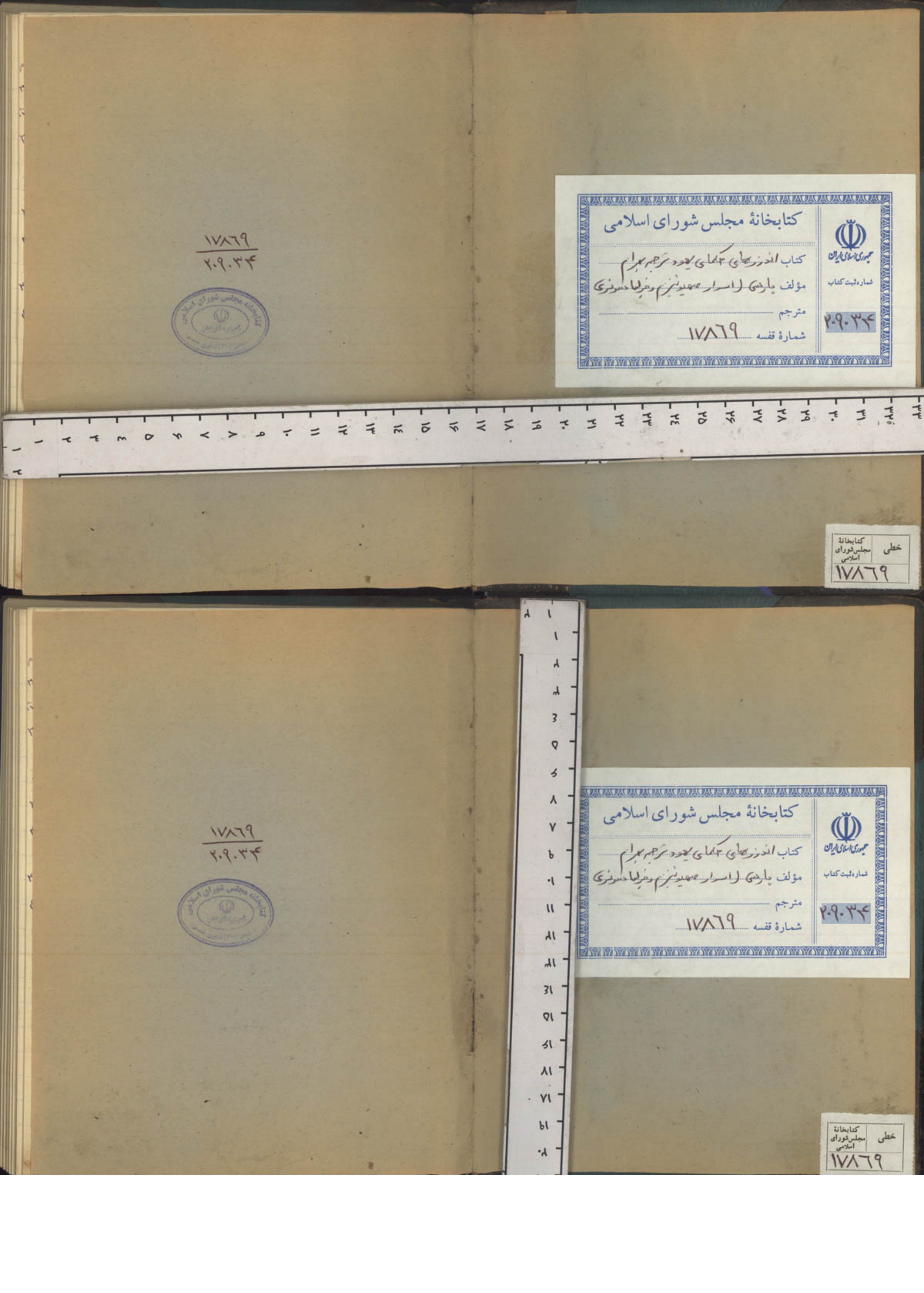
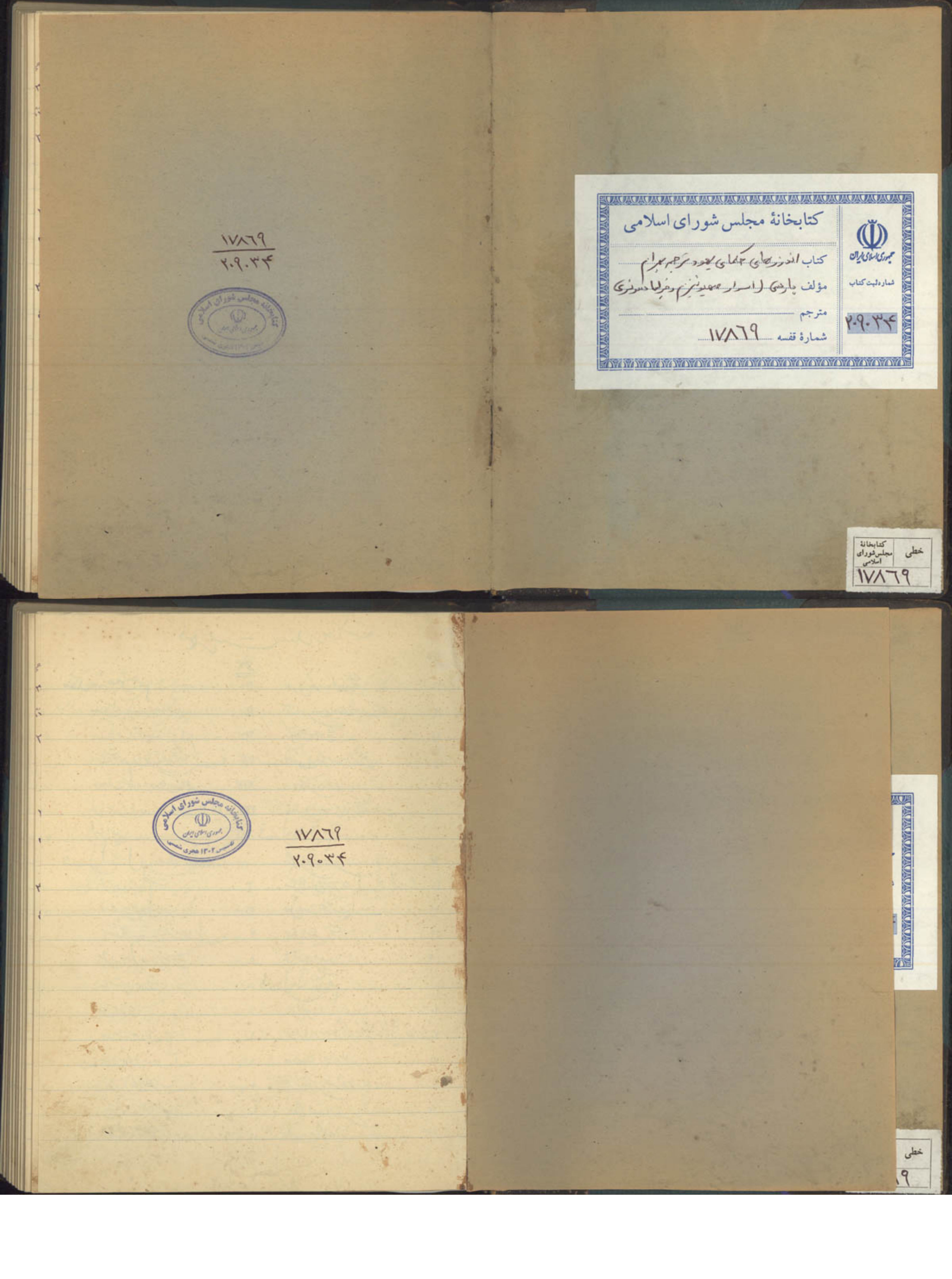

آقای مقصودی
۸۵/۵/۱۸


۱۷۸۶۹
۲۰۹۰۳۴
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب اندرزهای حکمای یهود ترجمه بهرام
مؤلف
مترجم
شمارهٔ ثبت کتاب
۲۰۹۰۳۴
شمارهٔ قفسه ۱۷۸۶۹
خطی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۷۸۶۹



کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شمارهٔ ثبت کتاب
۲۰۹۰۳۴
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۸۶۹
خطی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۷۸۶۹

# فهرست مندرجات.


صفحه

مقدمهٔ مترجم. — I
منشاء نهضت ضد یهود — II
منشاء کتاب — V
اقدامات جهودها برای تولید جنگها — VII
دخالت جهودها در جامعهٔ ملل — XIII
نفوذ جهودها در روسیه انگلستان و امریکا — XVII
رمز افعی — XXV

فصل اول.

حق در زور است — ۲
آزادی خیالی بیش نیست — ۳
استقلال – استبداد سرمایه داران — ۴
دشمن داخلی – هرج و مرج — ۵
سیاست و اخلاق — ۶
حق اقویاء — ۷
قدرت یهودیان — ۸
مردم کورند. — ۸
تفرقه و نفاق احزاب — ۹
حکومت مطلق العنان — ۱۰
نوشابه – عیاشی — ۱۱

صفحه

اصول حکومت یهودیان — ۱۱
آزادی – برادری – برابری — ۱۲
حکومت اشراف — ۱۴
اضمحلال حکومت اشرافی — ۱۴
ما بهای روحی — ۱۵
قابل عزل بودن نمایندگان ملت — ۱۶

فصل دوم

جنگهای اقتصادی — ۱۷
مشاورین سری — ۱۷
نظریات مخرب — ۱۸
وظیفهٔ مطبوعات — ۱۹
قربانیهای یهود — ۱۹

فصل سوم.

رمز افعی — ۲۰
تزلزل و عدم استحکام ترازوی دولتها — ۲۰
قدرت و جاه طلبی — ۲۱
ناشیگری سخنرانیهای پارلمان — ۲۱
بردگی اقتصادی — ۲۲
ظهور متکبرین — ۲۳

صفحه

گرسنگی و حق سرمایه — ۲۳
ظهور پیروزی یهود — ۲۴
برنامهٔ آموزشگاههای یهود — ۲۴
بحران اقتصادی عمومی — ۲۵
استبداد فراماسونها — ۲۶
مداخلهٔ فراماسونها در انقلاب فرانسه — ۲۷
فراماسونها شکست ناپذیر هستند — ۲۷
آزادی — ۲۸

فصل فصل چهارم

ادوار مختلف دموکراسی — ۳۰
تکمیل خارجی فراماسونها — ۳۰
رقابت بین الملل صنعتی و تجارتی — ۳۱
سفته بازی و معاملات صرافی — ۳۱
زرپرستی و پول پرستی — ۳۲

فصل پنجم

ایجاد تمرکز حکومت مقتدر — ۳۴
رویهٔ فراماسونها در تحصیل قدرت — ۳۴
برگزیدگی یهودیها — ۳۵
طلا موتور ماشین دولت — ۳۶

صفحه

خستگی حاصل از سخنرانی و خطابه خوانی — ۳۷
چطور میتوان اختیار عقیدهٔ عمومی را بدست گرفت — ۳۷
دولت عالی — ۳۸

فصل ششم

انحصارها — ۴۰
تجارت – صنعت – سفته بازی — ۴۱
ترقی مزد و بالا رفتن هزینهٔ زندگی — ۴۲

فصل هفتم

تقویت تسلیحات – تولید اغتشاش در دنیا — ۴۲
جنگهای بین الملل — ۴۳

فصل هشتم

استفاده از حقوق قضائی — ۴۴
شرکای فراماسون — ۴۴
اقتصادیون و میلیونرها — ۴۵

فصل نهم

اجرای اصول فراماسونی — ۴۶
اهمیت عقیدهٔ ضد یهود — ۴۶
دیکتاتوری فراماسون — ۴۷
اعمال و خدعه‌های فراماسون — ۴۷


# اندرزهای حکماء یهود

بضمیمهٔ یک مقدمه بقلم مترجم

ترجمه بقلم:

بهرام پارسی.

# مقدمهٔ مترجم

## این کتاب

جرقهٔ برقی است که خرمن حیله‌ها و دروغهای قوم یهود را آتش زده و دنیا را از خطر این جنایتکاران خون آشام آگاه ساخته است.

این کتاب شعلهٔ عظیمی است که حریق ضد یهود را برپا کرده، خطرناکترین دشمن عالم انسانیت را بجهانیان معرفی نموده است.

این کتاب مشعل فروزانی است که هیچ دخمهٔ تیره و تاریک اسرار این قوم وحشی وکینه توز را روشن ساخته، و دامهای خطرناکی را که بدست این جادوگران ناپاک برای فرزندان بشر گسترده شده، واضح و آشکار نموده است.

این کتاب، گنجینهٔ اسراری است که پرده از روی اندیشه‌های زهرآلود و مکنونات شیطانی این طفیلی‌های بیخانمان برانداخته، نقشهٔ جهودها را برای تسخیر دنیا و حکمفرمائی بر کلیهٔ ملل روی زمین، با شرح و تفصیل بسیار بیان کرده است.

این کتاب، ما را بحقایقی آشنا میسازد که تاکنون از شناختن آنها عاجز بودیم، اسراری را برای ما فاش می‌نماید که از هیچ کتاب دیگری نتوان بدست آورد، راجع بیهودیان



و فراماسونها توضیحاتی در آن می‌بینیم که چشم ما را باز میکند و محافل سری و نقشه‌های مرموز یهودیان را برای نیل بسلطنت دنیا و سایر حقایق مهم حیات بین‌المللی را تشریح میکند و بالاخره بطرز روشن و آشکار نشان میدهد چگونه مشتی زالوهای سمج بجان فرزندان بشر افتاده و چگونه عده‌ای از مردمان عاری از صفات عالی انسانی کشورهای بزرگ دنیا را بنابودی کشیده‌اند و باز هم نابود خواهند کرد . . .

۞ ۞ ۞

برای آنکه خوانندگان محترم را، قبل از شروع بمطالعهٔ کتاب، بروحیات و افکار جهودها و نفوذ مهلک و خطرناکی که این دشمنان عالم بشریت در نقاط مختلف دنیا و در کشورهای بزرگ بحیله‌ها پیدا کرده‌اند، آشنا ساخته و شمه‌ای نیز از کارهائی که تاکنون انجام داده‌اند یادآوری کنیم، لازم میدانیم که چند کلمه‌ای بطور خیلی مختصر دربارهٔ: علل و عوامل ظهور عقیدهٔ ضد یهود، — تأثیر اقدامات جهودها در تولید جنگها و انقلابها، — کوشش یهودیان برای تأسیس جامعهٔ ملل و استفاده از آن، — و بالاخره نفوذ یهودیان در کشورهای روسیه و انگلستان و امریکا متذکر شویم.

ناگفته نماند که نفوذ جهودها را در ایران قدیم و ایران کنونی بطور علیحده مورد مطالعه قرار داده و در ضمن رسالهٔ جداگانه‌ای بتفصیل تشریح خواهم نمود.

## ۱ـ نهضت ضد یهود از کجا شروع میشود و در چه موقع.

تا هنگامیکه ترجمهٔ یک کتاب روسی بنام «بزرگ در کوچک» . . . . . .
. . . . . . » در سال ۱۹۰۶ بزبان انگلیسی منتشر گردید، این نهضت در دنیا نضجی پیدا نکرده بود،

این ترجمه در سال ۱۹۱۹ با عنوان «خطر یهود» در امریکا و با عنوان «اندرزهای حکمای یهود» در انگلستان باردیگر بچاپ رسید. ولیکن این کتاب بوزریت شهرتی پیدا نکرد و چون همه مردم از اسرار شگفت انگیزی که در دل این کتاب خفته است بیخبر بودند، باین جهت زیاد نظر مردم را جلب نمی نمود، تا آنکه روزی یکی از نویسندگان روزنامه تیمس مقاله کوچکی برای معرفی آن کتاب منتشر ساخت. نویسنده مزبور در این مقاله مختصر توضیحاتی راجع بمندرجات کتاب نوشته و در پایان آن این سؤال را از خود کرده بود: «حال که جنگ بپایان رسیده و آلمان مغلوب شده و شرایط صلح را تحمیل نموده است، میخواهیم بدانیم آیا شرایط صلح و رسالت را یهودیان به دنیا تحمیل ننموده اند؟»

در همان موقع هم ترجمه کتاب مزبور بانگلیسی چاپ شد. ترجمه دیگری هم بزبان آلمانی در «شارلوتن بورگ» بطبع رسید. مترجم آن گتفرید تسوربک[1] عنوان کتاب را مختصر عوض کرده و آنرا «اسرار حکمای صهیون» نوشته بود. ترجمه اخیر بسرعت شگفت آوری در تمام آلمان و اتریش انتشار یافت و در دست کلیه خوانندگان بسیار پیدا نمود.

مدت زیادی از مقاله روزنامه تیمس نگذشته بود که ناگهان ترجمه انگلیسی کتاب نایاب گردید و مدیران مطابع اولی نیز حاضر نشدند که دوباره آنرا بچاپ برسانند! چرا؟ معلوم نیست! شاید از انتقام دستهای نامرئی یهودیان خوف داشتند... اتفاقاً در همین موقع یکی از اتحادیه های انگلستان موسوم به «بریتونس»[2]

---

1- Gottfried zur Beek. 2- The Britons



انجام این ماموریت خطرناک را بعهده گرفت و یکی از روزنامه های بزرگ «مورنینگ پست»[1] باستناد اندرزهای کتاب مورد بحث، یک سلسله مقاله چاپ کرد و بوسیله آن مقالات این فکر را ترویج نمود که «علت العلل بدبختیها و تیره روزیهای دنیا بعد از جنگ بین الملل جهودها هستند و بس!»

با این اقدامات، شهرت کتاب افزوده شد و چیزی طول نکشید که یک ترجمه دیگر در امریکا، یکی در لهستان و چند مقاله راجع بآن در فرانسه. در ممالک مختلف انتشار یافت.

بهترین نسخ این کتاب متن روسی آن است و چنین بنظر میرسد ترجمه آن از آثار پروفسور «سرژ نیلوس»[2] باشد که در سال ۱۹۲۰ آنرا بچاپ رسانیده است. متاسفانه این کتاب فوراً خریداری شد و ضبط گردید و امروز نسخ این چاپ تقریباً نایاب است.

در سال ۱۹۰۷ یکی دیگر از نویسندگان روسی موسوم به «بوتمی»[3] آنرا با عنوان: «دشمن نوع بشر» مجدداً بچاپ رسانید.

ترجمه نیلوس در سالهای ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۷ و ۱۹۲۰ باردیگر بچاپ رسید و از روی همان نسخه ۱۹۱۱، در امریکا ترجمه و منتشر گردید.

نسخه ۱۹۱۲، مأخذ ترجمه فرانسه قرار گرفته و چاپ یازدهم نسخه فرانسه هم که در سال ۱۹۳۷ طبع شد، بدست ما رسیده و مأخذ ترجمه فارسی میباشد.

---

1- Morning post. 2- Serge Nilus ~~چاپ~~

~~3- Butmi~~. 3- Butmi.

چاپ ۱۹۱۷ ترجمهٔ روسی تقریباً تمام در همان سال هنگام انقلاب از بین رفت.
چاپ ۱۹۲۰ در برلن صورت گرفته و در مقدمهٔ آن رابطهٔ یهودیان با انقلاب بلشویکی کاملاً تشریح گشته است.

بهر حال، این کتاب که مجموعه‌ای از اسرار مرموز و خطرناک یهودیان است، پرده از روی مکنونات این قوم خونخوار و بی عاطفه برانداخت، این دشمن عالم انسانیت را بجهانیان معرفی نمود و بدین ترتیب خوف و هراس عظیمی در دل آدمیان بوجود آورد و پایه و اساس عقیدهٔ ضد یهود گردید.

حال باید تحقیق کرد و دانست که این مجموعهٔ اسرار که برای قوم یهود از جان شیرین عزیزتر بود چگونه بدست ما رسیده است.

## منشاء این کتاب چه بوده و چگونه بدست ما رسیده است؟

در سال ۱۸۹۷ اتحادیه‌های یهودیان صهیونی (۱) در شهر بال تشکیل کنگره‌ای داده، پس از مذاکرات طولانی طرح برنامهٔ تسخیر دنیا را ریختند و از پیروزیهائی که قبلاً بدست آورده بودند استفاده کرده، بتمام سازمانهای رزمی و شعب مختلف خود در دنیا، اجرای این برنامهٔ عظیم و مهیب را دستور دادند.

این برنامه، نه فقط متضمن بر هدفهائی بود که یهودیان باید یکی بعد از دیگری بآنها نائل گردند، بلکه راه عمل و قواعد کلی را که آنها باید اجرا کنند نیز در آن مدون و منظم و مشروح گردیده بود.

۱- صهیون یا صیون (Sion.) بیت المقدس یا اورشلیم را گویند.



کنگرهٔ مزبور، در حین عمل، چند کمیتهٔ سری کوچک ترتیب داد و هر یک از این کمیته‌ها تشکیل هیئت‌های عمل داده، ببررسی و مطالعات فراوان و دقیق برای اجرای نقشه‌ها و تسهیل نیل بآمال و آرزوهای یهودیان پرداخت. سپس کلیهٔ مذاکرات خود را در صورت مجلس قید نمود و هر یک از این صورت مجلس‌ها را «پروتکل» نام گذاشت. (۱) و مطابق دستور کنگره، این پروتکل‌ها بکلیهٔ محافل و زمامداران یهودی دنیا و متنفذین ایشان ابلاغ گردید و امر باجرای آنها داده شد.

از مقدمه‌ای که نیلوس، نخستین مترجم این «صورت مجلس‌ها» بترجمهٔ ۱۹۱۷ خود نوشته، چنین برمی‌آید که نسخهٔ اصلی آنها بزبان فرانسه بوده نه بزبان عبری، زیرا اغلب صهیونیها که عضو کنگره بوده، زبان عبری را نمیدانستند. علاوه بر این در مقدمهٔ مذکور اشاره شده که نسخهٔ اصلی این کتاب بتوسط یکنفر روسی بنام آلکسیس نیکولایویچ سوشوتین (۲) بدست مترجم نامبرده رسیده است. دیگر مترجم و ناشر کتاب، بوتمی، هم این نسخهٔ اصلی را دیده و در چاپ خود باین امر اشاره نموده است.

حال باید دید، آلکسیس نیکولایویچ، این نسخه را چگونه بدست آورده و چگونه این گنجینهٔ اسرار مرموز بدست ما رسیده است؟

پس از تحقیق و بازجوئی مفصل و دقیق، چنین مسلم شده که این نسخه از بایگانی‌های یهودیان مقیم آلزاس بسرقت برده شده و بعداً بدست

۱- عنوان اصلی این کتاب «پروتکل‌های حکمای یهود» بود و ما آنرا به «اندرزهای حکمای یهود» ترجمه و تبدیل نمودیم.
۲- Alexis Nicolajevitch Souchotin

مترجمان نامبرده رسیده است. و بهترین دلیل قطعی نیز که برای اثبات این ادعا داریم مندرجات روزنامه‌های ۱۹۰۱ می‌باشد: با مراجعه مختصری به این روزنامه‌ها و مطالعه نطقهای دکتر هرتزل (۱) رئیس یهودیهای آلزاس بر اداکستری [illegible] [illegible] است، مطلب کاملاً روشن و آشکار می‌گردد.

## تاثیر اقدامات جهودها برای تولید جنگها و انقلابات.

(جنگ ۱۸-۱۹۱۴ و جنگ کنونی.)

یکی از بهترین وسائل در یهودیان برای پیشرفت مرام و اجرای نقشه‌های خود دارند، عبارت از جنگهای سیاسی و اقتصادی می‌باشد. آنها می‌کوشند تا با ایجاد جنگهای خونین بین کشورها و ملل مختلف، قدرت ممالک بزرگ را از بین برده، بحران اقتصادی عالمگیر در دنیا ایجاد نمایند و بدین ترتیب وسایل ضعف و گرسنگی توده‌های مردم را فراهم آورند. زیرا آنها معتقدند بر اینکه ضعف و بیچارگی و گرسنگی طبقات تنگدست و رنجبر، پول و سرمایه — که تمام آن در دنیا بدست جهودهاست — اهمیت و اعتبار فوق‌العاده‌ای می‌بخشد و آنها بدین وسیله موفق می‌گردند که اختیار، اراده و شخصیت ملل دنیا را بدست گیرند و مطابق میل و آرزوی خود ملتها را بهر طرف بخواهند سوق دهند.

آری! یهودیها فقط با ایجاد جنگها و انقلابها موفق شده اند وضع ثابت و محکمی برای خود تامین نمایند.

1- Herzel.



اگر با نظر دقیق در علل و اسباب پیش آمدن جنگ بین‌الملل گذشته (۱۸-۱۹۱۴) و حتی جنگ کنونی بررسی کنیم، بدون تردید در سر راه مطالعات خود به دخالت یهودیان ثروتمند و متنفذ برخواهیم خورد و جز اینها علت اساسی دیگری پیدا نخواهیم کرد.

زیرا از زمان استقلال ممالک متحده امریکای شمالی، در ۱۷۵۵، و مخصوصاً از موقع انقلاب بزرگ فرانسه در ۱۷۸۹، بزرگان یهود پیشقدم تشکیل مجامع مخفی در کلیه کشورهای اروپا و امریکا بوده و با مساعدت این انجمنهای پنهانی، وقایع تاریخ را بمیل خود ایجاد می‌نمایند. تمام انقلابات خونین قرن نوزدهم برای رسیدن بمقاصد یهودیها انجام گرفته است. بنابراین دلیلی ندارد که گناه تحریک ملل و تولید آتش نفاق در اروپای ۱۹۱۴ بگردن آنها نباشد.

تاریخ نشان میدهد که سابقاً ممالک فرانسه و انگلستان و اسپانیا با یکدیگر رقابت می‌ورزیدند، پس چه عاملی آنها را با یکدیگر متفق ساخت؟ یهودیها!

آلمان و روسیه را طبیعت چنان آفریده است که همیشه با هم نیازمندیها و حوائج یکدیگر را در کمال صلح و سلم رفع نمایند. و در حقیقت مکمل اقتصادی و سیاسی همدیگر باشند. ولی نفاق و جدائیها، بجای صلح و سازش، تفرقه و دشمنی را بین آنها مستقر ساخت! چه کیفیتی در این دشمنی بیش از همه چیز موثر واقع شد؟ یهودیها!

بدین ترتیب بالاخره یهودیان توانستند آتش خشم و کینه را بین دو ملت آلمان و روسیه برافروزند و آنها را دشمن جاویدان یکدیگر سازند!..

آیا میدانید امپراطوری تزارها را که مضمحل نمود؟ یهودیها!

خبر دارید که برای نیل باین منظور چه وسایلی بکار بردند؟

پاسخ این پرسش بنوبت آسان است: یهودیها، آلمان را نخست بجان روسیه انداختند تا بعد خودشان مانند بازیچه ای با هر دوی آنها رفتار نموده، خون هر دوی آنها را بوسیلهٔ انقلاب و جنگ بمکند و بر هر دوشان حکومت نمایند!

چه عاملی مانع از صلح بین روسیه و اطریش بود؟ یهودیها!

چه سببی اطریش را رقیب ایتالیا ساخت؟ یهودیها!

همانطور که مجموع زوایای مثلث دو قائمه میشود، حساب یهودیها هم درست بود. جنگ یعنی هدف نهائی و آرمان آنها صورت حقیقت یافت و بالاخره در گرفت و پای انگلستان نیز بمعرکه کشیده شد. بین آلمان و انگلستان تنها نقاری که وجود داشت از نظر اقتصادی بود. ولی آیا رقابتهای اقتصادی همیشه منجر بجنگ میشود؟ قاعدتاً نه! ولی روزنامه های انگلیسی و زمامداران انگلیس زیر نفوذ یهودیان بودند و دائماً آتش همچشمی مادی و اقتصادی بین دو ملت را دامن میزدند. پس که باعث داخل شدن انگلستان در جنگ گردید؟ یهودیها!

**چرا امریکا وارد جنگ شد؟**

برای اینکه یهودیها دیدند ممکن است آلمان غلبه کند و جنگ که بنفع سرمایه داران یهودی تمام شده و ادامهٔ آن باعث افزایش ثروت آنها بود، خاتمه یابد. لذا ورود امریکائیها را بجنگ تشویق کردند.

کینهٔ امریکائیها را نسبت به آلمان تشدید نموده و هم بهانهای بدست برادران دوهکی ری داده برای آنکه منظم ترین و نیرومندترین کشورهای جهان را از پا درآورند امریکا را مجبور بمداخله نمودند! که میتوانست مانع از وقوع جنگ شود؟ آیا



صلح طلبان دروغی؟ کدام این معصومین سرگردیدند؟ تا دیدی هست که باید باین سؤال نیز پاسخ منفی بدهیم و پس از مطالعه در ماهیت امور سیاسی چنین حکم کنیم که صلح طلبی نیز یکی از اختراعات یهودیهاست! آیا حتی تعاون کارگران دول اروپا میتوانست از شعله ور شدن کانونهای جنگ ممانعت کند؟ بدبختانه نه! زیرا رؤسا و پیشوایان کارگران در تمام دنیا یهودی بودند!» (۱)

ولی یک مسئلهٔ دیگر نیز باقی است مطرح نموده از خود بپرسیم: **چه علتی باعث تسلیت یهودیها بجنگ گردید؟**

علتی که برای این امر میتوان ذکر نمود این است که با جنگها و انقلابات جهانی، یهودیها توانسته اند وضع ثابت و مستحکم برای خود تأمین نمایند. در نتیجهٔ همین جنگهاست که یهودیهای ناپاک و متعفن و شپشو تبدیل به روباه‌های زیرک و متمدن گردیده اند. در ۱۹۱۴ هیچوقت ممکن نبود تصور کرد که در باویر یک نفر یهودی کهنه فروش دراز گوشه محلهٔ جهودهای شهرهای لتانی فرار کرده، بتواند نخست وزیر آلمان یا فرمانروای روسیه شود! فقط جنگها و قحطیها و انقلابات و هیجانات خونین تاریخ سبب شدند یهودیها جانی پیدا کرده و قدرت کنونی خود را بدست آورند. ولی ملت یهود پیش از جنگ از دو دولت مقتدر و بزرگ واهمه داشت و آنها را نیرومندترین دشمن خود میدانست: اول آلمان. دوم روسیه.

---

۱ــ او. شید. ــ «روحیهٔ رایش سوم» چاپ پاریس سال ۱۹۳۶ ــ صفحه ۸۸.

در این دو کشور، رسوم سخیف و ملالت هنوز مالک مطلق اقتدارات سیاسی شده و زندگی معنوی بدست دسته‌ای یهود نیفتاده بود. هنوز در این دو کشور مردم آمیزش با یهودیها را ننگ میدانستند و بهمین دلیل بود یهودیها کمر قتل آنها را بستند و بالاخره بمقصود خود نائل گردیدند. باید تصدیق کرد در جنگ بین‌الملل نه فرانسه و نه انگلستان و نه امریکا و نه بطریق اولی دول کوچک جهان، هیچکدام شاهد پیروزی را در آغوش نگرفتند، بلکه در حقیقت همهٔ آنها مغلوب مشتی یهودی شده، جمعی سرمایه‌دار و طماع یهودی حکمران جهان شدند و غالب و مغلوب را با آتش کینهٔ خود سوزانیدند! (۱)

بالجمله، ناگفته نمیگذاریم که یهودیان، در دنیا، جز بزور و زر بچیز دیگری علاقه‌مند نمیباشند و معتقدند برآنکه بهر وسیله و از هر طریقی که ممکن باشد، باید طلا و پول بدست آورد. زیرا، با پول میتوان هر کار کرد، با پول میتوان بحکومت رسید، میتوان مطبوعات را در اختیار خود داشت، میتوان بدول سلطه، میتوان مردم را مستقیماً یا بطور غیرمستقیم زیر فرمان قرار داد، و بالاخره میتوان مللی را که میکرب دموکراسی ریشهٔ آنها را خورده است لرزه بر افکند و منحل ساخت...

بنا براین باید بهر ترتیب شده پول بدست آورد، باید بر ملل دنیا مسلط شد، باید خون تمام افراد توده‌ها را مکید... ولی بچه وسیله باید پیشرفت و چگونه باید این نقشه‌ها را عملی ساخت؟

---

۱ـ او. شیه. ـ «روحیهٔ رایش سوم» چاپ پاریس. سال ۱۹۳۶ صفحه ۸۸.



جنگهای خصوصی و چند جنگ دنیاگیر باید این نقشهٔ بزرگ را عملی سازد.

بعد از این جنگها، دیگر ملل رمقی نخواهند داشت. کشورهای زرخیز دنیا، کارخانه‌های بزرگ، مزارع سبز و خرم، عمارتهای عالی، در نتیجهٔ این جنگها به قبرستانهای شوم و ویرانه‌های درهم ریخته‌ای تبدیل خواهد گردید. در این حین، شغالهای پست فطرت و مردارخوار و جغدهای ویرانه‌نشین، یعنی یهودیان جنایتکار و ناپاک — که تاکنون حتی یکی در هیچ جنگی شرکت نکرده‌اند — تازه و خرم، با تمام قوی، بجان کلیهٔ ملل دنیا که جنگهای خانمان برانداز، همه آنها را از پا در انداخته خواهند افتاد، و بر همهٔ آنها مسلط خواهند شد!..

در آن موقع، حکومت مطلق العنان یهودی، جانشین آزادیخواهی آقایان مسیحیان غافل خواهد گردید، تمام مذاهب از بین خواهد رفت و دین موسی اجباراً بکلیهٔ افراد تحمیل خواهد شد...

یهودیها برای اینکه قدرت خود را نشان دهند، یکی از ملل بزرگ را با خنجر مکر و حیله و تزویر از پای در خواهند آورد و بزانو خواهند نشاند.

برای فقیر کردن توده‌های ملل، مالیات تصاعدی بر سرمایه وضع خواهند کرد، قرضه‌های اجباری را رواج خواهند داد، کلیهٔ بورسهای دنیا را ورشکست خواهند کرد. و در جنگها، فرزندان آنان را قربانی خواهند کرد. پس از این کارها، ساعت مرگ حکومت آنان زنگ خواهد زد. و در آن ساعت، سلیمان جهود — مظهر سرنوشت بشر نگون‌بخت — بر آن ملت سلطنت خواهد کرد، همینکه این منظور عملی شد، دیگر تسلط بر سایر کشورها بلااشکال خواهد بود؛ علاوه بر جنگ، یهودیان مستقیماً آن ممالک نیز

جمع شدن منظور را آسان‌تر خواهند نمود؛

آیا به تمام این مقدمات، لوتر را دانید که میگفت: « باید یهودیان را زیر شکنجه و آزار قرار داد و حتی در صورت امکان باید دست و پای آنان را با زنجیرهای آتشین محکم بست. باید مدارس یهودیان را از بین برد، باید خانه‌های آنان را ویران ساخت، باید سرمایه‌های هنگفتشان را از دستشان گرفت و خود آنها را از شهرها و از میان آدمیان بیرون راند، مانند سگان هار به بیابانهای بی آب و علف تبعید نمود ...» شاید دقیق دانید؟..

## + کوشش یهودیان برای تأسیس جامعهٔ ملل و استفاده از آن

جنگ جهانگیر ۱۹۱۴—۱۸ بالاخره روزی به پایان رسید، ولی ممکن نبود پس از مدتی، ملل مغلوب، که کاملاً از پا در آمده بودند، از زیر خاکهای خون آلود و ویرانه‌ها و توپهای شکستهٔ میدانهای جنگ سر در آورده، با حیات عظمت واقعهٔ از دست رفتهٔ خود همت گمارند، و سدهائی در مقابل هجوم سیل آسای یهودیها بکار برند. بنابراین باید فکر تازه‌ای کرد و راه چاره را از هر طرف برای ملل دنیا مسدود نمود: سازمان جامعهٔ ملل نتیجهٔ این فکر پست و کثیف بود!..

آیا میدانید موقعی که قرارداد ورسای بسته شد، نمایندهٔ آلمان که بود؟ و در آلمان آن روز که حکومت میکرد؟



اغلب اعضای دولت آلمان یهودی بودند! وزیر امور خارجه هازه[1] یهودی بود! وزیر مالیه شیفر[2]، وزیر داخله پروس[3] یهودی بودند! در پروس کابینه بدست یهودیها بود. در باویر کورت آیسنر[4] رئیس الوزرا بود. میدانید او که بود؟ یک یهودی متنفذ! در مجارستان، میدانید که حکومت میکرد؟ بلاکوهن[5]، یک یهودی دیگر! (اگرچه خوشبختانه دورهٔ حکومتش زیاد طول نکشید.)

میدانید عهدنامه‌های صلح را چه اشخاصی تدوین کردند؟ یهودیها!

مگر بتقاضای یعقوب شیف[6] بانکدار جهود امریکا نبود که بعضی از معاهدات صلح نوشته و بدستور ویلسن (رئیس جمهور امریکا در ۱۹۱۸) در عهدنامه‌ها گنجانیده شد؟

مگر رژیم مخصوص سار، فیوم، دانتزیک، سیلزی علیا و غیره را این یهودی پولدار در مخیلهٔ شیطانی خود پرورانده و بعد به ویلسن تلقین نکرده بود؟

بلی! شرائط غیر عادی معاهدات صلح، ایجاد یک [illegible] بوسیلهٔ جامعهٔ ملل که بر هر کار دیگر مسلط باشد، تشکیل جامعهٔ ملل، تأسیس کانون جهود در فلسطین، تمام اینها محصول شوم و حیرت آور، زائیدهٔ فکر دشمنان نوع بشر یعنی یهودیان بد اندیش بود!...

وقتی رؤسای نهضت صهیونی در طی جنگ مشاهده کردند که اتفاق مثلث پیروزمند خواهد شد، در صدد بر آمدند که برای تأسیس دولت یهودی در فلسطین پایه‌های محکم طرح کنند، در همان ایام بالفور وزیر امور خارجهٔ انگلستان بنام دولت امپراطوری بریتانیای کبیر به لرد روتشیلد[7] یهودی نامهٔ عاشقانه‌ای نوشت و در آن

1- Haase 2- Schiffer. 3- Preuss. 4- Kurt Eisner.
5- Bela Cohen. 6- Jacob Schiff. 7- L. Rothschild

نامه رسماً اعلام نمودم از جان و دل برای تأسیس و اجرای کانون ملی یهود در فلسطین جهد خواهم نمود.
هنوز جنگ به پایان نرسیده بود که یک یهودی دیگر بنام روفوس ایزاک(۱)
ملقب به لرد ریدینگ از طرف دولت بریتانیا بعنوان کمیسر عالی و سفیر مخصوص
اعلیحضرت پادشاه انگلستان، به امریکا اعزام شد تا با اطرافیان جمهوری ویلسن وارد
مذاکره شود و با یهودیانی مانند مورگنتو(۲) پیر، و یعقوب شیف، بانکدار و
براندیس(۳) قاضی و فرانکفورتر(۴) حقوقدان، مسائل دقیق سیاسی و مالی آخر
جنگ را مورد بحث قرار دهد، مقدمات صلح را با کمک آنان فراهم سازد.
پس از تشکیل جامعه ملل مقرر گردید دبیرخانه اجرائیه و ریاست آن با انگلستان
تفویض شود، نماینده دولت انگلیس: سر اریک دروموند(۵)، رئیس دبیرخانه جامعه
ملل، چنانکه بژنو رسید، بدیدار خاخام بزرگ یهودیان ژنو رفت و با همکاران
خود را با وسعت وعظ و احترام و تکریم فوق العاده بوی نمود و او را اطمینان سخت که از
صمیم قلب برای اجرای آرمان و منظور یهودیان خواهد کوشید!... میدانید همکاران
نزدیک او کی ها بودند؟ یکی سروان مترجم سابق مانتو(۶) رئیس ~~[illegible]~~ اداره سیاسی
دبیرخانه، دیگری سرگرد آبراهام(۷) و سومی مادام ن. شپیلر(۸) هر سه نفر یهودی!..
موقعی که مسئله اقلیت ها پیش آمد، قرار بنا شد تمام دول عضو جامعه ملل

۱-



حمایت آنها را قبول کنند و بعبارت ساده تر، اجازه دهند که در هر مملکتی، یک دولت
یهودی هم تشکیل شود!!!
قویترین مدافع این طرح، لرد رابرت سیل(۱)، نماینده دولت انگلستان.
یکی از بنی اعمام مستر آرتر بالفور(۲) وزیر خارجه سابق انگلستان بود!
بطوریکه ملاحظه شد، جامعه ملل، کانون خطرناکی بود که یهودیان برای تسلط
بتمام دول دنیا تشکیل دادند و امیدوار بودند که کلیه نقشه های خود را بوسیله این کانون
انجام دهند و به آمال و آرزوهای دیرین خود نائل گردند، چنانکه یکی از نمایندگان
سازمانهای یهودی در ضمن نطقی که در جامعه ملل نمود، چنین اظهار داشت:
«واقعاً ما از تاسیس این جامعه، خرسندیم، زیرا تمام آمال و آرزوهای ملت
نجیب بنی اسرائیل را این موسسه تامین میکند، و منافع مقدس ما را حفظ مینماید،
یهودیان دنیا، وظیفه دارند تا آخرین دینار (؟!) و آخرین قطره خون خود
این موسسه را تقویت کنند!...»
بنابراین نباید تعجب کرد وقتیکه یهودی معروف به اسحق تسانگویل(۳) میگوید:
«فکر تاسیس جامعه ملل، یک فکر یهودی است!...»

# نفوذ یهودیان در روسیه و انگلستان و امریکا.

## I- روسیه.

نفوذ جهانگیر جهودها را در کشور روسیه از مضمون مقاله‌ای که در ماه نوامبر ۱۹۱۰ در روزنامهٔ «اخبار مسکو» بقلم ک. تور(۱) انتشار رسیده و برنامهٔ مخفی یهودیان را آشکار ساخت، میتوان دریافت.

دراین مقاله بخوبی دیده میشود که چگونه در دورهٔ روسیهٔ تزاری یهودیان بمقاصد خود رسیده، باجرای نقشه‌های سهمگین خود پرداخته‌اند: اینک چند جمله از این مقاله را برای نمونه نقل میکنیم: «در این پنجاه سال اخیر، خدا میداند چقدر کشور ما دچار چه بلیات گوناگون گردیده و بحرانهای عجیب دیده!.. ولیکن نباید غافل بود که بعد از هر بلیه و پس از هر بحرانی یهودیان یک قدم بجلو رفته‌اند!..

انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه کاملاً بنتیجه نرسید معهذا یهودیان بوسیلهٔ آن نتایج شایانی بدست آوردند. اگر در همان مجلس ۱۹۰۶ — همان مجلس نیمه دموکرات — [illegible] گروهی از نمایندگان طرح قانونی پیشنهاد کردند که بموجب آن یهودیها از تساوی حقوق کامل برخوردار گشته و علاوه بر این امتیازات تازه‌ای داده شد!..

---

1- K: J. Tour.



بود، اقامتگاه آنها فقط در محلهٔ جهودها بود ولی بعدها توانسته پیدا کرد و هر یهودی حق آنرا یافت که در هر جای شهرها و کشورهای روسیه اقامت کند: پس انقلابات در هر شهر و محله رود ولی نتیجهٔ آنها فقط بنفع جهودها چیز دیگر نبود!..»

یکی از نویسندگان معاصر روسی دامچانکو(۱) این مطلب را در کتابی که بسال ۱۹۱۱ منتشر ساخت، بخوبی روشن میسازد:

«نظر بعقیدهٔ قلبی که یهودیان دارند، هیچوقت این قوم آواره و بی‌وطن، نمیتوانند عشقی بملتی که بطفیل آن زندگی میکنند، بستیزه برخیزد، ولی اینها بکار یک نوع خودکشی آسانی برای ملل غیریهودی اختراع کرده‌اند و آن جنگها و خصومتها و نفاقهای داخلی خود آنان است که بتهییج دقت فراهم کنند و بنهایت جدیت بموقع اجرا میگذارند.»

اگر سابقاً یهودیها در دورهٔ تزاری با اذیتهای کوتاه دست و بیچاره بودند، پس از انقلاب ۱۹۱۷، قضیه کاملاً برعکس شد. معاهدهٔ برست لیتوسک(۲)، ایجاد رژیم شوروی وغیره تماماً از کارهای یهودیهاست!

یهودیها، انکار نمیکنند و نمیگویند که بلشویسم خود شان باشند سهل است، که ایجاد این رژیم را از شاهکارهای خود میشمارند. چنانکه یک نفر جهود باسم کوهن(۳) در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۱۹ در یکی از روزنامه‌های خارکف که بزبان یهودی چاپ میشود و بنام «کمونیست» شهرت دارد، چنین مینویسد:

«بدون اغراق باید گفت که انقلاب کبیر اجتماعی روسیه، شاهکار یهودیان است. نه فقط ما یهودیان از آغاز تا انجام آنرا بدقت تهیه دیدیم و اجرا کردیم، بلکه

---

1- Damtchanko. 2- Brest-Litowsk. 3- Cohen

رژیم شوروی را همه ما اداره میکنیم و اداره‌اش را ادامه میدهیم ... مادام که رهبر
آتش سرخ بدست تروتسکی(1) است، یهودیان دنیا میتوانند آسوده باشند!»
بنابراین بدون هیچگونه تردید میتوان گفت که تولید انقلاب سرخ و ایجاد
رژیم بلشویک فقط کار یهودیها است: آیا میدانید کرنسکی(2) که بود؟
یک نفر یهودی!. لنین که بود؟ شوهر یک زن یهودی! تروتسکی، رادک، زینوویف(3)،
کامنف(4) و سه ربع از کمیته‌های شوروی که بودند؟ همه یهودی!
وقتی هم دولت شوروی بفلسطین حمله کرد، یهودیهای فلسطین آنان را مانند
برادر پذیرفتند و در همه جا خدمت قشون روس را قبول کردند و در موقعی نیز که روسها
عقب نشینی میکردند، با آنان از فلسطین خارج گشتند!
نکته‌ای هم اینجا نباید ناگفته گذاشت این است که همانطوری که همه میدانیم، یهودیها
بیش از همه چیز به مالکیت شخصی اهمیت میدهند و حتی آرزو دارند که کلیه
ثروتهای دنیا را بدست آورده، مالک شوند و هیچوقت حاضر نشوند که دارائی خود را
از دست بدهند و رژیم بلشویکی را بپذیرند. اکنون باید دانست علت چیست که یهودیها
این رژیم را بدست خود بوجود آوردند و در ترویج و اشاعه آن از هیچگونه کوششی
فروگذار نکردند؟! جواب این سؤال را بطور مشروح و واضح در همین کتاب ذکر کنیم
و برای اطلاع کامل بر حقیقت رژیم کرنسکی و بلشویکی مطالعه فصول این کتاب کافی است.

---

1- Trotsky. 2- Kerensky. 3
4-



## II- انگلستان.

دولت بریتانیا از دیرزمانی کاملاً مقهور سیاست فرزندان اسرائیل بوده
و کمتر کسی پیدا میشود منکر این امر باشد.
اشخاصی که هم در ۱۹۱۸، زمان اختتام جنگ و انعقاد عهدنامه صلح، حکومت
انگلستان را در دست داشتند، بخاطر بیاورید! شش نفر یهودی، در آن موقع سمت
«مشاور محرم اعلیحضرت پادشاه» را داشتند. دو نفر دیگر عضو رسمی شورای
وزیران بودند: سر آلفرد مند(1)، و ادوین منتاگو(2) و شاید بتوان گفت
که این هشت نفر، مهمترین یهودیان دولت انگلیس، در سیاست کلی قدرت بودند.
بعد از جنگ بین‌الملل و شکست دولت عثمانی، موقعی که انگلستان قیمومت
فلسطین را یافت، در حالیکه از هفتصد هزار نفر سکنه آنجا فقط شصت و پنج هزار نفر
یهود بودند، کسی را که برای حکومت فلسطین تعیین نمودند، یک نفر یهودی بنام سر هربرت
شموئیل(3) بود که ماموریت داشت رژیم یهودی را بنام صهیونی بر اعراب فلسطین
حکمفرما سازد.
همین که در کوئینس لاند پست فرمانداری خالی شد، دولت بریتانیا یک نفر
یهودی را بنام سر ماتیو ناتان(4) برای این مقام در نظر گرفت.
همچنین بطوریکه سابق براین متذکر شدیم، دفتر ... مسئله اقلیت
بیش از ... تاسیس ... مستقل یهودیها در کشورهای مختلف [illegible]

---

1- Sir Alfred Mond 2- Edwin Montagu
3- Sir Herbert Samuel 4- Sir Mathew Nathan

طرح شد، قوی‌ترین مدافع این نهضت، لرد رابرت سیسیل [1] نماینده مجلس انگلستان و یکی از عموزادگان وزیر خارجه انگلستان بود.

چندی بعد، ولیعهد انگلستان سفری بدور دنیا کرد تا دومینیون‌ها و مستعمرات امپراطوری بریتانیا را شخصاً بازرسی کند. بمحض مراجعت او، یهودیها هم سفر دیگری برای او باسم «[illegible]» تهیه دیدند و مخصوصاً این سفر را تدارک کردند تا خودشان در اغلب پذیرائی‌ها شرکت کنند و بنام سازمانهای یهودی، از او سپاسگذاری کرده، بستگی خود را بدولت انگلستان نشان دهند.

از طرف سازمانهای مزبور، خاخام بزرگشان بنام هرتس [2] بهمراهی یهودی دیگری موسوم به ولف [3] در این سفر ولیعهد را مشایعت نمودند و در همه جا بتشکیلات یهودی کشورهای تابعه سرکشی کردند و ولائی را که در طی مدت مدید فراموش و کمی سرد شده بود باز بجوشش و غلیان آوردند و پولهائی جمع کردند تا آن عبادتگاه بزرگی برای یهودیان لندن بسازند. دولت انگلستان هم منتهی جدیت را بکار برد تا این مسافرت صورت رسمی بخود دهد و برای این کار، به شامی که قبل از حرکت مسافران داده شد، جلال و عظمت مخصوصی بخشید. وزیران و نمایندگان دومینیون‌ها و مستعمرات همه در آن شام حضور داشتند. لرد روتشیلد [4]، نماینده یهودیان که سمت ریاست مجلس پذیرائی را داشت

---

1—
2—
3—
4— L. Rothschild.



بسلامتی «اعلیحضرت پادشاه» جام شراب خود را نوشید و در نطق کوتاهی اعلام داشت دولت انگلستان همواره احساسات و عواطف دوستانه خود را از یهودیان دریغ ننموده و مخصوصاً «دولت حاضر» از هر حیث برای اجرای آمال آنان بطرز قابل توجهی مرکوز شد.

در پاسخ او، نماینده دولت بریتانیا، لرد میلنر [1] از اعضای مجلس تشکر کرد و گفته‌های او را باعث افتخار دولت انگلستان دانسته و اظهار داشت که دولت انگلستان از صمیم قلب از زحماتی که یهودیان در راه عظمت آن کشیده‌اند سپاسگزاری مینماید.

در کاپتاون [2] و یوهانس‌بورگ [3] و تمام شهرهای استرالیا، نمایندگان یهودی با آغوش باز پذیرائی شدند. مثل شاهزادگان با آنان رفتار شد. مأمورین دیگر کشورها باستقبالشان آمده و حد سازگاری خود را با آنان با منتهای خضوع و تواضع ابراز داشتند !!!

روزی، حکومت لوید جورج [4] اطلاع یافت — معلوم نیست از کجا؟ — که در لهستان، یهودیها را شکنجه میکنند، برای این کار هیئتی برای بازرسی بلهستان روانه گردید! میدانید رئیس آن هیئت که بود؟ سر ستوارت سموئل: یک یهودی!

---

علاوه براینها، وقتی لرد چلمسفرد (۱) دوره نیابت سلطنت خود را در هندوستان بپایان رسانید، سفیر انگلیس در امریکا، همان یهودی معروف، همان اسحق ملقب به لرد ریدینگ را بجانشینی او انتخاب کردند. لرد ریدینگ همان کسی است که بدواً وزیر عدلیه بود، سپس سفیر کبیر و کمیسر عالی شده بود، بالاخره بمقام نیابت سلطنت هندوستان نیز رسید.

انعقاد صلح بین روسیه و انگلستان پس از انقلاب بلشویکها، بدون تردید، در نتیجه تأثیر روح و نفوذ جهودی در افکار آقای لوید جورج بود. آری! دولت سرمایه دار انگلستان، سالیان متمادی، مدافع زندگانی وحشیانه بلشویکها بود. حتی امروز هم این رویه ادامه دارد و هر دو کشور سرمایه دار و بلشویک، که از حیث رژیم و طرز حکومت، مثل آب و آتش، باهم مخالفند، مدافع همدیگر بوده، اتباع و جراید خود را در راه یکدیگر قربانی میدهند.

آیا تمام این قرائن و امارات کافی نیست برای اینکه ثابت کند سیاست انگلستان در همه جا و در همه وقت، سیاست بنی اسرائیل است؟..

1- Chelmsford.



## III- امریکا.

امریکا، کشور پول و طلاست... بنابراین، ما هیچگونه احتیاجی نخواهیم داشت که نفوذ جهودها را در آنجا بطور تفصیل شرح دهیم ... فقط همین قدر متذکر میشویم که از موقعی که ویلسن بریاست جمهور کشورهای متحده امریکا رسید، نفوذ یهودی روز بروز بر دامنه خود افزود. و اگر بگوئیم نفوذ یهودیها در امریکا از انگلستان بیشتر است راه اغراق نپیموده‌ایم.

حالا یعقوب شیف بانکدار جهود را در تنظیم عهدنامه صلح — که سابقاً بآن اشاره کردیم — بخاطر بیاورید.

ویلسن، رئیس جمهور فوق الذکر، باندازه‌ای تحت نفوذ و سلطه جهودها قرار گرفته بود که حتی پس از آن که از ریاست جمهوری کناره گرفت، باز از تحسین یهودیها دست برنداشت. جامعه ملل از او درخواست کرده بود که در یک دعوای بین‌المللی بزرگ داوری کند. خود ویلسن (چون بیمار بود) این سمت را نپذیرفت و یک نفر یهودی را بجانشینی خود معرفی کرد.

هنگامیکه مسئله یهود در سیلزی مطرح شده بود صریحاً در نطق خود اظهار داشت: «در کشورهای متحده امریکا، ما ایمان داریم که یهودیان افراد مفیدی میباشند و با یک حس صداقت بکشور خدمت میکنند و منافعشان با منافع ما ابداً اختلاف ندارد.»

بطوریکه سابق براین نیز متذکر شدیم، نفوذ جهودها را در ایران قدیم و ایران کنونی بطور جداگانه بررسی و مطالعه نموده و طی رساله علیحده‌ای بطور مفصل

و شروع بیان خواهیم نمود:

# رمز افعی.

در فصل سوم این کتاب، اشاره به «افعی» علامت پیشرفت دائمی یهودیان در راه تسلط بر دنیاست، ملاحظه میشود.

نیلوس در پایان ترجمهٔ خود، درباره این افعی دقایقی ذکر می‌کند که قابل ملاحظه است. این افعی علامت قدرت یهودیان است؛ این افعی نشانهٔ فتح یهود در دنیاست. این افعی علامت حلقهٔ محاصره‌ای است که یهودیان، سایر ملل را، بآن گرفتار دام شیطانی خود ساخته اند.

مطابق اخبار و روایات یهودی، این افعی در زمان حضرت سلیمان پیدا شده است و سر آن رؤسای یهودی را نشان میدهد. هرجا که این سر مسموم کننده وارد شود، در هر ملتی که این رؤسای جنایتکار رخنه کنند، آن ملت را تباه میسازند، فاسد میکنند، از بین میبرند. این سر از صهیون حرکت میکند، پس از گردش دور دنیا باز به آنجا عودت مینماید.

صهیونیها خط سیر این افعی مهیب را با دقت کامل ترسیم نموده اند. و در روی نقشهٔ سمبلیکی، مراحل راه این افعی باید بپیماید، علامت گذاشته اند.

در اولین مرحله بیونان، رسیده ~~...~~ و این امر در زمان پریکلس[1]

1- Pericles.



صورت گرفته (در سال ۴۲۹ قبل از میلاد).

اندکی قبل از تولد حضرت عیسی، سر افعی به رم رسید (در زمان سلطنت اوگوست امپراطور پادشاه روم). در زمان شارلکن این سر بمادرید رسید. در زمان لوئی چهاردهم به پاریس، و در موقع انقراض حکومت ناپلئون، بلندن و در ۱۸۷۱ به برلین (پس از انعقاد معاهدهٔ فرانکفورت) در ۱۸۸۱ به سن پطرزبورگ رسید.

باید دقت کرد که هر کشوری که سر این افعی بآنجا رسیده آثار نیش مهلک وی در آنجا مشاهده میشود، دچار تشنجات اشخاص بارگزیده شده، دیگر فقرا انقلابات خانه برانداز و فقر و فاقه و بحران گردیده و در نتیجه این بحرانها برای تسلط یهودیان زمینهٔ مساعد و خوبی تهیه شده است.

نقشهٔ گردش افعی، بعد از سن پطرزبورگ، مسیر آن را چنین مینمایاند: مسکو ـ کیف ـ ادسا ـ قسطنطنیه ـ باکو ـ تهران و غیره... و بالاخره بیت‌المقدس که هم مبدأ آن و هم منتهی و مقصد.

◎ ✿ ◎

کتاب حاضر، چنانکه گفته شد، مجموعه‌ای از چند صورت جلسه یا «پروتکل» است، عدهٔ این پروتکلها بیست و چهار است. ولیکن اگر بدیدهٔ دقت بنگریم در حقیقت این صورت جلسه‌ها، عبارت از یک رشته پند و اندرز و دستورهای سیاسی است و مولفین ~~...~~ آن چنین در نظر داشته اند که در ضمن بیست و چهار درس عقاید بنی اسرائیل را بهر یهودی تعالیم تعلیم نمایند و منظوری را که باید دنبال کند یاد بدهند.

اندرزهای حکماء......



# اندرزهای حکماء......

## فصل اوّل.

### حق در زور است.

عبارت پردازی را کنار بگذاریم و به افکار و اندیشه‌ها بیشتر توجه کنیم.
هر یک از آنها را جداگانه بررسی نمائیم و اوضاع جهان را با این افکار
مقایسه و تطبیق کنیم و نتیجه بگیریم.
با این مقدمه ما سعی میکنیم روش و نقشهٔ اساسی حکومت
خود را از نظر سیاسی و از لحاظ شیخیان تشریح کنیم.
باید در نظر داشت که در هر جامعه بشری اشخاص پست و کودن
بمراتب از کسانی که ملکات و فضائل عالی دارند بیشتر است. بدین جهت
است که برای اداره کردن ملل و اعمال قدرت، از فن روانشناسی
بهتر می توان استفاده نمود تا از مباحثات علمی و مشاجرات [illegible]
انسان بالطبع عاشق زور و قدرت است. هر کس میل دارد، اگر بتواند،

دیکتاتور و حاکم مطلق گشته و بقدرت میتوان اشخاصی یافت که برای
اجرای نقشه و نیل به آمال شخصی خود حاضر بفدا کردن جان و مال دیگران باشند.
پس چیست که این موجود وحشی و خونخوار را که ما آدمی نام میدهیم تاکنون
از ابراز غرائز حیوانی خود باز داشته است ؟

کدام قوهٔ مرموز است که تاکنون او را راهنمائی نموده است ؟
در آغاز تشکیل اجتماعات انسانی، برتری با زور و خشونت بود.
سپس زورمندان چهرهٔ خود را با نقاب «قانون» پوشانیدند و جملهٔ مردم از آن
متابعت نمودند.

پس، قانون خود زور است و قانون طبیعت حق زور.
حق در قدرت است و بس !

## آزادی خیالی بیش نیست.

آزادی سیاسی فقط خیال و وهم است و هیچگاه بجامهٔ عمل نپوشیده. با برای اینکه
کسانیکه میخواهند بیاری زور خود بر جامعه مسلط شوند و افراد را بجانب خود
بکشانند باید از این خیال باطل و فکر غلط استفاده کنند و بدین وسیله توده را بجنبش
و شورش وادارند. حکومت موجود را منقرض سازند و خود زمام امور را
بدست گیرند. مخصوصاً این مسئله موقعی آسانتر میشود که آن جنبش و طغیان از فکر آزادیخواهی
تولید شده و حریف مقداری از نفوذ و قدرت خود را برای پیشرفت این فکر بکار انداخته باشد. در این
صورت غلبه نظریات ما سهلتر و آشکارتر خواهد شد: بدین هنگام دستهای تواناتری بنوبت زمام گسیخته
قدرت را خواهد گرفت. زیرا بنابقانون زندگی، قدرت مطلقه نمیتواند حتی یکروز



بدون هادی و رهبر باشد. و بدین ترتیب قدرت تازه جانشین قدرت سابق که در نتیجه آزادیخواهی رو بزوال گذاشته است خواهد گشت.

## طلا.

اگرچه تاریخ گذشته، دوره‌هائی را که عقیده و ایمان بر روح بشر مسلط بوده
و زمام حکومت ملل را در دست داشته است، بما نشان میدهد، و لیکن باید
تصدیق نمود که در دوره کنونی، سلطنت طلا، آزادیخواهان را از دایرهٔ
حکومت بیرون انداخته و خود تنها جانشین آن گردیده است.
چنانکه در فوق اشاره کردیم، فکر آزادی هرگز صورت حقیقت نگرفته و
نخواهد گرفت. زیرا کسی نخواهد توانست آنرا بطرز صحیحی عملی نماید.

## استقلال ـ استبداد سرمایه داران.

برای اینکه بوسیلهٔ تولید نفاق و جدائی در میان افراد یک ملت، قدرت
آنها را مضمحل سازیم و حکومت و سلطهٔ خود را بسط دهیم، کافی است که چند
روزی آنها را آزاد بگذاریم، تا اینکه زمام حکومت خود را در دست گیرند و
باداره امور خود بپردازند. مدتی بیش نخواهد گذشت که این خود مختاری تبدیل به
بی نظمی و اغتشاش خواهد شد و نفاقهائی در میان افراد تولید خواهد نمود که بالاخره
بجنگ داخلی منجر خواهد گردید، و همین امر خود بهترین وسیلهٔ از بین بردن دولتها
و محو عظمت آنها است. دولتی که بدین ترتیب دچار تشنج گردید و اختلافات
داخلی قدرت وی را به نفع دشمنان و رقبای خارجی ضعیف و ناتوان ساخت،
بدون تردید میتوان آن مملکت را محو شده و از بین رفته شمرد :

در نتیجه، چنین دولتی در تحت سلطهٔ قدرت ما قرار خواهد گرفت و «استبداد سرمایه» (۱) که در حکومت ما بطور کامل وجود دارد برای وی بمنزلهٔ تخته پارهٔ نجات خواهد بود که او ناگزیر خواهد شد خواهی نخواهی بآن توسل جسته و زحمت خیس شدن و احیاناً غوطه خوردن را نیز تحمل نماید.

## دشمن داخلی – هرج و مرج.

من، از کسی که روح آزادی خواهش، این استدلال ما را منافی اصول اخلاقی میشمارد، می پرسم: وقتیکه دولتی میان دو دشمن قرار گرفته، درصورتیکه باو اجازه داده میشود که در مقابل دشمن خارجی با اقدامات لازم بپردازد و تمام وسایل پیروزی و پیشرفت در جنگ – از قبیل مخفی داشتن نقشه‌ها، حمله و یا دفاع، شبیخون، غافلگیر نمودن و غیره – را بکار برد، بدون اینکه هیچکدام از این اقدامات منافی مبانی اخلاقی شمرده شود، پس علت چیست که عین همین اقدامات اگر بر علیه دشمن بدتری – که برای تخریب نظم اجتماعی و اصول مالکیت قیام نموده است – انجام شود، منافی اخلاق و نامشروع محسوب میگردد؟

کدام عقل سلیم میتواند امیدوار باشد باینکه بتواند جامعه‌ای را بوسیله پند و اندرز یا مباحثه و اقناع اداره نماید، درصورتیکه راه مخالفت را برای مخالفین عوام فریب و چرب زبان، که پیوسته با انتقادهای فریبنده و دلربا بجان تودهٔ زود باور و ظاهر پرست افتاده و به تخطئه نمودن اقدامات وی بکوشند، باز گذارده باشد؟

---

1- Despotisme du capital.



بدون تردید میتوان گفت که اختیار و ارادهٔ اشخاص پیوسته در دست احساسات کوچک و موهومات و اساطیر میباشد و همین صفت خود بهترین وسیله برای استفادهٔ جمعیت‌ها و احزاب سیاسی قرار میگردد.

با در نظر گرفتن صفاتیکه برای افراد و اجتماعات بشری شمردیم، با کمال اطمینان میتوانیم بگوئیم که کلیهٔ تصمیمات جامعه تابع یک اکثریت اتفاقی و سطحی است و از آنجائیکه افراد توده‌های مردم غالباً برموز و اسرار سیاست آشنا نیستند، بنابراین، تصمیماتشان نیز معمولاً نامربوط و بی معنی میباشد و درنتیجه، زمینهٔ مساعدی برای تولید هرج و مرج تهیه میشود و بلحظه بنیان دولت و حکومت متزلزل میگردد.

## سیاست و اخلاق.

سیاست هیچگونه وجه اشتراکی با اصول و مبانی اخلاقی ندارد. و دولتی که برای ادارهٔ جامعه، اصول اخلاقی را رهبر خود قرار بدهد، حرکت سیاستمداری نبوده و بزودی قدرت خود را از دست خواهد داد. بنابراین کسیکه میخواهد زمام ادارهٔ جامعه‌ای را بدست گیرد باید در درجهٔ اول به حیله و عوام فریبی و ظاهر سازی متوسل گردد.

صفات بزرگ ملی – از قبیل صداقت و شرافت و امثال اینها – از عیوب سیاست بشمار میروند، زیرا هیچ دشمن قوی، باندازهٔ این صفات برای تاج و تخت پادشاهان خطرناک نمیباشد...

اینگونه صفات، باید عمداً و صفات مخصوصهٔ حکومتهای سیمی باشد، به هیچوجه نباید آنها را شعار خود قرار دهیم.

## حق اقویا.

مرام و مقصود ما، همیشه و در همه جا، بدست آوردن زور و قدرت است.
کلمهٔ «حق» در نظر ما پشیزی ارزش ندارد و ساده ترین معنائیکه برای آن میتوانیم بیان کنیم این است: «هرچه میخواهم بمن بدهید، تا بواسطهٔ آن بتوانم ثابت کنم که از شما قویتر هستم.»

حق از کجا شروع میشود و بکجا منتهی میگردد؟

هرگاه دولتی دارای تمرکز و اقتدار کافی نباشد و در نتیجهٔ رواج بازار آزادی پرستی (۱)، زمام قوانین و حکومت آن بدست اشخاص هشیاری بیفتد، در چنین دولتی حق تازه‌ای برای ما ایجاد میگردد: اصل حقانیت قوی (۲)، بما حق میدهد که بقوت خود را در میان انداخته و کلیهٔ انتظامات و تأسیسات موجوده را واژگون سازیم و انتظامات جدیدی موافق میل خود برقرار نمائیم و بدین ترتیب سرنوشت ملتی را که این حق را، آزادانه و باختیار خود، بما واگذار نموده است، بدست گیریم.

---

1- Liberalisme.
2- Le droit du plus fort.



## قدرت یهودیان و فراماسونها شکست ناپذیر است.

برخلاف قدرتهای کنونی که هر لحظه بیم شکست و زوال آنها میرود، قدرتی که ما با اسباب و وسایل مخصوصی بدست خواهیم آورد محکمترین و با دوام ترین قدرتها خواهد بود و چنان در میان اجتماعات بشری ریشه خواهد دوانید که هیچگونه حیله و سیاستی، هر قدر متین و عاقلانه هم باشد، بکندن بنیان آن موفق نخواهد گردید.

## هر هدف مشروع، وسایلی را که برای نیل بآن بکار میرود مشروع میسازد.

اقدامات اولیهٔ ما اگرچه ظاهراً نکوهیده و ناپسند بنظر میرسد ولکن چون همین اقدامات، اساس و پایهٔ یک دولت تزلزل ناپذیری را بوجود میآورد، علیهذا نتیجهٔ مطلوبی که بدست خواهد آمد، وسایلی را نیز که در راه نیل بآن نتیجه، بآن توسل جسته ایم، صفت مشروعیت خواهد بخشید.

بنابراین ما باید در نقشه‌ها و پیشنهادهای خود از «نیکی» و «اخلاق» صرفنظر نموده و فقط به «ضرورت» و «لزوم» و «فائده» متوجه گردیم.

## مردم کورند.

برای پیدا کردن وسیلهٔ اجرای نقشه‌های خود باید از یک عده صفات مخصوص جامعه — از قبیل سستی، تزلزل، فقدان اراده، کم ظرفی — استفاده

کنیم و پیوسته در نظر داشته باشیم که قدرت جامعه کور و فاقد حس بوده و هرگز به تعقل و اندیشه قادر نمیباشد و ضعیفترین صدائی، که از راست یا چپ بگوش او برسد، برای از جا دربردن وی کافی خواهد بود.

هیچگاه نابینائی نابینای دیگر را رهبری نمیکند مگر آنکه او را به پرتگاه هلاکت بکشاند. بهمانطور، اعضای یک جامعه — اگرچه دارای روح نبوغ بوده از سیاست نیز بی اطلاع نباشند — نمیتوانند ادعا کنند که زمام اداره جامعه ملت خود را در دست خواهند گرفت بدون اینکه این اقدام آنها به محو و زوال آن جامعه منتهی گردد.

تنها فردیکه میتواند از عهده این کار خطیر برآید، کسی است که از کودکی طبق اصول مخصوصی، برای سلطنت استبدادی تربیت و آماده شده بلکه به رموز و نکات سیاست نیز آشنا باشد.

## تفرقه و نفاق احزاب.

اگر بملت آزادی کامل داده شود و اداره امورش بافراد و اعضاء همان ملت واگذار گردد، هر روز دسته‌ها و احزاب متعدد با مرامهای رنگارنگ پدیدار خواهد شد و اختلاف مرامها باعث تولید نفاقهای بنیان‌کن خواهد گردید و بی‌نظمی و اغتشاشی که زائیده همین نفاقها است جامعه را براه زوال و نیستی سوق خواهد داد.

آیا میتوان تصور کرد که افراد چنین ملتی بتوانند بدون مواجهه باقاچهای



داخلی، با آرامی و تعقل، به تنظیم امور کشور و تأمین و حفظ منافع عمومی جامعه — که بهیچوجه با منافع شخصی قابل مقایسه نمیباشد — بپردازند؟

آیا چنین جامعه‌ای که چگونگی اوضاع داخلی آنرا تشریح کردم، در مقابل دشمنان خارجی بدفاع از حقوق و آزادی خود قادر خواهد بود؟ بدون تردید میگوئیم نه! زیرا نقشه و پروژه‌ای که میان سرهای بیشماری که جامعه‌ای را تشکیل میدهند تقسیم شود، مسلماً وحدت و هم‌آهنگی خود را از دست خواهد داد و صورت عمل نخواهد پذیرفت.

## بهترین شکل حکومتی که شما را بمنظورتان میرساند حکومت مطلق العنان است.

چنانکه گفتیم، فقط یک سلطان مستبد و حکمران مطلق و بلا رقیب میتواند نقشه‌های وسیع و روشنی تنظیم نماید و ماشین حکومت و اداره امور یک ملت را براه اندازد.

پس، از گفته‌های فوق، چنین نتیجه میگیریم که، بدون استبداد مطلق و قطعی، دوام زندگانی یک جامعه غیرممکن است و اداره یک حکومت برای آنکه بحال کشور مفید باشد و وسایل نیل به آمال و آرزوهای ملت را تأمین نماید، باید در دست یک فرد تنها و مسئول متمرکز گردد.

جامعه بشری، که موضوع صحبت ما است، موجودی وحشی است که در هر فرصتی وحشی بودن خود را نشان میدهد و اگر چند روزی بدو آزادی کامل داده شود بزودی آزادی خود را به هرج و مرج که بالاترین درجه وحشیگری است تبدیل نماید

## تاثیر نوشابه های تند – عیاشی و بیماری.

آدمیان، حیواناتی بی‌مغز و کشوری هستند که حق مستی و لاابالیگری بی‌حد و همراه با حق آزادی توأماً به آنها داده شده و در نتیجهٔ افراط در صرف مشروبات الکلی آنها هوش و ادراک خود را بکلی از دست داده اند. ولی ما هرگز نمی‌توانیم اجازه بدهیم که افراد ما نیز باین روز سیاه بیفتند.

ملل مسیحی، چنانکه گفتیم، بواسطهٔ زیاده روی در صرف مسکرات کاملاً بلغور و احمق شده و جوانان آنها بواسطهٔ تحصیلات بیفایدهٔ کلاسیک و فسق و فجورهای پیش از موقع، که وسایلش بتوسط عمال و مامورین ما تهیه می‌گردد، بیهوده تلف گردیده و حرارت و نشاط جوانی را بکلی از دست میدهند. عمال و مامورین زبردست ما، که در تمام شئون زندگانی آنها دخالت دارند، در خانه‌های ثروتمندان بصورت خدمه و در تفرجگاه جوانان مسیحی بصورت ~~خدمه~~ زنان هرجائی نمودار می‌گردند.

## اصول حکومت یهودیان و فراماسونها.

### «وحشت و ترور».

کلمهٔ «ظلم» در نظر ما معانی مخصوصی دارد از قبیل: زور، فشار، عوام فریبی و ظاهرسازی.

زیرا بعقیدهٔ ما در دنیای سیاست تنها وسیله‌ای که می‌تواند ما را بمقصود برساند زور و عوام فریبی است. این عامل مخصوصاً موقعی می‌تواند نتیجهٔ بهتری بخشد که با سایر صفات خاصی که حقیقةً برای سیاستمداران لازم شمرده‌ای توأم گردد.



دولت صاحب اقتداری که نمیخواهد تاج و تخت خود را بدست عمال قدرت جدیدی تسلیم کند مجبور است دائماً بحیله و عوام فریبی متوسل شود. این صفات «بد»، چنانکه گفتیم یگانه وسیله‌ای است که ما را بهدف میرساند، باین جهت ما آنها را صفات خوب می‌شناسیم.

نکتهٔ دیگری که برای پیشرفت در امور سیاسی باید متوجه آن بود این است که هرگاه برای جلب اطاعت و فرمانبرداری دیگران، از سلب مالکیت اشخاص، ناگزیر گردیم، برای انجام این عمل هیچگونه تردیدی نباید بخود راه بدهیم.

دولت ما برای رسیدن بفتح صلح‌جویانه، که هدف اولیست، بجای کشتارها و دهشتهای میدان جنگ، اعدامهای فردی را مورد استفاده قرار میدهد، زیرا این اقدام اخیر کمتر محسوس شده و بیشتر موثر واقع می‌گردد.

بهترین و بزرگترین عامل زور و قدرت یک دولت مقتدر، شدت و خشونت ثابت و صحیحی است که بهیچوجه قابل انعطاف نباشد. نتایجی که از این عامل عاید ما می‌گردد بمنزلهٔ نتایج قواعد ریاضی، ثابت و قطعی می‌باشد، از اینرو می‌توان گفت راه منحصر بفردی که برای غلبه بر تمام حکومتها و مطیع ساختن آنها در مقابل حکومت عالی خود، در پیش داریم، همین راه شدت و ثبات است. اگر حریفان ما در نخستین وهله متوجه گردند که سیاست ما انعطاف ناپذیر است، هیچگونه سرکشی و طغیانی از خودشان نخواهند داد.

## آزادی – برابری – برادری.

کلمات «آزادی»، «مساوات»، و «برادری» برای اولین

بار، در زمان خیلی قدیم، بتوسط ما به ملل دنیا تلقین گردیده و این طوطیهای بی‌فهم و بی‌شعور تاکنون هزاران دفعه این کلمات را تکرار نموده‌اند بدون اینکه کمترین توجهی بمعنی آنها داشته باشند و نکتهٔ قابل ملاحظه اینجاست که این سه کلمه تاکنون جز برای تخریب اساس اجتماعات و سلب آسایش و رفاه توده‌ها بکار برده نشده است. کسانیکه آنهمه از عقل و دانش لاف میزنند، تاکنون نتوانسته‌اند معنی مرموز و خطرناکی را که در این کلمات نهفته است واضح و آشکار سازند. سالها، این کلمات را تکرار کرده و برای تغییر معانی آنها کتابها و مقالات بیشمار نوشته، صحبتها و بحثهای مفصل نموده‌اند، ولیکن هرگز متوجه نشده‌اند که خود این کلمات در معنی با هم مخالف و متضاد می‌باشند!..

آیا میتوان تصور کرد که در کشوری آزادی و مساوات، با هم و در آن واحد وجود داشته باشد؟

عقلای مسیحی تاکنون متوجه نشده‌اند که در جامعه‌ای که آزادی حکمفرما باشد هرگز دو فرد مساوی وجود نخواهد داشت... و اگر برعکس، بخواهیم مساوات کامل را برقرار سازیم، باید آزادی افراد را بحد اقل پائین آورده بلکه بکلی از بین ببریم. این عقلا (؟) تا امروز ملاحظه نکرده‌اند که طبیعت هرگز دو عقل یا دو روح

---

ـ۱



مساوی خلق ننموده، در تمام شئون آفرینش، مطابق قوانین لایتغیر خود، عدم تساوی را برقرار ساخته است. هنوز نتوانسته‌اند بفهمند که جامعه جز یک قدرت کور و لایعقل چیز دیگری نیست و نمایندگانی نیز که وی برای حکومت و ادارهٔ خود انتخاب مینماید از خود او بیناتر و عاقلتر نمی‌باشند. و برعکس شخص احمق و بیشعوری که بنکات و رموز سیاست محرم و آشنا باشد میتواند بر تودهٔ خیلی بزرگی که از افراد هشیار و نابغه ولی جاهل باسرار سیاست تشکیل شده باشد، حکومت نموده و زمام ادارهٔ امور آنرا بدست گیرد.

اولیای دولت و حکام مسیحی، از تمام این ملاحظات غفلت دارند.

## اصول حکومت ارثی.

در ازمنهٔ سابق طرز حکومت ارثی و سلسله‌ای در بین مسیحیان رواج داشته است و پدرها اسرار سیاست خود را، که جز اعضای خانوادهٔ سلطنتی، کسی بر آن اطلاع نداشت، بپسر و وارث تاج و تخت خود تفویض مینمود و شخص اخیر نیز حق افشای آن اسرار را جز بجانشین خود نداشت. و این یگانه وسیله‌ای بود هم برای سد راه خیانت باسرار حکومت بکار میرفت. لکن بعدها این قاعده نیز از بین رفت و راه نفوذ و موفقیت بیشتری برای ما باز شد.

## چگونه میتوان امتیازات حکومت اشرافی مسیحی را نابود کرد.

کلمات آزادی، برابری و برادری که بوسیلهٔ عمال و مامورین ما

در میان اجتماعات انتشار یافته است، هر روز عده بیشماری را در جزو فدائیان ما وارد می سازد، که با کمال وجد و اشتیاق به اعلای بیرق ما همت میگمارند.
و در عین حال این کلمات کوچک، کرمهائی هستند که ریشه سعادت و آسایش ملل غیر یهودی را جویده، در کلیه نقاط گیتی صلح و آرامش را بهم زده، اساس دولتها و حکومتها را ویران ساخته اند.
ولی چنانکه بعداً بتفصیل خواهم گفت، این وضع در ترتیب پیشرفت ما کمک یافت و علاوه بر منافع بیشماری که از ذکر آنها میگذریم، فرصت پیروزی خیلی مهمی را بما داد و در نتیجه توانستیم اساس حکومت اشرافی[1] غیر یهودیان را براندازیم. تنها وسیله دفاعی را که ملل و جامعه ها بر علیه ما داشتند، از آنها سلب نمائیم. و بر روی ویرانه های حکومتهای اشرافی آنان پایه حکومت پولی و عقاید خودمان را بنا کنیم.
ما اساس آریستوکراسی تازه خود را بر روی دو پایه محکم استوار نمودیم:
۱- ثروت، که در تمام دنیا زمامش در دست ماست.
۲- علومی که بوسیله عقلا و دانشمندان ما تنظیم و تدوین گردیده است.

## حسابهای روحی.

یکی دیگر از مهمترین اسرار غلبه و پیشرفت اجرا نقشه ما این است ما در روابط خود با اشخاصی که مورد احتیاج ما هستند، همیشه به حساسترین نقاط

---

۱- Aristocratie.



روح انسانی — از قبیل حساب، حرص، احتیاجات مادی پایان ناپذیر وغیره — توسل میشویم و بدون تردید میتوان گفت که هر کدام از این ضعفها تنهائی کافی است برای اینکه روح استقلال و ابتکار را در اشخاص خفه نماید و اراده و شخصیت آنها را در اختیار کسی که خریدار فعالیت آنهاست واگذارد.

## قابل عزل بودن نمایندگان ملت.

فکر موهوم و عوام فریب «آزادی» اجتماعات بشری را مطمئن ساخته است براینکه دولت و حکومت بمنزله کفیل دارائی ملت است و چنانکه کفیل را بآسانی میتوان عزل و عوض نمود، بهمانطور عوض نمودن آن حکومت نیز خالی از هر گونه اشکال بوده، با کمال سهولت صورت میگیرد.
ظهور این فکر، راه پیروزی تازه ای برای ما باز نمود و انتخاب و عزل و نصب اولیاء دولت و نمایندگان ملت را نیز در اختیار ما گذاشت...

# فصل دوم

## جنگهای اقتصادی اساس تفوق یهودیهات.

مهمترین نکته ای که در جنگهای بین الملل در درجهٔ اول، برای ما اهمیت دارد، این است که آن جنگها، بمنظور کشورستانی و جهانگشائی نبوده، فقط برای مقاصد اقتصادی صورت گیرد. زیرا در این حالت رجحان و برتری ما از لحاظ اقتصادی بتمام ملل گیتی ثابت خواهد شد و در نتیجه، هر دو طرف متخاصم در اختیار رجال بین الملل ما — که در تمام نقاط دنیا پراکنده اند و با هزاران چشم دقیق و باریک بین، جزئیات زندگی اقوام و ملل را تحت مراقبت دارند — قرار خواهند گرفت و با لحظه حقوق بین الملل ما حقوق ملی آنها را برافکنده جانشین جملهٔ آنها خواهد گردید و روشی که ما برای حیات ملل وضع کرده ایم بجای روشی که خود ملل بتناسب احتیاجات و مقتضیات محلی و تاریخ و جغرافیا برای خود تعیین نموده اند بکار خواهد رفت. و سرانجام بجای آن که هر ملتی سرنوشت خود را خود تعیین کند، عنان مقدرات خود را بدست ما خواهد سپرد.

## مشاورین سری.

نمایندگانی که ما بطور رسمی برای اداره امور ملل انتخاب خواهیم نمود، از اشخاص تربیت شده و باهوش نبوده و در دست مدیران و مشاورین کاردان ما، که از کودکی برای



اداره تمام دنیا پرورش یافته اند، حکم آلت و بازیچه ای را خواهند داشت.

## پیشرفت نظریات مخرب.

مسیحیان، پیوسته از ملاحظات دقیق و بیطرفانهٔ تاریخ غفلت دارند و برای رهبری خود بکیفیت روشهای نظری که فاقد هر گونه نتیجه حقیقی و عملی میباشد متوسل میگردند. از اینرو ما نیز نباید بطرز و کار آنها توجهی داشته باشیم بلکه برعکس باید بگذاریم بهواس سرگرم تفریح باشند و زندگانی خود را در میان بیم و امیدهای بیجا و بیمورد ادامه دهند.

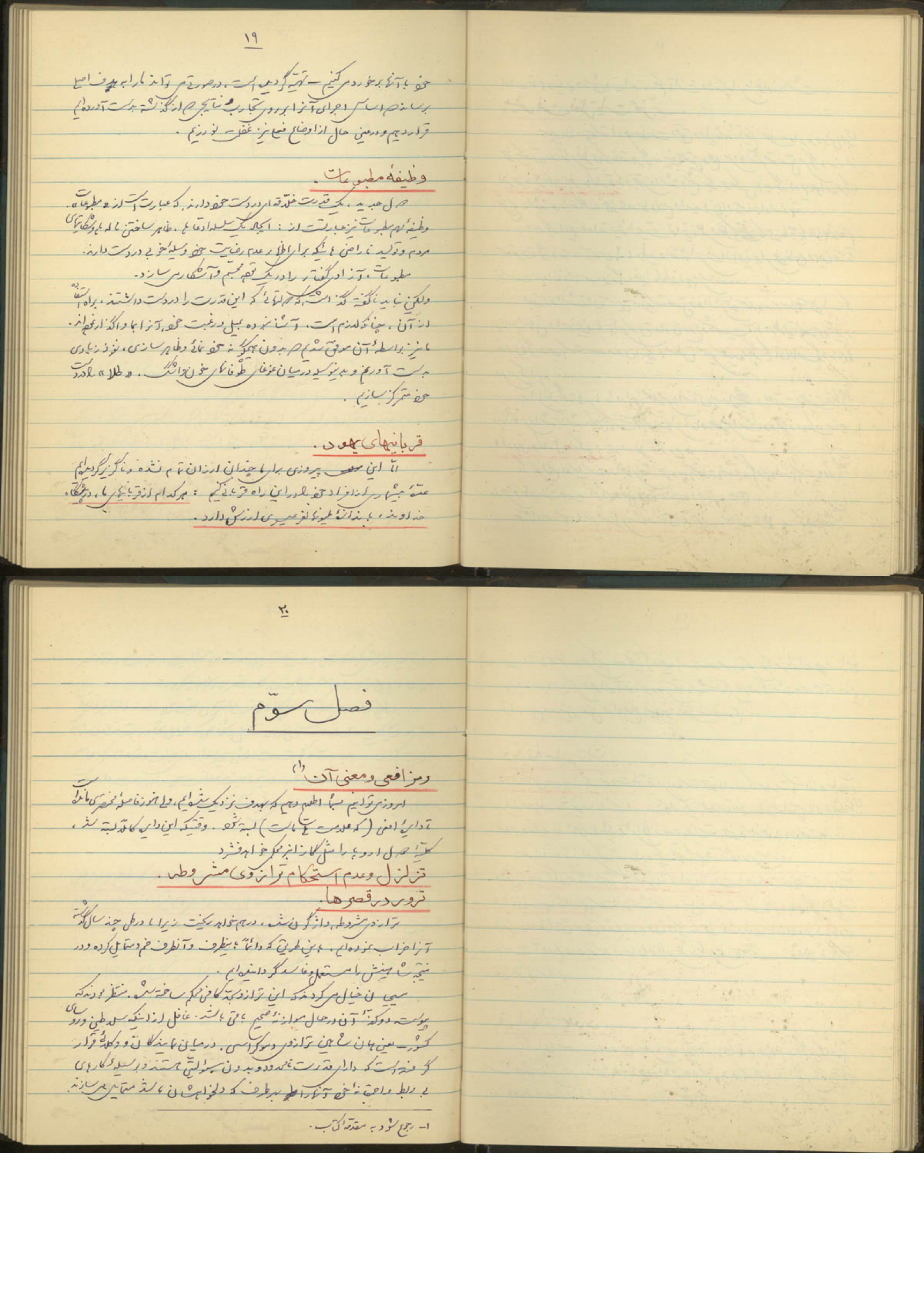
باید بگذاریم در اندیشهٔ اهمیت قوانین علمی و نظریاتی که خود ما آنها را الهام نموده ایم مستغرق گردند، آری! ما وظیفه و نقشه ای غیر از این برای خود نداریم و همین نقشه تنهاست که دائماً اسباب بزرگی و غلبهٔ ما را فراهم میسازد...

عقلا و دانشمندان مسیحی، پیوسته بعقل و دانش خود مغرورند و مسائلی را که بوسیلهٔ عمال و مامورین ما برای رونق دادن روح و شخصیت آنها در طریق مخصوصی تنظیم و تدوین گردیده است — بدون آنکه با منطق صحیح سنجیده و بچگونگی آن واقف گردند بمورد عمل میگذارند.

برای اینکه گفته های ما را در این خصوص بر اساس پندار ندانید و بصحت و حقیقت آنها اعتقاد و ایمان کامل داشته باشید، کافی است که موفقیتهای ما را در خصوص انتشار و نفوذ مهلک عقاید داروین و کارل مارکس و نیچه در نظر آورید.

اگر بخواهیم در سیاست و اجرای نقشهٔ خود دچار خبط و اشتباه نگردیم، لازم است بافکار و کیفیات روحی و تمایلات جدید اقوام و ملل فوق العاده اهمیت بدهیم.

نقشهٔ اساسی ما در قسمت تشکیلات آن برحسب مواجهه با ملل — که در جاده ترقی





خود با آنها برخورد میکنیم — تهیه گردیده است. درصورتیکه می‌توانند ما را به هدف اصلی برسانند، اساس اجرای آنرا بر روی تجارب و نتایجی که از گذشته بدست آورده‌ایم قرار دهیم و در عین حال از اوضاع فعلی نیز غفلت نورزیم.

## وظیفهٔ مطبوعات.

دول جدید، یک قدرت خلاقه‌ای در دست خود دارند، که عبارت است از «مطبوعات». وظیفهٔ مهم مطبوعات نیز عبارت است از: ایجاد یک سلسله ادعاها، ظاهر ساختن ناله‌ها و شکایات مردم و تولید ناراضی‌هائیکه برای اظهار عدم رضایت خود وسیلهٔ خوبی در دست دارند.

مطبوعات، آزادی گفتار را در یک قالب مجسم و آشکار میسازد.

ولکن نباید ناگفته گذاشت، که حکومتهائی که این قدرت را در دست داشتند، براه استفاده از آن، چنانکه لازم است، آشنا نبوده بمیل و رغبت خود، آنرا بما واگذار نموده‌اند. ما نیز بواسطهٔ آن موفق شده‌ایم بدون اینکه خود نمائی و تظاهر سازی، نفوذ زیادی بدست آوریم و بوسیلهٔ آن در میان غوغای طوفانهای خون و نیرنگ، «طلا» را در دست خود متمرکز سازیم.

## قربانیهای یهود.

اما این پیروزی برای ما چندان ارزان تمام نشده و ناگزیر گردیده‌ایم عدهٔ بیشماری از افراد خود را در این راه قربانی کنیم: هر کدام از قربانیهای ما، در پیشگاه خداوند، باندازهٔ هزار نفر غیر یهودی ارزش دارد.



# فصل سوم

## رمز افعی و معنی آن (۱)

امروز میتوانیم بشما اطلاع دهیم که بهدف نزدیک شده‌ایم، ولی هنوز فاصلهٔ مختصری مانده است تا دایرهٔ افعی (که علامت ملت ماست) بسته شود. وقتیکه این دایره کاملاً بسته شد، کلیهٔ دول اروپا را مثل گازانبر محکم خواهد فشرد

## تزلزل و عدم استحکام ترازوی مشروطه.

## ترور در قصرها.

ترازوی مشروطه بزودی واژگون شده، درهم خواهد ریخت زیرا ما در طی چند سال گذشته آنرا خراب نموده‌ایم. باین طریق که دائماً باینطرف و آنطرف خم و متمایل کرده و در نتیجه‌اش محورش را مستعمل و فاسد گردانیده‌ایم.

غیریهودیان خیال میکردند که این ترازو بقدر کافی محکم ساخته شده، منتظر بودند که پیوسته دو کفهٔ آن در حال موازنهٔ صحیح باقی باشد. غافل از اینکه سلاطین و روسای کشور — یعنی همان محور ترازوی دموکراسی، در میان نمایندگان و وکلائی قرار گرفته‌اند که دارای قدرت نامحدود و بدون مسئولیت هستند و بوسیلهٔ کارهای بی ربط و احمقانهٔ خود آنها را بهر طرف که دلخواهشان باشد متمایل میسازند.

---

۱- رجوع شود به مقدمهٔ کتاب.

ولی نباید فراموش کرد که آن صاحب اختیاران مقتدر و بی‌مسئولیت، قدرت بی‌حد و حصر خود را مدیون ترور و رعب موحشی هستند که در قصرها انجام میگیرد.

سلاطین و رؤسای جمهوریت، هیچگونه تقرب و دسترسی مطلق خود ندارند و از این‌رو ناچارند با توده تشریک مساعی نموده، آن را در مقابل اشخاصی که خیال تجاوز بقدرتشان را دارند تقویت کنند. بعبارت دیگر قدرت روشن‌بین رؤسای جمهوریت و قدرت کور جامعه، توسط احزاب تجزیه و از هم تفکیک شده، در نتیجه اهمیت و عظمت خود را از دست داده و بحال نابینائی افتاده است که عصای خود را گم کرده باشد.

## قدرت و جاه‌طلبی.

برای فریب دادن اشخاص جدی و جاه‌طلب نیز نقشه‌ای که طرح نموده‌ایم این است که کلیه‌ی زورها و قدرتها را در مقابل و روبروی هم قرار داده و در هر کدام حس استقلال و برتری بر دیگران را تقویت نموده‌ایم...

کلیه‌ی حزبها و دسته‌های سیاسی را مسلح کرده، در تقویت حس جاه‌طلبی جاهدانه کوشیده‌ایم و باین وسایل موفق شده‌ایم که حرکات بزرگ را بمیدان مبارزه‌ای مبدل سازیم که لحظه بلحظه انتشار و غوغا در آنجا رو بازدیاد و توسعه میگذارد...

ولی هنوز نقشه‌های ما کاملاً اجرا نشده است. بگذارید مدتی هم این بی‌نظمی‌ها و اغتشاشها ادامه یابد، چیزی نخواهد گذشت که ورشکستگی در همه جا ظاهر خواهد گردید.

## ماشینهای سخنرانی پارلمان — هجو نامه‌ها.

پرچانه‌های روده دراز در صحنه‌های پارلمانها و شوراهای مملکتی جار و جنجال راه انداخته اند



و روزنامه‌نگاران جسور و هجوگویان با نشر اکاذیب و مبالغه هر روز بشخصیتهای مملکتی حمله‌ور میگردند.

این افراطکاریها بالاخره وسایل سقوط کلیه‌ی تأسیسات مملکتی را فراهم خواهد ساخت و تمام آن تأسیسات زیر ضربه‌های توده‌ی مردم، که این صداهای گوناگون او را بدیوانه‌ای لایعقل تبدیل نموده است درهم خواهد ریخت.

## بردگی اقتصادی.

کار سنگین و طاقت‌فرسا، چنان با زنجیرهای سنگین، دست و پای توده را بسته است که حتی اصول بندگی و غلامی قرون گذشته نیز او را باین اندازه زبون و بیچاره نمیخواسته. زیرا در سر آن ادوار ممکن بود بطرق مختلف از قید بندگی خلاصی گردید ولیکن هیچگونه راه فرار از بدبختی امروزی برای بشر وجود ندارد.

حقوقی که در قوانین اساسی نوشته شده، برای افراد توده‌ها جز مشتی وهم و خیال نبوده و از هرگونه حقیقتی عاری است.

حق روده درازی بی‌حد و حصر که این قوانین برای پرچانه‌ها قائل میگردند، یا اجازه‌ی نوشتن هرقسم یاوه و لاطائل که بروزنامه‌نگاران بی‌پروا اعطا داده میشود، برای رنجبری که بروی کار کمرشکن و طاقت‌فرسای خود خم شده و بار سنگین سرنوشت استخوانهای ضعیف و بی‌تاب وی را خرد میکند و درهم میشکند، چه فایده‌ای میتواند داشته باشد؟

آری، رنجبر از قانون اساسی، جز یک عمر رنج و اندوه و بدبختی، در مقابل خدمتی که بمردم آن نمایندگان و عمال یا منتخب میگردد، بهره و نصیبی ندارد!

چونکه در قانون اساسی کشورهای جمهوری نوشته میشود، برای یک نفر کارگر بیچاره و تنگدست، جز استهزاء و مسخرهٔ تلخی نمیباشد. کارگر مجبور است نان شب و فرزندان خود را از کار روزانه بدست آورد و این کار روزانهٔ دائمی که حتی یک روز هم ترک آن قادر نیست، هیچگونه فرصت استفاده از آن حقوق را برای وی باقی نمیگذارد و سهل است که حتی گاهی آن حقوق، نان روزانهٔ وی را نیز در خطر انداخته و او را در تحت سلطهٔ اعتصاب کارفرمایان و یا رفقا و همکاران خود قرار میدهد!..

## اضمحلال حکومت اشرافی.

## ظهور محتکرین.

از روزیکه جامعه، بتلقین و اغوای ما، آریستوکراسی (حکومت اشرافی) را که یگانه حامی واقعی و مادر مهربان او بوده و نفعش نیز از نفع و ترقی افراد غیر قابل تفکیک بود، از بین برده و اساس آن را برانداخته است، دچار محتکرین و دزدان زیرک و زبردست گردیده و ناگزیر شده است در زیر یوغ سنگین آنان، بوضع رقت باری گردن خود را خم نماید.

وقتیکه فقر و عاجز کشی محتکرین و دزدان سرمایه‌دار بحد کمال رسید، ما با منجی ستمدیدگان ظاهر خواهیم شد و بآنان پیشنهاد خواهیم نمود که در ردیف نیروی سوسیالیست، آنارشیست یا کمونیست. که از طرف ما تشکیل و حمایت میشود، داخل گردند...

## گرسنگی و حق سرمایه.

حکومت اشرافی حق کامل استفاده از دسترنج کارگران را داشت. بنفعش



در این بود که رنجبران پیوسته با تن سالم و خیال آسوده بکار بپردازند. ولیکن برعکس، اجرای نقشهٔ پیروزی ما اقتضا میکند که کارگران مسیحی کاملاً ضعیف و بیحس شده، بگرسنگی و ناتوانی مزمن مبتلا گردند. زیرا این امر بهیأت آنها را در تحت اختیار ما خواهد گذاشت و قدرت و میل مخالفت را بکلی از آنان سلب خواهد نمود.

ضعف و گرسنگی کارگر، بپول و سرمایه اهمیت و اعتبار و قدرتی می‌بخشد، که در حکومت اشرافی، قدرت سلطنت قانونی از داشتن مثل آن محروم بوده است!..

## ظهور و تاجگذاری پادشاه یهود.

در نتیجهٔ بدبختی و فسادی که از بیچارگی و گرسنگی حاصل میشود، ما موفق خواهیم گردید که اختیار اراده ملل را بدست گیریم و از دستهای آنان برای درهم شکستن مخالفین نقشه‌های خود استفاده نمائیم.

هنگامی نیز که موقع تاجدار شدن سلطان عمومی ما خواهد رسید، همین دستها برای برافکندن تمام موانع و مشکلات بکار خواهد رفت...

## برنامهٔ اساسی آموزشگاههای یهودی.

مسیحیان عادت ندارند که غیر از دستورها و نظریات علمی که ما خود تدوین نموده و بآنها تلقین کرده‌ایم، فکر دیگری بحال خود بکنند. و بهمین جهت اقدام بکارهائی را نیز که ما بعد از ظهور کشور خود انجام خواهیم داد، لازم نمیدانند. یعنی نمیخواهند در آموزشگاههای ابتدائی، یگانه علم حقیقی را که پایهٔ اول تمام علوم مربوط به

نظم اجتماعی به زندگانی انسان وجود اجتماعی بشمار میرود. کودکان خود باید بدانند و
اصل تقسیم کار و در نتیجهٔ آن تقسیم مردم به طبقات مختلف را آنان باید بفهمند.
هرکس باید بداند که با وجود استعداد گوناگون که طبیعت در وجود اشخاص بودیعه
نهاده و با وجود اختلاف فعالیتهای افراد در نتیجه اختلاف استعدادها می باشد، «مساوات»
هرگز ممکن نیست در میان اشخاص زنده و فعال وجود داشته باشد.
بنابراین تمام افراد نمی توانند بطور مساوی در مقابل قانون مسئول باشند و قانون
نمی توانند درباره هر نفر که بواسطهٔ کردار ناپسند خود کلیهٔ افراد یک طبقه را بدنام
میسازد و دیگری در تمام زندگانی جز بعزت نفس و شرافت خود بچیز دیگری نظر ندارد
بطور مساوی و بدون هیچگونه اختلافی اجرا شود.
علم واقعی «نظم اجتماعی» که ما اسرار آن را از مسیحیان دنیا مخفی داشته ایم،
نشان خواهد داد که کار و مقام هرکس باید متناسب با استعداد و درجهٔ تربیت او باشد
وملتها بعد از فراگرفتن این علم، با اراده و اختیار خود از قانون و قدرت اجتماعی که
بوسیلهٔ خود آنها بدولت واگذار گردیده است اطاعت خواهند نمود.
بالعکس، در تحت تأثیر علوم فعلی که ما آنها را برای منظورهای مخصوص بوجود آورده
ایم، افراد جامعه دچار اشتباه بزرگی گشته و بر اثر عدم شناسائی با اهمیت
سلسله مراتب مختلف، با تمام مقامات و مراتب مافوق خود دشمن خواهند شد.

## بحران اقتصادی عمومی - تأمین افراد یهودی.

بحرانهای اقتصادی، آتش این خصومت و کینه را دامن خواهد زد و [illegible]



را برای توقف عملیات بورس و شکست بازارهای صنعتی مستعد خواهد ساخت.
وقتی که ما تمام وسایل مقتضی را بطور مخفی و بکمک پول و طلا (که کلیهٔ آن در تمام دنیا
بدست ماست) تهیه و آماده نمودیم در همان موقع یک بحران اقتصادی عالمگیر در تمام
اجتماعات کارگری کلیهٔ کشورهای دنیا ایجاد خواهیم نمود و بر اثر شدت این بحران، دسته‌ها
کثیر با شهوت تمام بریختن خون کسانی که از کودکی کینهٔ شان را بدل داشته اند
خواهند پرداخت و دارائی و اموال آنها را نیز بیغما و غارت خواهند داد.
ولکن در این میان، بافراد ما صدمه ای نخواهد رسید، بجهت اینکه ما قبلاً موقع
حمله را خواهیم شناخت و برای تأمین افراد خود در مقابل آن حملات، تصمیمات مقتضی
خواهیم گرفت.

## استبداد فراماسونها. حکومت عقل.

چنانکه سابقاً نیز نوشته ایم، در نتیجهٔ پیشرفت ما، مسیحیان در تحت حکومت عقل
قرار خواهند گرفت و استبداد ما باین ترتیب عملی خواهد گردید. کلیهٔ تشنجات و اضطرابات
بوسیلهٔ شدت و ثبات صحیح برطرف خواهد شد، و تمام اساسات آزادی پرستی
ریشه کن خواهد گردید.
هنگامیکه جامعه متوجه ~~خواهد~~ شد که باسم آزادی، آنقدر اقتدار و امتیاز داده
شده است، خود را در حقیقت صاحب قدرت تصور کرد و با استفاده از قدرت خود شروع
نمود. ولکن در نخستین قدم مثل نابینای بدون رهبر بموانع و مشکلات زیادی برخورد
و بجستجوی رهنمای افتاد. چون اندیشهٔ عودت بحالت قبلی بخیالش نرسید، از اقتدار

تمام قدرت خود را بعدها با انداخت ...

## تأثیر اقدامات فراماسون‌ها در انقلاب کبیر فرانسه.

انقلاب فرانسه که ما به آن لقب «کبیر» داده‌ایم بخاطر بیاورید. اسرار تهیهٔ مقدمات این انقلاب برای ما کاملاً روشن و آشکار است. زیرا کلیهٔ آن مقدمات بدست ما انجام گرفته بود.

از آن موقع ببعد، ما توده‌ها را در میان ناامیدیها و رنجهای طاقت‌فرسا قرار دادیم، تا اینکه از همه جا درمانده شده، بنفع پادشاه مستبد یهودی که ما برای تمام دنیا تهیه می‌نمائیم از همه چیز خود دست کشیده، در راه او حاضر به جانبازی و فداکاری باشد.

## فراماسون‌ها شکست‌ناپذیر هستند.

اکنون با کمال اطمینان می‌توانیم گفت که ما دارای یک قدرت شکست‌ناپذیر هستیم زیرا وقتیکه دولتی با حمله روبرو شود، دولت دیگری به حمایت و پشتیبانی ما قیام می‌نماید.

سستی و ضعف فوق‌العادهٔ ملل مسیحی و سایر صفات آنها از قبیل اینکه در برابر قدرت و زور بخاک افتاده، در مقابل ضعف و خطا سنگدل و بیرحم و در مقابل جنایت بی‌شفقت و دلسوزی نشان داده، برای شنیدن یک کلمه برعلیه آزادی تحمل نداشته ولی بر اثر شدت و زور یک نفر مستبد مجبور، تا حد شهادت و فداکاری بتحمل نشان میدهند — تمام این صفات برای تهیهٔ وسایل استقلال



و قدرت ما مساعدت نموده‌اند.

آنها حاضر شده‌اند که از نخست وزیرهای فعلی، تجاوزها و افراطهائی تحمل کنند که برای یکی از آن تجاوزها، سابق بیست نفر پادشاه را سر می‌بریدند...

برای این سهل‌انگاری مردم که در مقابل حوادث شبیه بهم احساسات باین اندازه مختلف از خود نشان میدهند، چه معنائی می‌توان قائل شد؟

دیکتاتورهای کنونی — یعنی نخست وزیرها — بتوسط عمال و مامورین خود آهسته بگوش ملت میرسانند که آنها اینهمه خسارت و خرابکاری را بدولت برای آن وارد ساخته‌اند که بالاخره روزی بتوانند بسعادت ملت و برادری بین‌المللی افراد و تساوی حقوق اشخاص صورت حقیقت دهند.

جامعهٔ ظاهرپرست، اشخاص دستگاه رژیمها که این را محکوم و مقهور می‌سازد ولی مقصرین واقعی را فراموش می‌کند. و دائماً در تنظیمی است از اینکه می‌تواند هرچه دلش بخواهد بمعرض عمل بگذارد. و بر اثر این افکار، ثبات و نظم خود را از دست میدهد و در هر قدم بی‌نظمی‌های خطرناکی تولید می‌کند.

## آزادی.

کلمهٔ «آزادی» جامعه انسانی را برعلیه هر زور و قدرت و حتی برعلیه قدرت خداوند و طبیعت نیز بجنگ و مخالفت واداشته، خشونت شدیدی در آنها ایجاد نموده است و همین قضیه ما را مجبور می‌کند که در آتیه این کلمهٔ منحوس را از قاموس بشری بیرون اندازیم، و با اصل خشونت در توده‌ها بحیوانات وحشی و درنده تبدیل می‌شوند،

توانا مضمحل سازیم.

درست است که این حیوانات وحشی و درنده، هر دفعه که از خون سیراب می‌گردند در خواب عمیق فرو می‌روند، و آن موقع زنجیر کردن و بند نمودن آنها آسان می‌شود، ولی نباید فراموش کرد که تا خون بحد کافی به آنها نرسد بخواب نخواهند رفت و به نزاع خود ادامه خواهند داد.



# فصل چهارم

## ادوار مختلف دموکراسی

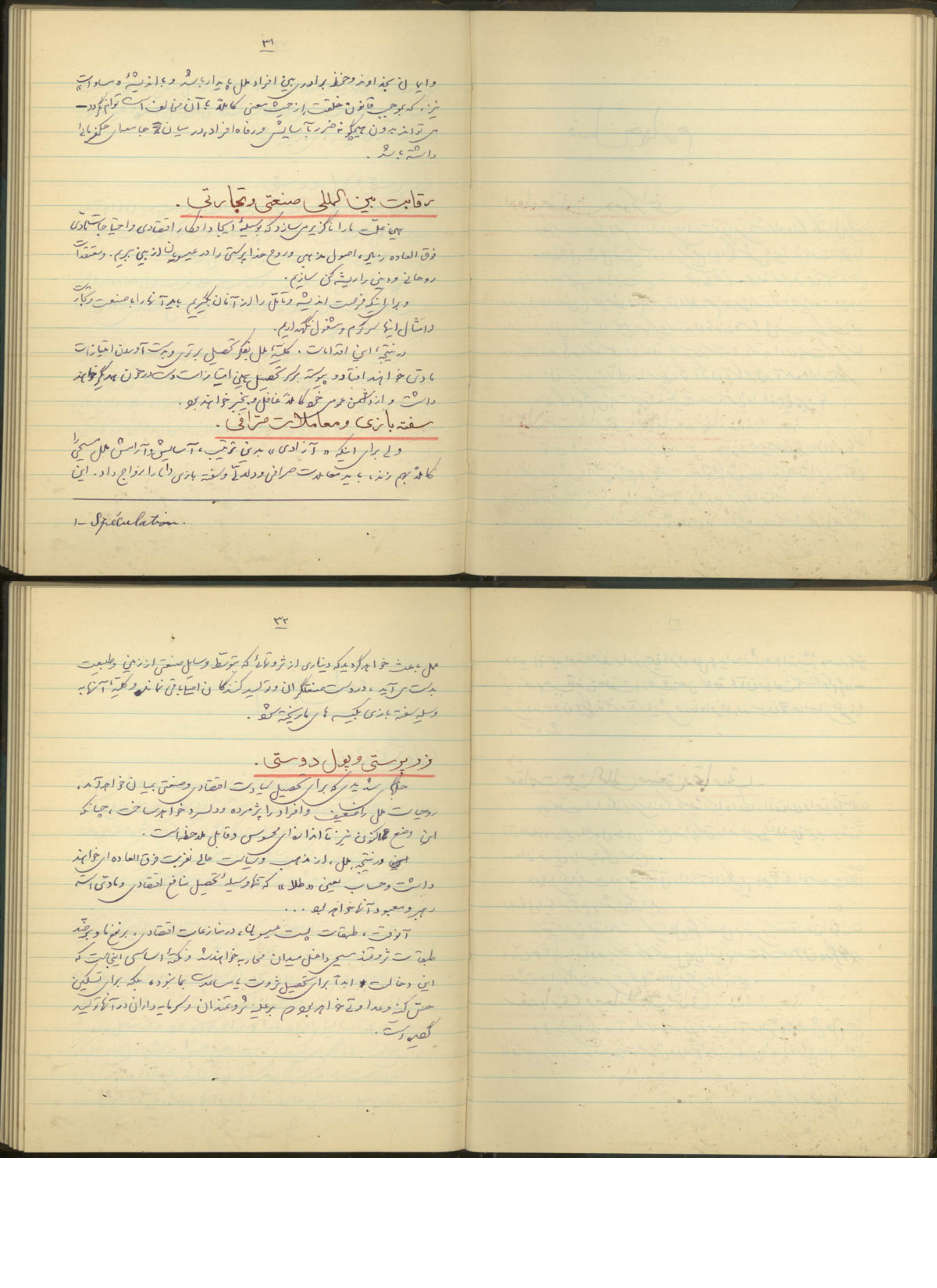
هر حکومت دموکراسی، دارای حالات مختلفی می‌باشد و ادوار گوناگونی را طی می‌کند. دوره اول شامل نخستین روزهای شروع دیوانگی شخص نابینائی است که خود را بدون اراده به چپ و راست می‌زند. دوره دوم، دوره عوام فریبی است که بهرج و مرج (آنارشی) منجر می‌شود و بعد از آن بطور حتم دوره استبداد فرا می‌رسد: ولی باید دانست که این استبداد به هیچوجه یک استبداد قانونی و مسئول نیست، بلکه یک زور و فشار نامرئی و ناشناسی ولی کاملاً محسوس است؛ استبدادی است که توسط یک سازمان سری و عمال و مامورین گوناگون آنها بوجود آمده و اداره می‌شود.

حال کدام کسی است که بتواند یک قدرت نامرئی را از بین ببرد؟

## تشکیلات خارجی فراماسونها.

آری! قدرت ما بدینگونه است. وجود تشکیلات ظاهری فراماسونی فقط برای مخفی و پوشیده داشتن نقشه‌های ما است. و نقشه عملیات و اقدامات این قوه و حتی محل اقامت آن نیز، برای همیشه از نظر مردم مخفی خواهد ماند.

این را نیز باید دانست که «آزادی» — بشرطیکه اساسش روی اصول عقیده





و ایمان بخداوند و حفظ برادری بین افراد ملل پایدار بشود و با اندیشه مساوات نیز، که بموجب قانون خلقت از حیث معنی کاملاً با آن مخالف است توأم گردد — می‌توانند بدون هیچگونه ضرر آسایش و رفاه افراد در سایه جامعه حکمفرما داشته باشد.

## رقابت بین المللی صنعتی و تجارتی.

همین علت ما را ناگزیر می‌سازد که بوسیله ایجاد ابتکارات اقتصادی و احتیاجات مادی فوق العاده زیاد، اصول مذهبی و روح خداپرستی را در عیسویان از بین ببریم. و معتقدات روحانی و دینی را ریشه کن سازیم.

و برای اینکه فرصت اندیشه و تأمل را از آنان بگیریم باید آنها را با صنعت و تجارت دائماً اینطور سرگرم و مشغول نگهداریم.

در نتیجه این اقدامات، کلیه ملل بفکر تحصیل برتری و بدست آوردن امتیازات مادی خواهند افتاد و پیوسته برای تحصیل همین امتیازات دست در گریبان یکدیگر خواهند داشت و از دشمن عمومی خود کاملاً غافل و بی‌خبر خواهند بود.

## سفته بازی و معاملات صرافی.

ولی برای اینکه «آزادی» بدین ترتیب، آسایش و آرامش ملل مسیحی را کاملاً بهم زند، باید معاملات صرافی و دلالی و سفته بازی (۱) را رواج داد. این

1- Speculation.



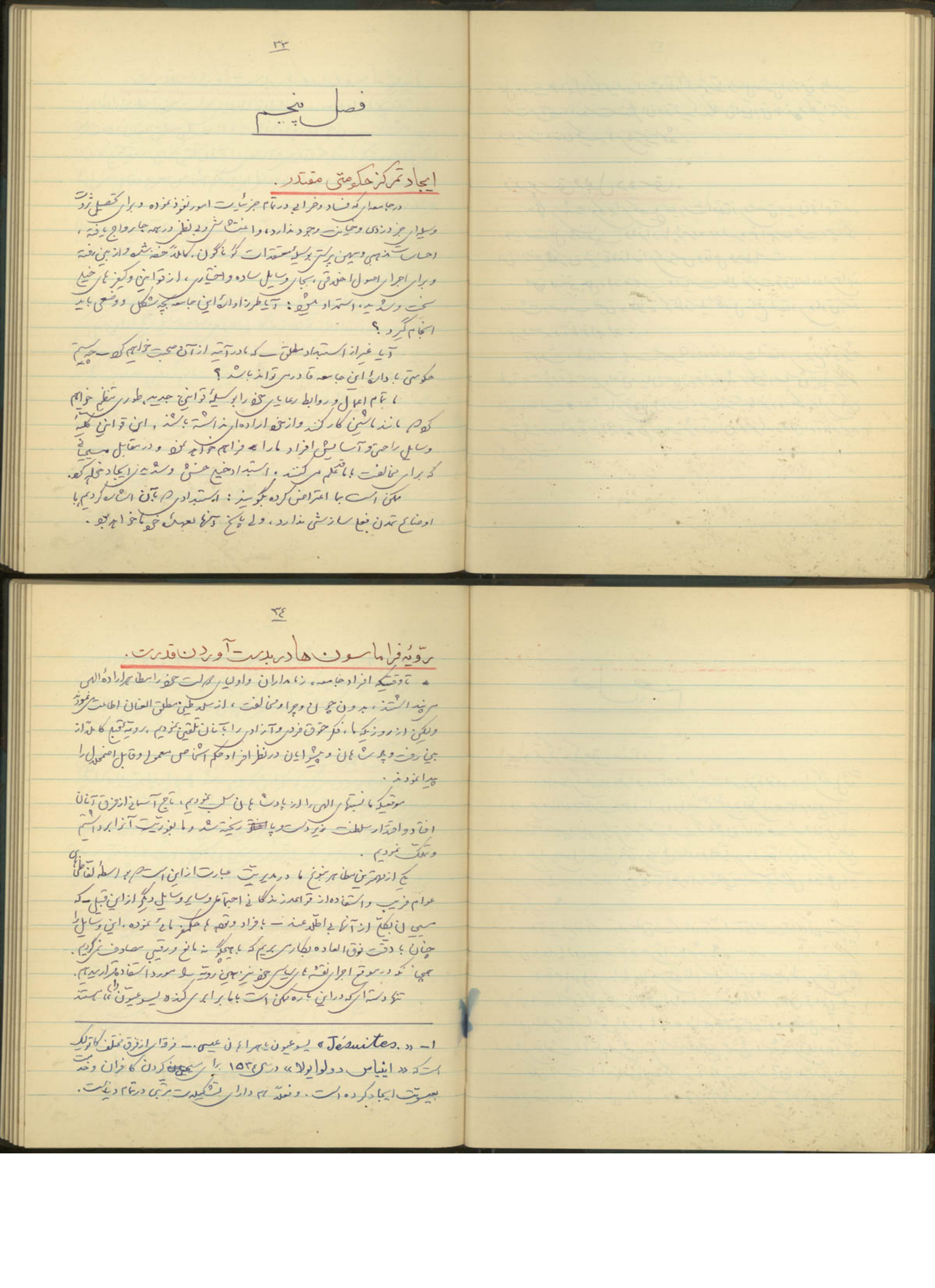
عمل باعث خواهد گردید که دیناری از ثروتهائی که بتوسط وسائل صنعتی از زمین و طبیعت بدست می‌آید، در دست صنعتگران و تولید کنندگان آن باقی نماند و کلیه آنها بوسیله سفته بازی بکیسه‌های ما ریخته شود.

## زرپرستی و پول دوستی.

حکم شدیدی که برای تحصیل سیادت اقتصادی و صنعتی بمیان خواهد آمد، روحیات ملل را ضعیف و افراد را پژمرده و دلسرد خواهد ساخت، چنانکه این وضع هم اکنون نیز تا اندازه‌ای محسوس و قابل ملاحظه است.

در نتیجه، ملل، از مذهب و سیاست عالی نفرت فوق العاده‌ای خواهند داشت و حساب یعنی «طلا» که تنها وسیله تحصیل منافع اقتصادی و مادی است رهبر و معبود آنها خواهد بود...

آنوقت، طبقات پست عیسویان، در منازعات اقتصادی، برضد ما و بر ضد طبقات ثروتمند مسیحی داخل میدان محاربه خواهند شد و نکته اساسی اینجاست که این دخالت ابداً برای تحصیل ثروت یا مساعدت بما نبوده بلکه برای تسکین حس کینه و عداوتی خواهد بود که علیه ثروتمندان و سرمایه داران در دل آنها تولید گردیده است.





# فصل پنجم

## ایجاد تمرکز حکومتی مقتدر.

در جامعه‌ای که فساد و خرابی در تمام جزئیات امور نفوذ نموده و برای تحصیل ثروت وسیله‌ای جز دزدی و خیانت وجود ندارد، و اغتشاش و بی‌نظمی در همه جا رواج یافته، احساسات مذهبی و میهن‌پرستی بوسیله معتقدات گوناگون کاملاً خفه شده و از بین رفته و برای اجرای اصول اخلاقی، بجای وسایل ساده و اختیاری، از قوانین و کیفرهای خیلی سخت و شدید، استمداد می‌شود: آیا طرز اداره این جامعه بچه شکل و وضعی باید انجام گردد؟

آیا غیر از استبداد مطلقی که ما در آتیه از آن صحبت خواهیم کرد ـ چه سیستم حکومتی با اداره این جامعه قادر می‌تواند باشد؟

ما تمام اعمال و روابط رعایای خود را بوسیله قوانین جدید، طوری تنظیم خواهیم کرد که مانند ماشین کار کنند و از خود اراده‌ای نداشته باشند. این قوانین کلیه وسایل راحتی و آسایش افراد ما را فراهم خواهد کرد و در مقابل مصیبت‌هائی که برای مخالفت با ما تحمل می‌کنند. استبداد خیلی خشن و شدیدی را ایجاد خواهد کرد.

ممکن است با اعتراض کرده بگویند: استبدادی که ما بآن اشاره کردیم با اوضاع تمدن فعلی سازشی ندارد، ولی ما [illegible] خواهیم بود.



## رویه فراماسون‌ها در بدست آوردن قدرت.

ـ تا وقتیکه افراد جامعه، زمامداران و اولیای دولت خود را مظهر اراده الهی می‌پنداشتند، بدون چون و چرا و مخالفت، از سلاطین مطلق العنان اطاعت می‌نمودند ولیکن از روزیکه ما، فکر حقوق فردی و آزادی را بآنان تلقین نمودیم، رویه تبعیت کامل از بین رفت و پادشاهان و پیشوایان در نظر افراد حکم اشخاص معمولی و قابل اضمحلال را پیدا نمودند.

موقعیکه ما نسبتهای الهی را از پادشاهان سلب نمودیم، تاج آسمانی از فرق آنان افتاد و اقتدار سلطنت زیر دست و پای خلق ریخته شد و ما بفوریت آنرا برداشتیم و تملک نمودیم.

یکی از مهمترین مظاهر نبوغ ما در مدیریت عبارت از این است که بوسیله الفاظی عوام‌فریب و استفاده از قواعد زندگانی اجتماعی و سایر وسایل دیگر از این قبیل ـ که مسیحی‌ها بکلی از آنها بی‌اطلاع هستند ـ با افراد و توده‌ها حکمفرمائی نموده. این وسایل را چنان با دقت فوق العاده بکار میبریم که با هیچگونه مانع و رقیبی مصادف نگردیم. همچنانکه در موقع اجرای نقشه‌های سیاسی خود نیز همین رویه را مورد استفاده قرار میدهیم. تنها دسته‌ای که در این باره ممکن است با ما برابری کنند «یسوعیون»(1) هستند

---

۱ـ «Jésuites.» یسوعیون یعنی همراهان عیسی. ـ فرقه‌ای از فرق مختلف کاتولیک است که «اینیاس دولوایولا» در سال ۱۵۳۴ برای ~~[illegible]~~ مسیحی کردن کافران و خدمت بمسیحیت ایجاد کرده است. و فعلاً هم دارای تشکیلات مرتبی در تمام دنیاست.

ولی در مقابل، ما نیز موفق شده‌ایم در نظر توده ابله و ظاهربین، آنها را از اعتبار بیندازیم. زیرا برای اینکه آنها دارای تشکیلات پرده و آشکار بودند در صورتیکه سازمانهای سری و نامرئی ما کاملاً از نظرها پنهان. و بطور مخفی باجرای نقشه خود مشغول میباشند.

## برگزیدگی یهودیها.

برای دنیا چه فرق میکند که حکمرانش که باید باشد؟ برای او چه اهمیت دارد که این حکمران رئیس فرقه کاتولیک‌ها باشد یا مستبدی از خون بنی اسرائیل؟.

ولکن بنظر ما — که ملت منتخب و برگزیده‌ای هستیم — این مسئله فوق العاده مهم و قابل توجه است. اگرچه یک اتحاد عمومی مسیحیان، ممکن است ما را تا مدتی مورد تهدید قرار دهد. ولکن تخم نفاقی که در دل مسیحیان دنیا بدست ما کاشته شده و ریشه‌کن کردن آن نیز محال است، بالاخره نجات و پیروزی ما را تأمین مینماید.

ما منافع شخصی و اجتماعی، و اختلافات و کینه‌های مذهبی و ملی عیسویان را — که در مدت بیست قرن تمام بتولید و تشدید آن همت گماشته‌ایم — متقابل و رو در روی هم قرار داده و بدینوسیله آتش نفاق و خصومت خاموش نشدنی در بین آنها شعله‌ور ساخته‌ایم.

بهمین جهت هیچ دولتی نمی‌تواند برای خود کمک و مساعدی بعلیه ما جلب نماید، زیرا هر دولت، کوچکترین موافقت بعلیه ما را برای منافع خصوصی خود مضر و خطرناک میشمارد.

بنابراین، ما بیش از اندازه بخود ایمان و اطمینان داشته باشیم، زیرا که ما کاملاً قوی و مقتدر هستیم و اکنون هم هیچ توافق و اتحادی بین دول واقع نمیشود بدون



اینکه ما در آن توافق دخالتی داشته باشیم...

## طلا موتور ماشین دولتهاست.

«باراده و اختیار من سلاطین حکمفرمائی میکنند».[1] — پیغمبران ما، بما خبر داده‌اند که خداوند، ما را برای حکمفرمائی بر تمام روی زمین برگزیده و قدرت و نبوغی را که برای انجام این وظیفه خطیر لازم است بما اعطا فرموده است.

هرگاه اردوی مخالفین ما دارای قدرتی باشد، با ما خواهد جنگید و جنگ که مابین ما اتفاق خواهد افتاد، بقدری سخت و خونین و بیرحمانه خواهد بود که تاکنون چشم دنیا مثل آنرا ندیده است. ولکن آنها هرگز باندازهٔ ما ارزشی نخواهند داشت.

تمام چرخهای ماشین حکومت و اقتدار تابع موتوری است که فقط در اختیار ما است و آن موتور عبارت است از «طلا».

علم اقتصاد سیاسی[2] که بوسیله دانشمندان ما تدوین شده است مدتهاست در قبال ارزش، اهمیت و اعتبار روز افزون سلطنت طلا را بما نشان داده است.

## انحصار تجارتی و صنعتی.

سرمایه، برای اینکه صاحب اقتدار بوده دست باز و آزاد داشته باشد، باید بانحصار صنعت و تجارت بپردازد. اکنون یک دست نامرئی در تمام نقاط دنیا مشغول تکمیل

---

1- Per me reges regnant.

2 — Economie politique.

و تکمیل این آزادی برای سرمایه می باشد. این آزادی به بازرگانان و صنعتگران قدرت سیاسی بخشیده و جامعه را مطیع و فرمانبردار آنان خواهد ساخت.
برای ما لازم است که ملل را خلع سلاح کنیم و از احساسات شدید آنها به نفع خود استفاده نمائیم.

## خستگی حاصل از سخنرانی و خطابه‌خوانی.

بهترین اقدامی که برای پیشرفت حکومت خود باید در نظر بگیریم عبارت از این است که بکوشیم تا روح اجتماعی را بوسیله انتقادهای مکرر و بیهوده ضعیف و پست سازیم و عادت تفکر و تأمل را از جامعه سلب نمائیم. زیرا فکر و تفکر است که حس مخالفت را ایجاد می نماید.
ملتها مانند افراد ساده، پیوسته گفتار را بر کردار و عمل ترجیح میدهند. زیرا همین آنها به تظاهرات قانع و دلخوش می باشند و کمتر توجه دارند باینکه با وعده‌های مربوط بزندگانی اجتماعی وفا و عمل نیز توأم باشد.
بهمین جهت تأسیسات ما دارای صورت ظاهر دلربا خواهد بود و ما قیافه و مشخصات در تأییدات کلیه احزاب و دسته‌ها را بخود تخصیص داده و آنها را به خطبا و مبلغین خود خواهیم داد، تا آنقدر سخنرانی کنند که همه از شنیدن خطابه‌ها و صحبتهای آنان خسته شوند.

## چطور میتوان اختیار عقیدهٔ عمومی را بدست گرفت.

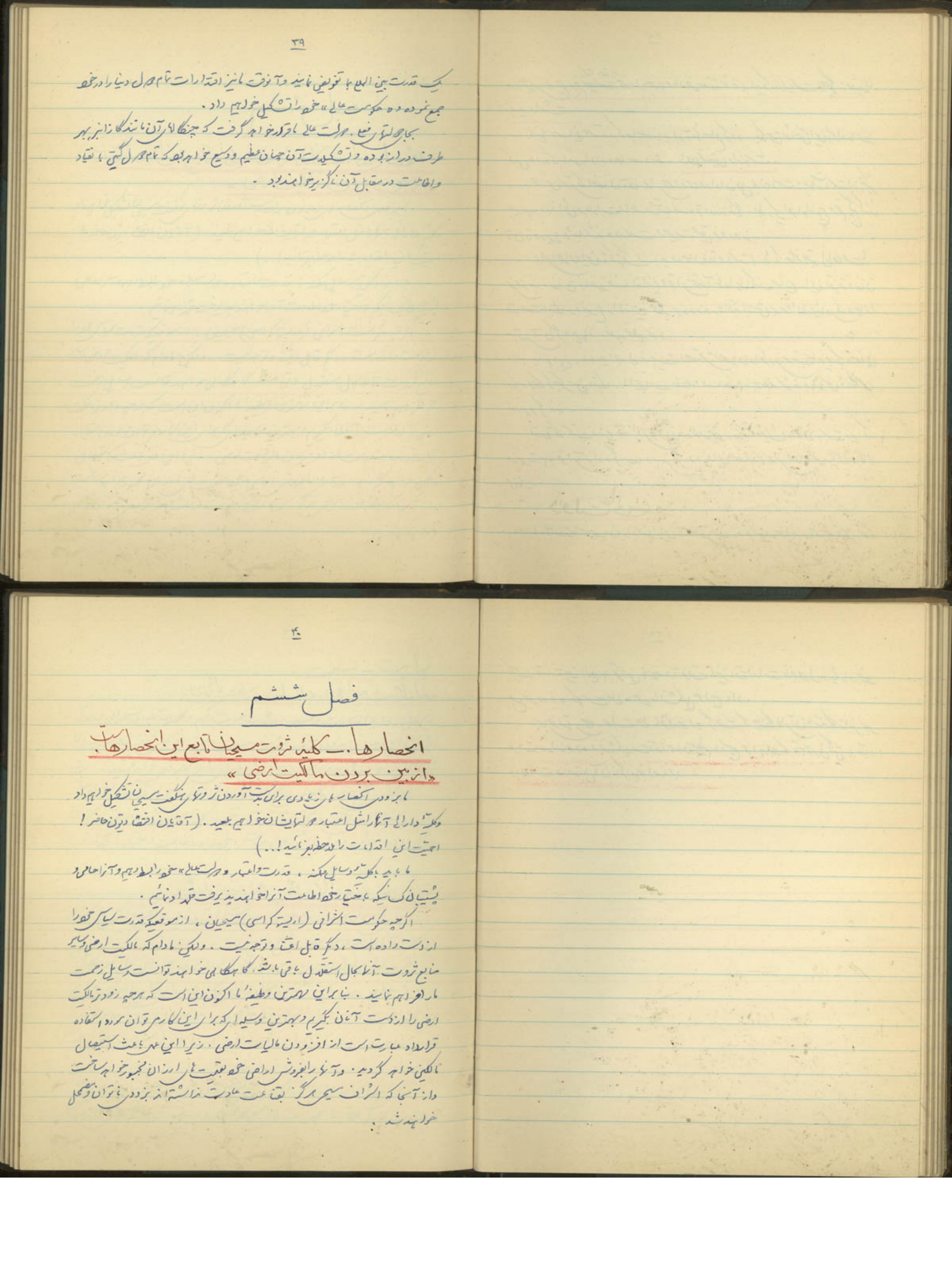
برای اینکه اختیار عقیده عمومی را در دست داشته باشیم باید آنرا بصورت حیرت انگیزی درآورده و در عرض مدت معینی آنقدر از اطراف عقاید مختلف و ضد و نقیض اظهار داریم که تا مسیحیان



در راههای پیچ و خم ~~سیاست~~ این عقاید خود را باخته و بالاخره معتقد شوند بر اینکه در سیاست هیچگونه عقیده‌ای نباید داشت.
اینها مسائلی هستند که جامعه نباید از آنها مطلع گردد. بلکه حق شناختن این اسرار را فقط کسی دارد که مأمور اداره جامعه باشد. این نخستین راز است.
دومین سری که اخفای آن برای پیروزی در اداره ملل لازم است، عبارت است از تکثیر عیوب و رذائل و عادات و احساسات جامعه و قواعد زندگی، بطوریکه افراد از پیچ و خم گیج کننده آنها در برهوت باشند و در بهت و حیرت عمیقی فرو روند.
برای اجرای این تاکتیک باید در میان تمام دسته‌هائی که حاضر بقبول اطاعت ما نمی‌شوند، نفاق و اختلاف اندازیم و قوای متحد آنها را پراکنده سازیم. این تفرقه و نفاق قدرت ابتکار و نبوغ را از بین خواهد برد و زور و اقتدارش بر مردان بیشماری که دچار مبتلای آن گردیده‌اند، غلبه خواهد نمود.
بنابراین، ما باید اصول تربیت اجتماعی مسیحیان را طوری مرتب سازیم که در مقابل هر کاری که کوچکترین ابتکار را ایجاب نماید، درمانده و زبون شوند و با یأس و ناکامی روبرو گردند.
قدرتی که تحت رژیم آزادی بدون حد و اندازه [illegible]، قدرت ضعیف و ناتوانی است زیرا که در هر قدم با قوای آزاد دیگر مصادم می‌گردد و این تصادم برای وی تولید یأس و ناکامی می‌نماید.

## دولت عالی:

ما آنقدر مسیحیان را بوسیلهٔ این آزادی خسته و فرسوده خواهیم ساخت تا مجبور شوند





یک قدرت بین المللی با تولیفی نمائید و آنوقت ما نیز اقتدارات تمام دول دنیا را در خود جمع نموده و «حکومت عالی» خود را تشکیل خواهیم داد.

بجای دولتهای فعلی، دولت عالی ما قرار خواهد گرفت که چنگالهای آن مانند گازانبر بهر طرف دراز بوده و تشکیلات آن چنان عظیم و وسیع خواهد بود که تمام دول گیتی با انقیاد و اطاعت در مقابل آن ناگزیر خواهند بود.



## فصل ششم

### انحصارها. — کلیهٔ ثروت مسیحیان تابع این انحصارهاست.

### «از بین بردن مالکیت ارضی»

ما بزودی انحصارهای زیادی برای بدست آوردن ثروتهای هنگفت مسیحیان تشکیل خواهیم داد وکلیهٔ دارائی آنها را مثل اعتبار دولتهایشان خواهیم بلعید. (آقایان اعضاء دولت حاضر! اهمیت این اقدامات را ملاحظه بفرمائید!..)

ما باید بکلیهٔ وسایل ممکنه، قدرت و اعتبار «دولت عالی» خود را بسط دهیم و آنرا حامی و پشتیبان کسانیکه باختیار رغبت اطاعت آنرا خواهند پذیرفت قلمداد نمائیم.

اگرچه حکومت اشرافی (اریستوکراسی) مسیحیان، از موقعیکه قدرت سیاسی خود را از دست داده است، دیگر قابل اعتنا و توجه نیست. ولیکن مادام که مالکیت ارضی و سایر منابع ثروت آنها بحال استقلال باقی باشد، گاهگاهی خواهند توانست وسایل زحمت ما را فراهم نمایند. بنابراین بهترین وظیفهٔ ما اکنون این است که هرچه زودتر مالکیت ارضی را از دست آنان بگیریم و بهترین وسیله‌ای که برای این کار میتوان مورد استفاده قرارداد عبارت است از افزودن مالیات ارضی، زیرا این عمل باعث استیصال مالکین خواهد گردید. و آنها را بفروش اراضی خود بقیمتهای ارزان مجبور خواهد ساخت و از آنجا که اشراف مسیحی هرگز بقناعت عادت نداشته‌اند بزودی ناتوان و مضمحل خواهند شد.

## تجارت – صنعت.

### معاملات صرافی، دلالی، سفته بازی.

درعین حال، ما باید از تجارت و صنعت بشدت حمایت کنیم و مخصوصاً معاملات صرافی و دلالی را بیشتر رواج دهیم زیرا بدون آنها، پیشرفت صنعت باعث افزایش فوق العاده سرمایه های شخصی و خصوصی خواهد گردید و وضع زمینداران و زارعین را نیز بهبودی خواهد بخشید.

باید کاری بکنیم در شرکتها و کارهای خلاصی بحداقل پائین آید و پول تمام دنیا از راه معاملات صرافی و سفته بازی بکیسه ما ریخته شود: تا در نتیجه، کلیه مسیحیان در ردیف رنجبران و کارگران داخل شده و برای داشتن حق حیات، خود را در اطاعت و اختیار ما بگذارند.

### ترقی مزد و بالا رفتن هزینه زندگی.

برای از بین بردن صنعت مسیحیان، معاملات صرافی و تمایل به تجمل و لوکس را، که تمام زندگانی آنها را احاطه خواهد نمود، رواج خواهیم داد.

قیمت لوازم اولیه و ضروریات زندگانی را بالا برده و درعین حال مزد کارگران را نیز ترقی خواهیم داد. این ترقی مزد بحال آنان هیچگونه فائده ای نخواهد داشت و ما نیز تقلیل محصولات زمین را پایه این کار قرار خواهیم داد. علاوه براین، مرتباً منابع تولید را از بین خواهیم برد و کارگران را به تولید بی نظمی و اغتشاش (انقلاب وغیره) عادت خواهیم داد.

برای آنکه اسرار نقشه ما فاش نگردد و اقدامات ما بدون پرده جلوه ننماید، نقاب حمایت از طبقات کارگر را بچهره نقشه های حقیقی خود خواهیم زد و به تبلیغ اصول اقتصادی خواهیم پرداخت.



# فصل هفتم

## تقویت تسلیحات.

### تولید اغتشاش و کینه در تمام دنیا.

افزایش و تکمیل تسلیحات و پلیس یکی از ارکان اساسی نقشه ما است. باید تمام افراد ملل دنیا جز طبقه کارگر و رنجبر شده، جز عده معدودی میلیونر — که آنها نیز سرباز و یا پلیس فدائی ما خواهند بود — وجود نداشته باشد.

باید در سرتاسر اروپا و سایر قطعات دنیا، بی نظمی و اغتشاش و نفاق و کینه بوجود آوریم، زیرا در این صورت استفاده ما دو برابر خواهد بود.

از طرفی کشورهائی را که بزور و قدرت ما اطلاع یافته اند و میدانند که ما در آنها بمیل خود بتولید بی نظمی و یا ایجاد نظم قادر هستیم باید تحت کنترل نگاه داریم. زیرا این کشورها عادت خواهند کرد که ما را برای نجات خود بار سنگین ولازمی بشمارند و از طرف دیگر تحریکات و دسایس ما بوسیله سیاست، قرار دادهای اقتصادی، تعهدات مالی وغیره، رشته های دامهائی را که ما در وزارتخانه ها و سیاست های تمام ملل میگسترانیم، محکمتر و پیچیده تر و خطرناکتر خواهد ساخت.

برای آنکه بآسانی بمقصود برسیم، باید حیله و تزویر بزرگی در جریان صحبتها و مذاکرات بکار بریم ولکن درعین حال در «مواقع رسمی» بصورت ظاهر رویه خود را تغییر داده، خود را کاملاً موافق نشان دهیم. زیرا در این صورت جامعه ها و ملل مسیحی که ما آنها را به ظاهر پرستی عادت داده ایم، بیش از پیش با عقیده و اطمینان پیدا خواهند کرد و ما را علناً

و نجات دهندگان نوع بشر خواهند شمرد.

## طریقهٔ جلوگیری از مخالفت مسیحیان: جنگهای بین المللی.

هرگاه کشوری برعلیه ما علم مخالفت برافرازد، ما کشورهای همسایه دیگر را بجنگ او خواهیم فرستاد. و اگر احیاناً کلیهٔ کشورهای همسایه با ما خصومت ورزند، آنوقت آتش جنگ عمومی و بین المللی را بین آنها شعله ور خواهیم ساخت.

بهترین و قطعی ترین اساس پیروزی در سیاست عبارتست از سری بودن اقدامات، بطوریکه گفته های مرد سیاستمدار هرگز نباید با کردارش موافق باشد.

ما باید دولتهای مسیحی را مجبور نمائیم که پیوسته موافق نقشهٔ بزرگی که ما تا حال جزئیات آنرا شرح دادیم — و بطور قطع ما را بهدف خواهد رساند — حرکت کنند. عقیدهٔ عمومی هم را هم آنرا بوسیلهٔ مطبوعات بدست آورده ایم، در این باره با یاری خواهم نمود. زیرا میتوان گفت صرفنظر از چند استثنای کوچک و کم اهمیت، مطبوعات تمام دنیا مطلقاً تحت اراده و اختیار ماست.

برای اینکه کلیهٔ نقشه های اساسی خود را، مبنی بر مطیع ساختن تمام دول اروپا، در یک جمله خلاصه کنم، میگوئیم:

هرگاه دولتی برعلیه ما جنبشی بکند، زور و قدرت خود را بوسیلهٔ ترور باو نشان خواهیم داد و به حملات وی بتوسط توپهای امریکائی، چینی و یا ژاپونی جواب خواهیم گفت.



# فصل هشتم

## استفاده از حقوق قضائی.

ما باید کلیهٔ اسباب و وسایل را که مخالفین و حریفان ما ممکن است روزی برعلیه ما بکار ببرند، بخود اختصاص دهیم. مثلاً باید از میان نکات لطیف و باریک قضائی، طرز استدلال خوبی انتخاب کنیم، برای اینکه روزیکه مجبور خواهیم شد حکمها و فتواهای بجرئت غیرعادلانه و خلاف قانون صادر نمائیم، بتوانیم بوسیلهٔ آن طرز استدلال، فتوای خود را هم مطابق مبانی اخلاقی و هم موافق موازین قانونی وانمود سازیم.

## همکاران و شرکای رژیم فراماسون.

رژیم ما باید بتمام قوای تمدن جدید مسلح گردد و در میان آنها حرکت کند: یعنی باید دارای نویسندگان فاضل، حقوقدانهای مجرب، مدیران با تدبیر، سیاستمداران ماهر و بالاخره مردانی باشد که در آموزشگاههای مخصوص، با تحصیلات عالی و درخشان تربیت شده اند.

این اشخاص نیز باید بکلیهٔ اسرار زندگانی اجتماعی و زبانهای سیاسی و رموز طبیعت انسانی و تمام نکات حساسی که در موقع احتیاج برای اجرای نقشه و رسیدن بمقصود باید بآنها متوسل گردید آشنا باشند.

این نکات حساس عبارتند از: طرز فکر، تمایلات، نواقص، عیبها، صفات

و خصوصیات طبقاتی و غیره.

البته بدیهی است که این اداره کنندگان دولت ما هرگز از میان مردم انتخاب نخواهند شد بلکه اشخاصی خواهند بود که از کودکی با پرورش مخصوصی برای این کارها آماده گردیده و جز به عزم راسخ و فکر متین خود به چیزی تکیه ندارند.

اولیای دولت مردم کاغذها را بدون مطالعه امضاء می‌کنند!... و جز نفع شخصی و جاه‌طلبی چیز دیگر را نمی‌شناسند.

## اقتصادیون و ملیونرها.

## پستهای مهم دولت را بچه اشخاصی باید سپرد.

ما دولت خود را با یک دنیای اقتصادی یعنی توده‌ای از بانکداران، صنعتگران، سرمایه‌داران و مخصوصاً ملیونرها احاطه خواهیم نمود؛ برای اینکه رویهمرفته همه تصمیمات قطعی بر روی اعداد متکی خواهد بود.

تا موقعیکه سپردن پستهای پرمسئولیت دولت، برادران یهودی‌مان کاملاً آسان و خالی از خطر گردد، ما آن پستها را، بعهده اشخاص غیر یهودی خواهیم داد که زندگانی گذشته و اخلاق و روحیات آنها، طوری باشد، که میان آنها و جامعه همیشه گودال بزرگ موجود باشد. زیرا این قبیل اشخاص در صورت عدم اطاعت بفرامین ما، جز قبول حکم اعدام یا تبعید چاره‌ای نخواهند داشت. و این امر سبب خواهد شد تا آخرین نفس در حفظ شئون و منافع ما فداکاری بخرج دهند.



# فصل هشتم

## اجرای اصول فراماسونی از نظر تجدید تربیت ملل.

پیش از اجرای اصول مخصوصه ما، نخست درباره اخلاق، طرز فکر و تربیت افراد محیطی که میخواهید آن اصول را در آنجا بمورد اجرا بگذارید، دقت کامل بعمل آورید. زیرا قبل از آشنائی دقیق با وضع محیط، اجرای این اصول به نتیجه‌ای نخواهد رسید. ولیکن اگر اجرای آن بعد از دقت و آشنائی کامل صورت گیرد، ده سال نخواهد گذشت که ما بتغییر دادن اخلاق و روحیات جامعه نائل خواهیم شد و تمام افراد یک ملت را در تحت اختیار خود خواهیم آورد.

موقعیکه سلطنت ما بر سر کار خواهد آمد، ما بجای دستور آزادی پرستانه خود — یعنی آزادی، برابری و برادری، — دستور دیگری نخواهیم گذاشت، بلکه عین همان کلمات را منتهی در لباس خیال و آرزو جلوه‌گر خواهیم ساخت و خواهیم گفت: «حق آزادی، وظیفه مساوات و برابری، آرمان برادری ...»

## اهمیت عقیده ضد یهود.

اکنون میتوانیم بگوئیم که ما عملاً تمام دولتها را باستثنای دولت خودمان، از بین برده‌ایم، اگرچه هنوز بعضی از آنها شکل و هیئت حقوقی خود را حفظ نموده‌اند.

امروزه اگر دیده میشود که دولتی بر علیه ما اعتراضاتی نموده و با ما مخالفت میورزد

این امر در واقع تظاهری بیش نیست و بمیل و فرمان خودمان انجام میگیرد. زیرا ما برای آنکه بتوانیم جنبش‌های خود را با خود همداستان نمائیم، مطیع خود سازیم، باین عقیدهٔ «ضد یهود» احتیاج زیادی داریم.

این موضوع را دیگر بیش از این توضیح نخواهیم داد. زیرا تاکنون چند دفعه بآن اشاره نموده‌ایم.

## دیکتاتوری فراماسون

درحقیقت، حالا هیچگونه مانعی پیش پای ما وجود ندارد. ~~زیرا تاکنون هیچ~~ حکومت ما فعلاً مافوق قانون قرار دارد و فقط کلمهٔ قوی و موثر «دیکتاتوری» میتواند از عهدهٔ وصف آن برآید.

بطور قطع میتوانیم بگوئیم که امروز ما، قانونگذار دنیا هستیم. ما حق حکم و فتوی دادن را بدادگستری میدهیم. ما هستیم که محکوم باعدام میکنیم یا میبخشیم. و ما بالاخره بارئیس تمام دسته‌های قشون، فرماندهی کل را بعهده داریم.

ما زمام حکومت را در پنجه‌های محکم و مقتدر خود گرفته‌ایم. زیرا افراد توده‌ای را در دست داریم که سابقاً برای ما قوی بود ولکن حالا مطیع و فرمانبردار ماست.

## عمال و خدمهٔ فراماسون.

ما عمال جاه‌طلبی‌های فوق العاده، حرص‌های پایان‌ناپذیر، انتقام‌های بیرحمانه و کینه‌های شدید را در دست خود داریم.

وحشتی که تمام دنیا را فرا گرفته است، از ما ناشی شده. ما مردمانی از هر طبقه و



دارای هرگونه عقیده، در اختیار و خدمت خود داریم: از قبیل مروجین حکومت سلطنتی، عوام‌فریبها، سوسیالیستها، کمونیستها و غیره.

ما همهٔ آنان را بکار واداشته‌ایم، هر کدام از طرفی بویران کردن ~~خط~~ بقایای قدرتها پرداخته و بسرنگون ساختن آنچه را هنوز بجای خود باقی است سرگرم هستند. تمام حکومتها بر اثر این خرابکاریها خسته و فرسوده گردیده، تشنهٔ نظم و آرامی شده و در راه بدست آوردن صلح و آسایش بهرگونه فداکاری حاضر گردیده‌اند. ولکن، مادام که آنها اطاعت حکومت عالی ما را آشکار و با کمال آرامی و سادگی نپذیرفته‌اند، ما این صلح و نظم را از آنان دریغ خواهیم داشت.

~~جامعه با اصرار تمام فریاد میکند که حتماً باید مسئلهٔ اجتماعی را با کمک قراردادهای بین‌المللی حل نمود.~~

تقسیم ملت باحزاب مختلف، تمام جامعه را در تحت اختیار ما گذاشته است. زیرا که برای پیروزی در میدان جنگ رقابت، پول زیاد لازم است و منبع پول نیز در دست ما است.

## قدرت روشن‌بین و قدرت کور.

ممکن است ما از اتحاد قدرت روشن‌بین حکمفرمایان، با قدرت ~~حقیقی~~ کور جامعه، دچار وحشت و اضطراب گردیم، ولکن قبلاً برای رفع این ترس نیز تصمیمات مقتضی اتخاذ کرده‌ایم. بدین ترتیب که بین این دو قوه دیوار بلندی از وحشت متقابل بنا نموده‌ایم. در نتیجه، قدرت کور جامعه تکیه‌گاه ما گردیده است و ما موفق خواهیم شد که زمام اختیار او را بدست گرفته، بسمت مقصود خود ~~حرکت~~ سوق دهیم. ولی برای اینکه آن قدرت کور، نقشهٔ ارادهٔ ما را بهم نزند مجبوریم که گاهگاهی با او مستقیماً رابطه پیدا کنیم و اگر هم نتوانیم شخصاً با وی مربوط گردیم

لااقل باید برادران خیلی نزدیک و معتمد خود را مامور انجام این امر نمائیم.

وقتیکه قدرت ما بطور کامل آشکار و ظاهر خواهد گردید، آن موقع در میدانهای عمومی با ملت صحبت خواهیم نمود و افراد را به مسائل سیاسی بمعنائی که برای ما لازم و مفید است آشنا خواهیم ساخت. سخنی را که نماینده دولت یا شخص اول کشور بگوید فوراً در تمام کشور پراکنده خواهد شد و صدای مخصوص آن را منتشر خواهیم ساخت.

برای اینکه تأسیسات سیاسی قبل از موقع لازم، ویران نشود، ما عمال و مامورین کاردانی بر سر آنها گماشته ایم و در کار حساس آنها از قبیل قوه قضائیه، انتخابات، مطبوعات، آزادی فردی و مخصوصاً تعلیم و تربیت — که پایه های اصلی زندگی آزاد میباشد — در دست خود گرفته ایم.

ما جوانان مسیحیان را بوسیله تعالیم و نظریات فاسد و احمقانه که خود ما آن را بنظرهای مخصوص تدوین کرده، به آنان تلقین نموده ایم، از بین برده و مضمحل ساخته ایم...

## دخالت در قوانین

بدون اینکه قوانین موجود را تغییر دهیم، آنها را بوسیله تغییرهای متضاد و متناقض تحریف نموده ایم و از این عمل نتایج عجیب و سحرآمیز گرفته ایم.

معجزه ما در این نهفته است که تغییرهای ما مفهوم حقیقی قوانین را عوض کرده و طوری آنرا تغییر داده است که حتی سیاستمداران ناملایق و بیشعور کشورها هم قادر به آشکار ساختن معانی واقعی آنها نیستند و نمیتوانند از لطفی [illegible] در مقابل خود ایجاد که ما هم چیزی درک کنند.

از این جا و بدین علت بود که ما «دادگاه وجدان» را اختراع کرده ایم!

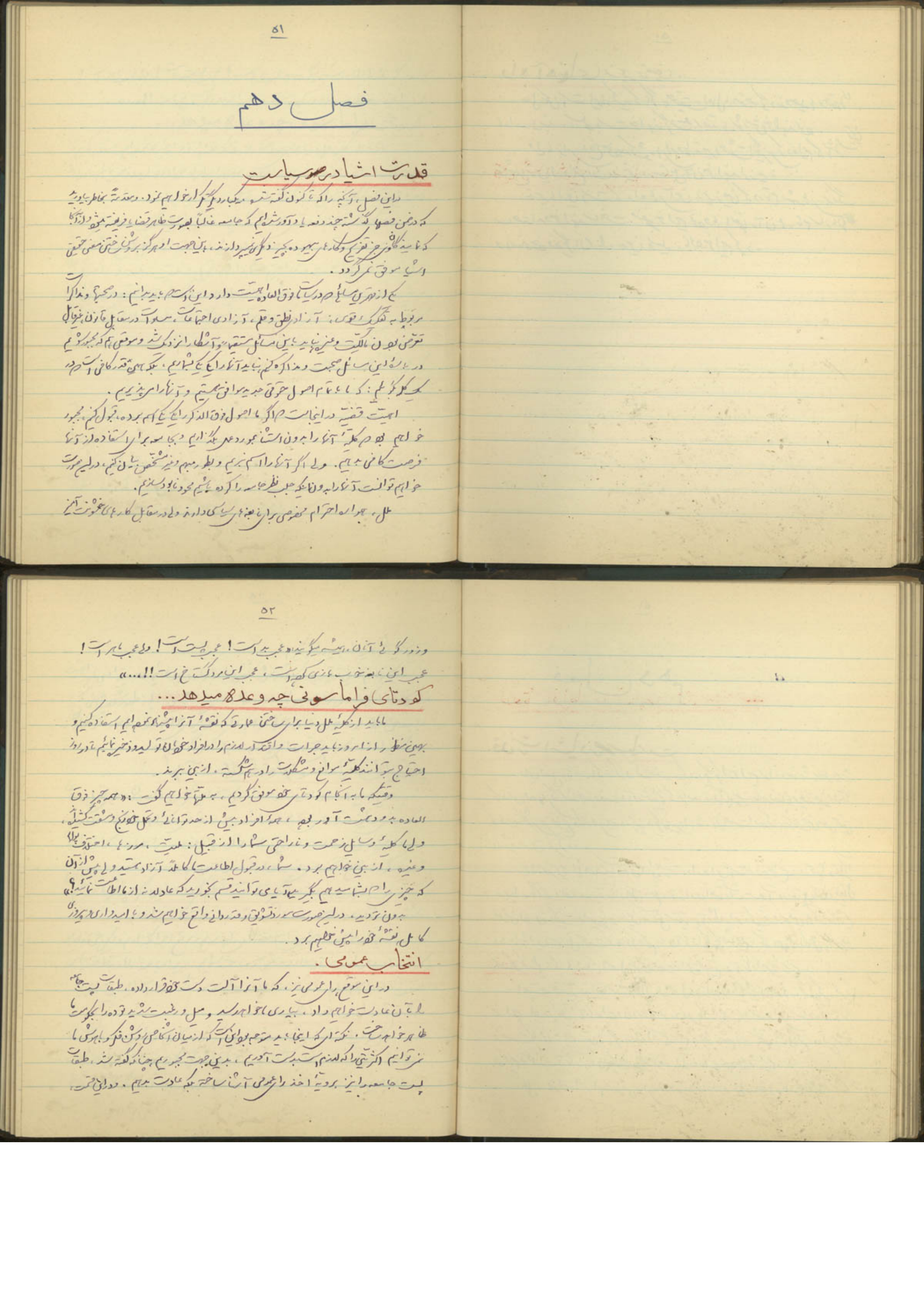


## راه آهنهای زیر زمینی.

حال ممکن است ایراد کنید که اگر به حقیقت اعمال ما متوجه گردند و حیله ها و حقه های ما را دریابند، اسلحه بدست خواهند گرفت و بر ضد ما شورش خواهند نمود.

ولی ما برای دفاع خود در کشورهای اروپا، تدبیر وحشت انگیزی کرده ایم که با شهامت ترین و شجاع ترین ارواح انسانی نیز در مقابل آن خواهند لرزید:

تدبیر ما این است که راه های آهن زیر زمینی که در تمام شهرهای بزرگ ساخته اند و خواهند ساخت منفجر خواهیم نمود و با انفجار آن ها، تمام سازمانها و اسناد خود و دیگران را، بدین وسیله، نابود خواهیم کرد.





# فصل دهم

## قدرت اشیاء در سوسیالیست

در این فصل، آنچه را که تاکنون گفته شده یکبار دیگر تکرار خواهیم نمود. و معتقدیم بخاطر بیاورید که در ضمن فصول گذشته چند دفعه یادآور شده‌ایم که جامعه غالباً بصورت ظاهر قضایا فریفته میشود و از آنجا که ناسیونالیستها جز تزویر و کارهای بیهوده بچیز دیگری نپرداخته‌اند، باین جهت او هرگز بروشن ساختن معنی حقیقی اشیاء موفق نمیگردد.

یکی از مهمترین مسائلی که در سیاست فوق العاده اهمیت دارد و این دسته باید بدانیم: در صحبت و مذاکرات مربوط به حقوق قوی: آزادی نطق و قلم، آزادی اجتماعات، مساوات در مقابل قانون، غیرقابل تعرض بودن مالکیت وغیره نباید باین مسائل مستقیماً و آشکارا از نزدیک شد و موقعی هم که مجبور شویم درباره این مسائل صحبت و مذاکره کنیم نباید آنها را یکایک بشماریم، بلکه همین قدر کافی است در یک کلمه بگوئیم: که ما با تمام اصول حقوق جدید موافق هستیم و آنها را می‌پذیریم.

اهمیت قضیه در اینجاست که اگر ما اصول فوق الذکر را یکایک اسم برده، قبول کنیم، مجبور خواهیم بود کلیه آنها را بدون استثناء مورد عمل بگذاریم و دیگر بهانه برای استفاده از آنها فرصت کافی نداریم. ولی اگر آنها را اسم نبریم و بطور مبهم و غیر مشخص بیان کنیم، در اینصورت خواهیم توانست آنها را بدون اینکه جلب نظر جامعه را کرده باشیم محو و نابود سازیم.

ملل، چنانکه احترام مخصوصی برای نوابغ سیاسی دارند ولی در مقابل کارهای خشونت آمیز



و زور گوئی آنان همیشه میگویند: «عجب بد است! عجب پست است! ولی عجب ماهر است! عجب این نابغه خوب بازی کرده است، عجب این مرد گستاخ است!!...»

## کودتای فراماسونی چه وعده میدهد...

ما باید از کلیه ملل دنیا برای ساختن عمارتی که نقشه آنرا پیشنهاد نموده‌ایم استفاده کنیم و بهمین منظور از امروز باید جرات و اقدام لازم را در افراد خودمان تولید و ذخیره نمائیم تا در روز احتیاج بتوانند کلیه موانع و مشکلات را در هم شکسته، از بین ببرند.

وقتیکه ما بانجام کودتای خود موفق گردیم، بملتها خواهیم گفت: «همه چیز فوق العاده بد و زشت آور بود، همه افراد بیش از حد توانائی در تحمل رنج و مشقت گشتند، ولی ما کلیه وسایل زحمت و ناراحتی شما را از قبیل: ملیت، مرزها، اختلاف پولها وغیره، از بین خواهیم برد. شما در قبول اطاعت ما کاملاً آزاد هستید ولی پیش از آن که چیزی را امضا بکنید هم بگوئید آیا می‌توانید قسم بخورید که عادلانه از ما اطاعت نمائید؟» بدون تردید، در اینصورت مورد تشویق و قدردانی واقع خواهیم شد و با امیدواری به پیروزی کامل نقشه خود را پیش خواهیم برد.

## انتخاب عمومی.

در این موقع رای عمومی نیز، که ما آنرا آلت دست خود قرار داده، طبقات پست جامعه را با آن عادت خواهیم داد، بیاری ما خواهد رسید و میل و رغبت شدید توده را بحکومت ما ظاهر خواهد ساخت. نکته ای که اینجا باید متوجه بود این است که از میان اشخاص روشن فکر و باهوش ما نمی‌توانیم اکثریتی را که لازم است بدست آوریم، بدین جهت مجبوریم چنانکه گفته شد، طبقات پست جامعه را نیز برویه اخذ رای عمومی آشنا ساخته بآن عادت بدهیم. و در این صورت،

نقشه‌های طبقاتی و غیره را نباید در نظر بگیریم.

اگر بتوانیم بدین ترتیب فکر آرزوی شخصی را در افراد ایجاد نمائیم، در نتیجه این امر اهمیت تشکیلات خانوادگی و اصول تربیتی عیسویان از بین خواهد رفت. همچنین ما از ظهور شخصیتهائی که جامعه مسیحی تا [illegible] آنها خواهد داد جلوگیری خواهیم نمود و جامعه عادت خواهد کرد بر اینکه غیر از ما — که بالاخره وی را می‌پردازیم — بحرف کسی گوش ندهد.

## پیشوائی فراماسونها و تشکیلات آنها.

بدین وسیله ما عنان اختیار جامعه را در دست خواهیم گرفت و او بدون رهبری عمال و مأمورین ما — که بجای سلاطین و رؤسای آنها خواهند نشست — قدمی بر نخواهد داشت. جامعه با اراده و اختیار خود اطاعت مأمورین ما را خواهد پذیرفت، زیرا خواهد دید که این رؤسای تازه همه گونه منافع و تحفه‌های نو برای او ارمغان آورده‌اند.

نقشه‌های ما باید بتوسط یک نفر تهیه و تنظیم گردد. زیرا اگر چند نفر مأمور تنظیم آن باشند، در آن صورت مواد نقشه با هم کاملاً مربوط و هم‌آهنگ نخواهد بود.

بهمین جهت است که ما می‌توانیم نقشه‌ای را بپذیریم و بموقع اجرا بگذاریم ولیکن حق نداریم که در مواد و جزئیات آن وارد بحث و تدقیق و مباحثه شویم. زیرا مباحثه ما ارتباط قسمتهای مختلف آن را بهم خواهد زد و قدرت عمل و معانی مرموز نکات آنرا از بین خواهد برد.

## سم آزادی خواهی.

اگر بوجب حق آزادی انتخابات و اصول دموکراسی، هر کسی در نقشه حکومت دخالت کند، قطعاً آثار مسموم عقاید غلط در آن ثبت خواهد شد و چون ممکن نیست همه اشخاص از جزئیات و دقایق اصلی و ارتباط آنها مستحضر گردند، ناچار هر کسی بدون آنکه بجوانب ارتباط



آنها را مختل خواهد کرد و اشتباهات خود را در آن جای خواهد ساخت. باید نقشه‌های ما با دقت کامل و بطور جامع تنظیم گردد و پس از انجام آن نباید کار رؤسا یا تدابیر خفیه ما را بوسیله آراء ناقص و غلط توده‌های مردم در مجالس چند نفری مخدوش و بی‌اثر کنیم.

این نقشه‌ها تأسیسات معمول جدید را دفعةً از بین نخواهد برد بلکه فقط طرز اجرای آنها را تغییر داده و متناسب با مقاصد ما خواهد ساخت.

این تأسیسات در کلیه کشورهای دنیا بعناوین گوناگون وجود دارد، از قبیل هیئت نمایندگی، وزارتخانه‌ها، مجلس سنا، شورای دولتی، قوه مقننه، قوه مجریه و غیره.

ذکر ترتیب روابطی که این تأسیسات با یکدیگر دارند، در اینجا زیاد لازم بنظر نمی‌رسد زیرا این موضوعی است که هر کسی کم و بیش اطلاعی از آن دارد. فقط نکته‌ای که باید متوجه بود این است که هر کدام از این تأسیسات بیکی از شعب و وظائف مهم دولتی مربوط می‌باشد و مخصوصاً بیشتر دقت کنید که آنچه در این مجموعه مهم است شغل دولتی است نه تأسیسات مربوط بآن.

تأسیسات فوق، کلیه مشاغل دولتی را — از قبیل مشاغل اداری، قانونگذاری، اجرائی — بین خود تقسیم نموده‌اند و بهمین علت است که منزلت این تأسیسات در وجود دولت بمنزله اعضاء بدن است در وجود یک نفر انسان. باین معنی که اگر بقسمتی از ماشین دولت خللی وارد آید، وجود دولت مثل بدن انسان بیمار گردیده خواهد مرد.

از وقتی که سم آزادی خواهی را در تشکیلات دولت داخل نمودیم، اساس دولت تغییر یافته و بمرض فساد و تعفن خون مبتلا گردیده است و اکنون نیز منتظر رسیدن لحظه جان کندن آن هستیم.

## قانون اساسی و مشروطه، مکتب اغتشاش احزاب است.

در نتیجه شیوع مرض آزادی خواهی، حکومت مشروطه – که در واقع جز یک مدرسه بی‌نظمی و اغتشاش و هرج و مرج، چیز دیگری نیست و بدون هیچ تردید، مایه از بین رفتن شخصیت و اهمیت دولت می‌باشد – جانشین حکومت مطلقه (اتوکراسی) سیاسی گردید. آزادی گفتار و قلم، دولت را به صورت بی‌عرضه و اضمحلال محکوم ساخت و وسیله نابود شدن آن را فراهم نمود.

## رؤسای کشورها دست‌نشاندگان فراماسون‌ها هستند.

امروز، رژیم دموکراسی به میان آمده و زمام حکومت به دست کسانی افتاده که جامعه آنها را از میان بندگان و دست‌نشاندگان ما انتخاب می‌نماید. با رأی العین ملاحظه می‌کنید. کوشش‌های ما به ثمر رسیده و سرنگون شدن ملل مسیحی دنیا را به چاه‌هایی که زیر پای آنها کنده بودیم به چشم خود تماشا نمودیم.

## مسئولیت رؤسا.

در آتیه نزدیک، مسئولیت رؤسای جمهور را به وجود خواهیم آورد و بدون هیچ ملاحظه‌ای دستگاه کار، نقشه‌هایی را که میخواهیم انجام خواهیم داد و تنها رؤسای با شخصیت [illegible] بازی می‌کنند، چرا که آنها مسئول خواهند بود. برای ما چه اهمیت دارد که مقام اشخاصی که باید به حکومت برسند خالی شود و یا در نتیجه فقدان اشخاص لایق، ممالک دنیا دچار بی‌نظمی و هرج و مرج گردند. برای نیل به این هدف، ما به انتخاب رؤسای جمهور توسل خواهیم جست و کسانی را انتخاب خواهیم نمود که دارای سوابق [illegible] و قبایح سیاه و دیگر ننگین باشند. ترس از افشای اسرارشان و میل به حکومت و ریاست [illegible] موجب [illegible] امتیازات



و افتخارات مخصوص به هر یک از زمامداران تعلق بگیرد و عوامل دیگر، ناچار این رؤسا را مجری اوامر و دستورهای ما خواهد کرد و عواقب مسئولیت آنها حتمی خواهد بود. [illegible] ولی ما از او حق مبهم کردن قوانین را سلب می‌کنیم، با واجازه تغییر قوانین را نیز می‌دهیم، و تمام این حقوق را به رئیس جمهوری خواهیم داد که بدستور ما کار کند، مجری اوامر ما باشد و مانند عروسک خیمه‌شب‌بازی ما باشد. با این ترتیب قدرت دولت در دفترهای مردم نابود خواهد گردید. ما ابتدا حق اجازه خواهیم داد که برای دفاع از خود، به آراء عمومی مراجعه کند و از ابراز مسئولیت در مقابل نمایندگان، حق داری نماید. یعنی اکثریت کورس مطیع و منقاد ما است مراجعه کند و کسب دستور کند. بعلاوه ما به رئیس جمهور اجازه اعلان جنگ خواهیم داد و برای توجیه این حق خواهیم گفت که رئیس جمهور مسئول تمام قوای نظامی کشور است و برای حفظ قانون اساسی باید حق اعلان جنگ را نیز دارا باشد.

## قانون اساسی دولت جمهوری جدید.

بدین ترتیب، رئیس قوه اجرائیه، کاملاً در اختیار ما خواهد بود و جز ما کسی حق قانونگذاری و حکومت را نخواهد داشت. علاوه براین در قانون اساسی جدید، دخالت نموده، حق استیضاح را بعنوان حفظ اسرار سیاست، از مجلس سلب خواهیم نمود و خواهیم کوشید که بوسیله این قانون اساسی شماره اعضاء مجلس را بحداقل پائین آوریم و بدین وسیله تمایلات سیاسی را تقلیل داده ~~و [illegible] بریع~~ نابود کنیم.

هرگاه بر خلاف انتظار مخالفت کنند، ما تمایلات مذکور، در همین عده کم نیز پیدا شود، در این صورت آن چند نفر را نیز از بین خواهیم برد.

عزل و نصب نمایندگان مجلس شورا و سنا بدست رئیس دولت خواهد بود و

مورد نمایند که نیز از چیزهائی است که ما ذکر خواهیم کرد. علاوه براین، رئیس مذکور، مانند قوهٔ اجرائیه حق انحلال و دعوت مجلس را نیز خواهد داشت. ولی برای اینکه مسئولیت کلیهٔ این کارها تماماً متوجه او نباشد وزراء و سایر اعضاء دولت را نیز وادار خواهیم نمود که در این کارها دخالت نمایند و بنوبهٔ خود در مسئولیت آنها شریک باشند و مخصوصاً مجلس سنا و شورای دولتی و شورای وزیران را بیش از دیگران مسئول این امور قرار خواهیم داد.

رئیس دولت، قوانین موجود را بمیل و فرمان ما تعبیر و تفسیر خواهد کرد و هر موقع که ما مقتضی بدانیم آنها را فسخ نیز خواهد کرد. همچنین حق خواهد داشت قوانین موقتی وضع نماید و حتی بعنوان اقتضای نفع عالی دولت، قانون اساسی را نیز تغییر دهد.

با این وسائل کم کم به نابود ساختن کلیهٔ چیزهائی که در ابتدا مجبور به بقاء آنها گردیده بودیم موفق خواهیم شد و بطور نامحسوس تمام قوانین اساسی را از بین خواهیم برد تا همهٔ دول را تحت انقیاد دولت مقتدر و مستبد خود خواهیم آورد.

اگر ملتهای دنیا از بی نظمی و عدم کفایت زمامداران خود بتنگ آمده و فریاد بزنند که: «این زمامداران را از بین ببرید و یک سلطان عمومی و بین المللی بما بدهید که بتواند کلیهٔ علل و اسباب بی نظمی — یعنی مرزها، مذاهب وغیره — را از بین برده صلح و آرامش برای ما تهیه کند» در اینصورت سلطنت ما حتی قبل از ابطال قوانین اساسی موجوده، روی کار خواهد آمد و از طرف عموم مردم شناخته و پذیرفته خواهد شد.

بدیهی است که برای تولید اینفکر در ملل دنیا، باید بکوشیم تا در همهٔ کشورها روابط ملت و دولت را منقلب و درهم بوسیلهٔ تولید نفاق، کینه، گرسنگی و اپیدمی بدبختی و بیچارگی، مردم را خسته و فرسوده سازیم و راه فرار نجات را بروی آنها ببندیم. تا در نتیجه از همه طرف ناامید شده، خواهی نخواهی حاکمیت مقتدر ما را بپذیرند.



نباید غافل بود که اگر فرصت آسایش و نفس کشیدن برای ملتها باقی بگذاریم، لحظهٔ منظور، هرگز فرا نخواهد رسید...

# فصل یازدهم

## برنامهٔ قانون اساسی جدید.

شوراهای دولتی، بصورت قوهٔ مقننه، مظهر قدرت دولت و کلیهٔ انتشار قوانین و فرمانهای دولتی خواهد بود.

برنامهٔ قانون اساسی جدید، بدین ترتیب خواهد بود: ما قانون، حقوق و دادگاههای قضائی را بوسیلهٔ پیشنهاد بقوهٔ مقننه یا بواسطهٔ فرمان رئیس دولت و بصورت قواعد مربوط به نظم اجتماعی، یا بوسیلهٔ تصمیمات شورای دولتی و بنام احکام وزارتی و بالاخره در صورتیکه فرصت و موقع مناسبی در دست باشد، بشکل کودتا، بوجود خواهیم آورد.

اکنون که بطور مختصر توانستیم طرز اجرای برنامهٔ خود را تعیین نمائیم، بشرح تصمیماتی که برای تغییر وضع و شکل دولت اتخاذ خواهیم نمود، می پردازیم. و منظور از این تغییر شکل، این است که آزادی مطبوعات، حق اجتماع، آزادی عقیده، اصول انتخاب وغیره را از قاموس بشری محو کنیم و یا آنها را در قانون اساسی جدید بصورت دیگری موافق میل خود در آوریم. و فقط در این موقع است که ما با سهولت خواهیم توانست کلیهٔ کشورها را

و احکام خود را جمع و تدوین نمائیم.

بعد از آن، از هرگونه تغییر محسوس، که نظم جامعه را مختل کند، اجتناب خواهیم کرد. زیرا اگر این تغییر بشکل جدی صورت گیرد، بیم حدوث تغییر دیگری را بهمین شکل در پی خواهد داشت. و اگر برعکس، بملایمت و آرامی انجام پذیرد، در نظر مردم، چنین جلوه خواهد نمود که ما مرتکب خطا و اشتباهی شده و خود نیز باهمیت اشتباه خویش پی برده‌ایم. و این امر جلوه قدرت جدید را ضعیف خواهد ساخت. و یا اینکه افراد خیال خواهند کرد که ما دچار بیم و اضطراب گشته‌ایم و از روی اضطرار و ناچاری ببعضی اشخاص، امتیازاتی داده‌ایم. تردیدی نیست که هر کدام از این دو حالت، باعث شکست نفوذ قانون اساسی جدید ما خواهد گردید.

## نکته‌ای چند درباره کودتای منظور

اگر ملل دنیا، از کودتای ما دچار حیرت و اضطراب شده، در پذیرفتن آن تردید و دودلی از خود نشان دهند. بآنان خواهیم فهماند که ما باندازه‌ای قوی و صاحب اقتدار و شکست‌ناپذیر هستیم که بهیچوجه به حیرت و تردید آنها اعتنائی نخواهیم داشت و از هر گونه تظاهر و اقداماتی که در نتیجه این حیرت و اضطراب بمیان بیاید جلوگیری خواهیم نمود. باید بآنان ثابت نمائیم که ما با یک اقدام سریع، بکلیه چیزهائی که برای ما لازم و ضروری بود، مالک شده‌ایم و دیگر حاضر نخواهیم بود که قدرت خود را با آنان تقسیم نمائیم. در اینصورت مجبور خواهند شد که چشمهای خود را بهم گذاشته در انتظار حوادث بنشینند.

## تشکیلات سری فراماسونها.

مسیحیان کلاً گوسفندی هستند که ما برای آنها بمنزله گرگهای درنده‌ای میباشیم. آیا میدانید موقعیکه گرگها، در پناهگاه گوسفندان رخنه کنند، حال این زبان



بسته‌ها بچه منوال خواهد بود؟..

آری! آنها چشمهای خود را خواهند بست، مخصوصاً موقعیکه ما بآنها وعده بدهیم که کلیه آزادیهای آنها را پس از دشمنان صلح و آرامش از بین بردیم، بآنها باز پس خواهیم داد. ناگزیر بهمه‌تن بقضا در خواهند داد و در انتظار وفای وعدهٔ ما خواهند نشست.

ولیکن باید دانست که چنانکه بارها گفته‌ایم، اساس تشکیلات «فراماسونی» سری ما این است که هرگز شناخته نگردد و حتی نقشه‌های آن نیز مورد سوء ظن مسیحیان بی‌فهم و بی‌ادراک واقع نشود.

خداوند، ما را — که ملت منتخب و برگزیده او هستیم، — پراکنده ساخته و خود این ضعف بزرگ نژادی، قدرت ما را بوجود آورده و همین قدرت است که امروز ما را بتهدید تمام دنیا قادر نموده است.

# فصل دوازدهم

## فراماسونها کلمهٔ «آزادی» را چگونه تفسیر میکنند.

ما کلمهٔ آزادی را — که تعبیرهای گوناگون از آن بعمل آمده است — بدینگونه تفسیر میکنیم:
«آزادی عبارت است از حق انجام هر عملی که قانون اجازه بدهد.»
این تفسیر، در موقع لزوم، اختیار آزادی افراد را کاملاً بدست ما خواهد سپرد، و قانون بر طبق برنامه‌ای که برای ان از نظر شما گذراندیم، هر چه را برای ما مفید باشد، مقرر خواهد نمود.

## مطبوعات در دولت فراماسون ها.

## بازرسی مطبوعات — خبرگذاری ها.

از مطبوعات نیز حداکثر استفاده را خواهیم کرد. بطوریکه می‌بینید، امروزه مطبوعات، جز برای اشتعال احساسات یا تظاهر و خودستائی احزاب مختلف، وظیفه‌ای ندارد و جز برای کارهای بیهوده و غیر عادلانه و دروغ پردازی و مردم فریبی بکار نمیرود. واغلب مردم از اهمیت و مورد استعمال آن بی اطلاع می باشند.
ما زمام مطبوعات را در دست خواهیم گرفت و در مطالب مندرجات روزنامه‌ها، مجله‌ها، کتابها و رساله‌ها، دقت کافی بعمل خواهیم آورد و وضع مطبوعات را بکلی تغییر خواهیم داد. حتی مالیات مخصوصی نیز برای آن مقرر خواهیم داشت.
وقتیکه مطبعه یا روزنامه‌ای بوجود می آید، دارندگان آن موظف خواهند بود



مبلغی بعنوان تضمین بصندوق دولت بسپارند، و ما بدین ترتیب، دولت خود را در مقابل هرگونه حمله‌ای که ممکن است از طرف مطبوعات بعمل آید، تأمین خواهیم نمود.
در موقع فرصت، صاحبان مطبوعات را — حتی گاهی بدون علت — جریمه خواهیم نمود و این وجوه حاصله از تضمین و جریمه، خود منبع درآمد خوبی برای دولت خواهد بود.
اگرچه روزنامه‌های حزبی، در نتیجه دادن تضمین یا پرداخت جریمه دچار مضیقه مالی نخواهند گردید ولیکن هرگاه روزنامه‌ای پس از تحمل جریمه کراراً مرتکب خلافی شود، در این صورت ما آن را توقیف خواهیم نمود و در نتیجه هیچ کس جرأت مبارزه با اصالت و عظمت دولت ما را نخواهد داشت.
روزنامه‌های مخالف را به بهانه اینکه «مندرجات آن، افکار توده را مشوش میسازد» توقیف خواهیم کرد. ولیکن، در نظر داشته باشید که بعضی از این روزنامه‌های مخالف را خودمان بوجود خواهیم آورد و اینها بطور نامحسوس، نکات و موضوعاتی را که ما خیال تغییر یا از بین بردن آنها را داریم مورد انتقاد قرار خواهند داد.
بنابراین هیچ مطلبی در روزنامه‌ها درج نخواهد گردید مگر اینکه قبلاً از طرف ما تحت بازرسی دقیق قرار گرفته باشد.
وسایل این موضوع، امروزه هم درحال فراهم شدن است. زیرا کلیه خبرهای مندرج در روزنامه‌ها، از خبرگذاریهای مخصوصی گرفته میشود، و روزیکه ما اختیار مطبوعات را بدست خواهیم گرفت، کلیه این مؤسسات خبرگذاری نیز تابع ما خواهد بود و فقط اخباری را نشر خواهند نمود که از طرف ما اجازه داده شود.
امروزه، با وجود اینکه هنوز بطور کامل زمام اداره کلیه توده‌ها را بدست نگرفته‌ایم،

ملاحظه می‌کنید با چه استادی و مهارت عصبی، روحیات ملل مسیحی را بدست آورده، آثار اجبور را رخنه ایم که دنیا را موقتاً از پشت عینکهای رنگارنگ که ما بچشم آنها میزنیم، تماشا کنند. پس ببینید موقعی که ما مالک الرقاب کلیهٔ ملل خواهیم شد و سلطان مستبد ما بر تمام دنیا حکمفرمائی خواهد نمود، حال مسیحیان در مقابل ما چگونه خواهد بود...

در آن موقع هر کس بخواهد به روزنامه‌ای تأسیس، یا کتابخانه و مطبعه‌ای را اداره کند باید دیپلوم مخصوصی داشته باشد و در صورت مخالفت با قوانین و نظامات ما دیپلم او پس گرفته خواهد شد.

## ترقی در نظر فراماسون‌ها.

با این اقدامات، وسیلهٔ اظهار نظر و افکار جامعه در دست دولت خواهد بود و به افراد توده به هیچ وجه اجازه داده نخواهد شد که دربارهٔ نغمه‌های ترقی بیهوده سرائی بپردازند.
همهٔ ما میدانیم هم این نغمه‌های موهوم به خواب و خیال بی‌ربط و بیمعنی منجر خواهد شد و این خواب و خیال، هرج و مرج و اغتشاش بوجود خواهد آورد. زیرا که فکر ترقی، اندیشهٔ آزادی بدون حد را در افراد بوجود می‌آورد و بنا بر آنچه در فصل قبل متذکر شده‌ایم هر مرد آزادی خواه در واقع جز شخص اغتشاش طلبی نبوده و اگر این امر در اعمال وی نیز ظاهر نباشد مسلماً در افکارش ظهور دارد. — اعتراض و انتقاد شخص آزادیخواه جز برای استفاده از لذت اعتراض نبوده، بدیهی است هم این امر به هرج و مرج منجر خواهد شد...

## شرکت فراماسون‌ها در مطبوعات جدید.

از مطلب دور افتادیم، برگردیم بموضوع مطبوعات:



برای کلیهٔ مطبوعات، مالیات‌های مخصوصی مقرر خواهیم نمود و مبلغ مالیات کتابهائی که عدهٔ صفحات خواهد بود کتابهائی هم شمارهٔ صفحات آن از ۳۰ کمتر باشد مالیاتش هم برابر خواهد بود و نامش نیز در ردیف رساله‌های کوچک ثبت خواهد شد. این امر از یک طرف شمارهٔ اینگونه کتابها را که بدترین و مهلک‌ترین سمها می‌باشند، خواهد کاست و از طرف دیگر نویسندگان را مجبور خواهد نمود که از تدوین اینگونه کتابهای کوچک صرفنظر کنند و بنوشتن کتابهای بزرگ و قطور بپردازند. بدیهی است که خوانندگان اینگونه کتابها — مخصوصاً بجهت گرانی قیمت — بمراتب از خوانندگان کتابهای کوچک و ارزان قیمت کمتر خواهد بود. ولیکن کتابهائی که ما خودمان بمنظور تبلیغ افکار خود، طبع و نشر خواهیم نمود، بزودی فروخته شده و خوانندگان بیشماری خواهد داشت.

مالیات سنگین، شهوت نویسندگی را از بین خواهد برد و بیم مجازات، نویسندگان و ادبا را تحت اطاعت اوامر ما قرار خواهد داد.

هرگاه نویسندگانی برعلیه ما چیزی بنویسند، هیچکس اقدام بطبع و نشر آن نخواهد نمود. برای طبع یک رساله یا یک کتاب، نویسنده یا صاحب مطبعه باید قبلاً به مقامات رسمی مراجعه و اجازهٔ طبع تحصیل نماید. بدین ترتیب ما قبل از انتشار هر کتاب یا جریده، از موضوع آن اطلاع حاصل خواهیم نمود و برای جلوگیری از انتشار مطالبی برعلیه خودمان و برچیدن کلیهٔ دامهائی هم بدین واسطه در سر راه ما گسترده شود فرصت کافی خواهیم داشت:

ادبیات و روزنامه، دو وسیلهٔ تبلیغ و تربیتی خیلی مهم می‌باشند. و بهمین علت دولت ما ادارهٔ اغلب روزنامه‌ها را بخود تخصیص خواهد داد و در نتیجهٔ این اقدام نفوذ

خطرناک مطبوعات خصوصی از بین خواهد رفت و در مقابل، جرائد ما نفوذ بیشتری در روحیات توده خلق خواهد داشت.
روزنامه‌هائی که توسط ما اداره و نشر خواهد شد، در ظاهر ناشر افکار کاملاً متوافق
و سطحی تأییدات جامعه خواهد بود و بدین واسطه اعتماد عموم را جلب خواهد نمود و حریفان
و دشمنان ما را بدون اینکه کوچکترین نگرانی و سوء ظنی در آنها تولید کند، بطرف خود
جذب و در دامهائیکه بدین وسیله در سر راه آنها گسترده شده گرفتار خواهد ساخت.

اجرای این نقشه‌ها به طریق ذیل انجام خواهد گرفت و بعبارت دیگر دارای سه مرحله خواهد بود:
در مرحله اول: مقامات رسمی که در رأس امور قرار خواهند گرفت، بازیچه دست ما خواهند
بود و منافع ما را حفظ خواهند نمود و بعبارت بهتر، ابداً قدرتی نخواهند داشت.

در مرحله دوم، مقامات نیمه رسمی که از لحاظ اهمیت در درجه دوم قرار دارند، موظف
خواهند بود که بتبلیغ افکار ما اشخاص بی عقیده و بی ایمان را بسوی ما جلب کنند.

در مرحله سوم: کسانی را وارد کار خواهیم داد، که وظیفه خواهند داشت ظاهراً
افکار و عقاید ما را مخالفت نمایند. بدین ترتیب پیوسته یکی از عوامل اجرائی مخالف افکار
ما خواهد بود و دشمنان حقیقی ما از روی بیشعوری و نادانی، این مخالفین دروغی و
ظاهری را همعقیده و متحد خود فرض خواهند کرد و بازیهای خود را ~~جمیعاً ابراز خواهند~~
~~نمود~~ برای آنان آشکار خواهند ساخت و مقاصد و نقشه‌های خود را با ایشان ابراز خواهند
نمود.

روزنامه‌های ما افکار مختلف و گوناگون در برداشته: بعضی طرفدار حکومت مطلقه،
برخی ناشر افکار جمهوریخواهی، عده‌ای انقلابی و بعضی هرج و مرج طلب خواهند بود.
مطبوعات ما، مانند «ویشنو» خدای هندیان، دارای صد دست خواهد بود؛



کلیه این دستها برای برافکندن عقاید کهنه و تغییر دادن اوضاع اجتماعی بکار خواهند افتاد.
این دستها، عقیده عمومی را بر طبق میل و منظور ما تغییر خواهند داد. و بواسطه اضطراب
و تشویشی که در جامعه تولید خواهند نمود، قدرت تفکر و تعقل را از افراد سلب کرده، آنان
را بآسانی تحت تأثیر تلقینات ما خواهند آورد.

افراد احمق و بیشعور، بخیال اینکه از افکار روزنامه حزب خود طرفداری کنند،
در حقیقت از عقاید و نقشه‌های ما پشتیبانی خواهند نمود... آنها تصور خواهند کرد که
ارگان حزب خود را حمایت میکنند، غافل از اینکه بدنبال بیرقی که ما برافراشته‌ایم،
براه افتاده اند...

برای اینکه بتوانیم از مطبوعات، بطور کامل استفاده نمائیم، مراقبت و احتیاط فوق العاده
بکار خواهیم برد و بنگاهی بنام اداره مرکزی مطبوعات تأسیس خواهیم نمود تا عمال و نمایندگان
ما در آنجا گرد آمده، دستورها و اوامر لازمه را صادر نمایند.

روزنامه‌های عامل ما، در ظاهر با افکار و روابط ما مخالفت خواهند ورزید و
بدین وسیله یک مباحثه کاملاً سطحی و ظاهری بین آنها و روزنامه‌های رسمی ایجاد خواهد شد
و این امر برای معرفی ما وسیله خیلی خوبی خواهد گردید.

این مخالفتها از یک طرف سبب این خواهد شد که رعایای ما خود را کاملاً آزاد و
بی قید پنداشته، مطمئن خواهند گشت براینکه میتوانند با آزادی کامل اظهار عقیده کنند
و از طرف دیگر عمال ما فرصت خوبی خواهند داشت برای اینکه ثابت بکنند که اظهارات
مخالفین و دشمنان ما جز چرند و یاوه چیز دیگری نبوده است.
جامعه، نسبت بما اعتماد و اطمینان زیادی پیدا خواهد کرد و ما خواهیم توانست

نسبت به مسائل سیاسی، احساسات آنها را به جنبش و هیجان درآورده و یا آرام سازیم. همچنین قادر خواهیم بود؛ [با] نشر اخبار صحیح یا دروغ و جعلی آنها را اغوا نموده یا منحرف و مشوش کنیم.

ما، حریفان خود را بطور حتم، مغلوب خواهیم ساخت، برای اینکه دشمنان ما عوامل تبلیغی مرتبی مانند وسائل تبلیغی و مطبوعاتی، نخواهند داشت و نخواهند توانست میل و اطمینان و اعتماد مردم را بخود جلب نمایند.

در روزنامه‌های نیم رسمی خود، دروغهائی را [که] برای تبلیغ در روزنامه‌های درجه دوم درج و منتشر می‌کنیم، تکذیب خواهیم کرد و در صورتیکه ضرورت داشته باشد، یک جنگ مطبوعاتی هم برپا خواهیم نمود.

فعلاً تشکیلات روزنامه‌نگاری کشور فرانسه تا اندازه‌ای تحت تأثیر سازمان فراماسونی قرار گرفته است. کلیهٔ عوامل مطبوعاتی بوسیلهٔ اسرار شغلی و صنفی بهم مربوط هستند و بدین جهت، هیچکدام از کارمندان مطبوعات بدون اجازه اقدام بافشای اسرار مذکور نخواهند کرد.

هیچ روزنامه‌نویس، باین اسرار خیانت نخواهد ورزید: زیرا کسی که لکه‌های ننگینی در زندگانی گذشتهٔ خود نداشته باشد، بدنیای مطبوعات پذیرفته نخواهد شد، و این لکه‌های ننگین، اسرار چنین نفر را تشکیل خواهد داد و خود آنان را بحفظ این اسرار ملزم و مجبور خواهد ساخت.

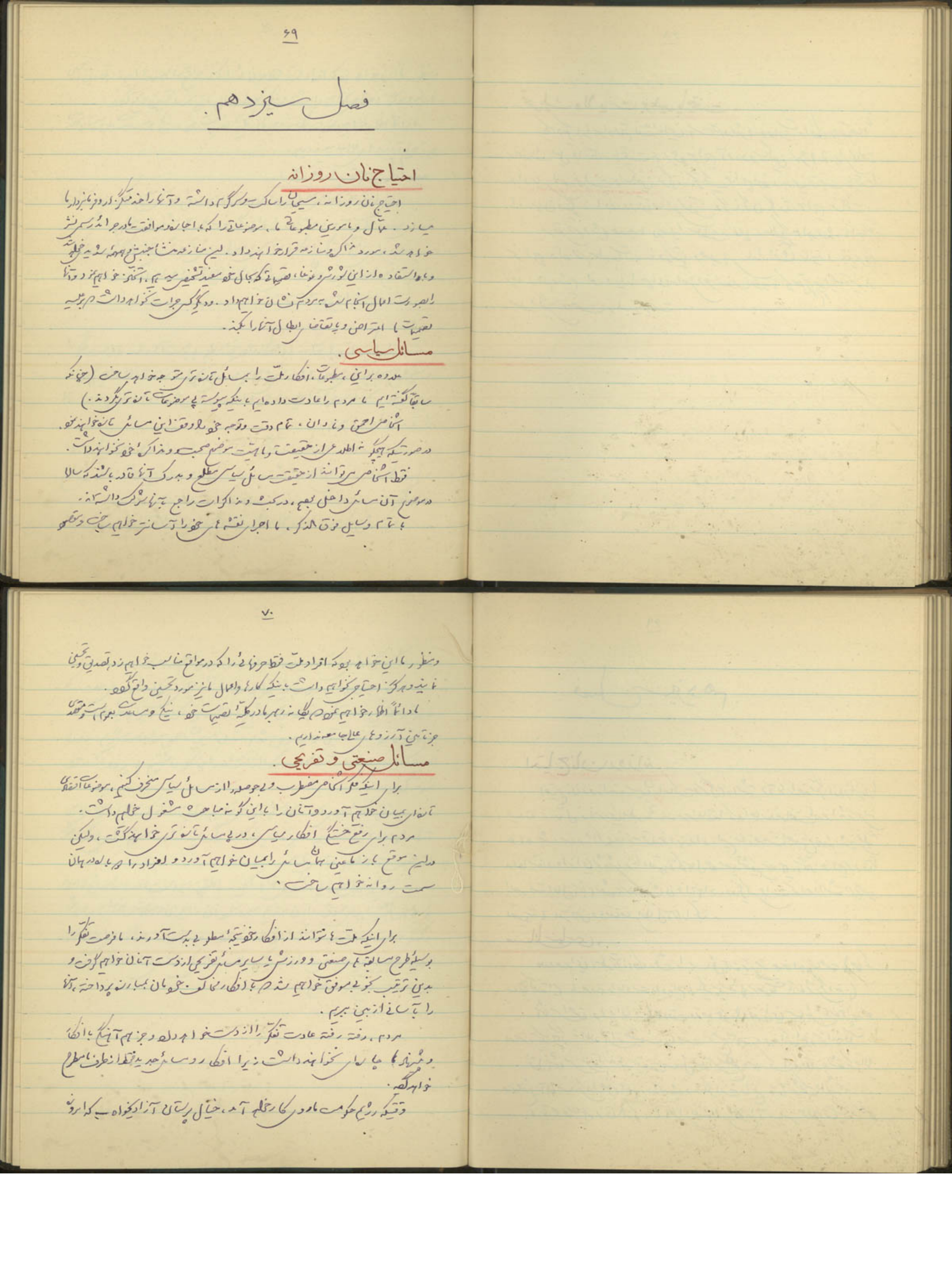
این افراد نیز، در نتیجهٔ حفظ همین اسرار موفق خواهند شد ابهت و مقام خود را محفوظ داشته، اکثریت جامعه را، بخود همراه سازند.



## تحریک ولایات برعلیه پایتخت.

یکی دیگر از مواد مهم نقشه‌های این است که در شهرها و ولایات، افکار و تقاضاهائی برخلاف میل و انتظار پایتخت‌ها بوجود خواهیم آورد و ساکنین شهرها را برای مخالفت با اولیای امور دولت و ساکنین مرکز، تحریک خواهیم نمود و بدین ترتیب پایتخت‌ها را در میان اینگونه افکار و تقاضاهای مختلف و گوناگون گرفتار خواهیم ساخت.

موقعیکه رژیم جدید ما در سایهٔ سلطنت عالی، عالمگیر خواهد شد، ما اجازه نخواهیم داد که مطبوعات، نادرستیها و حیله‌های ما را افشا نمایند؛ باید بمردم فهماند رژیم نو دنیا را چنان راضی و خرسند ساخته، که حتی جرائم و جنایات نیز از صفحهٔ گیتی رخت بربسته است...





# فصل سیزدهم.

## احتیاج نان روزانه

احتیاج نان روزانه، سیمی‌ها را ساکت و نوکرهای ما داشته و آنها را خدمتگزار دروغ‌پرداز ما
می‌سازد. عمال و مأمورین مطبوعاتی ما، موضوعاتی را که، اجرا نمودن موافق با درج آن در رسمیت نشر
خواهد شد، مورد مذاکره و مناظره قرار خواهند داد. لیکن ما در همین جنبش و همهمه شدید خود
و با استفاده از این شورش و غوغا، تصمیماتی که بحال خود مفید تشخیص میدهیم، اتخاذ خواهیم نمود و آنها
را بصورت اعمال انجام شده به مردم نشان خواهیم داد. و دیگر کسی جرأت نخواهد داشت در برابر
تصمیمات ما اعتراض و یا تقاضای ابطال آنها را بکند.

## مسائل سیاسی.

عده برای، مطبوعات، افکار ملت را با مسائل تازه‌تری متوجه خواهد ساخت (چنانکه
سابقاً گفته‌ایم ما مردم را عادت داده‌ایم به اینکه پیوسته پی موضوعات تازه‌تری گردند.)
اشخاص احمق و نادان، تمام دقت و توجه خود را وقف این مسائل تازه خواهند نمود.
در صورتیکه هیچگونه اطلاعی از حقیقت و ماهیت موضوع بحث و مذاکره خود نخواهند داشت.
فقط اشخاصی میتوانند از حقیقت مسائل سیاسی مطلع و به درک آنها قادر باشند که سالها
در موضوع آن مسائل داخل بوده، در بحث و مذاکرات راجع به آنها شرکت داشته‌اند.
با تمام وسایل فوق الذکر، ما اجرای نقشه‌های خود را آسانتر خواهیم ساخت و تشکیل



و منظور ما این خواهد بود که افراد ملت فقط حرفهائی را که در مواقع مناسب خواهیم زد تصدیق و تحسین
نمایند و دیگر احتیاجی نخواهیم داشت به اینکه کارها و اعمال ما نیز مورد تحسین واقع گردد.
ما دائماً اظهار خواهیم نمود که یگانه رهبر ما در کلیه تصمیمات خود، نیکی و سعادت عموم است و مقصدی
جز تأمین آرزوهای عالی جامعه نداریم.

## مسائل صنعتی و تفریحی.

برای اینکه فکر اشخاص مضطرب و بی‌حوصله را از مسائل سیاسی منحرف کنیم، موضوعات اقتصادی
تازه‌ای بمیان خواهیم آورد و آنان را با این گونه مباحث مشغول خواهیم داشت.
مردم برای رفع خستگی افکار سیاسی، در پی مسائل تازه‌تری خواهند گشت، ولیکن
در این موقع باز ما عین همان مسائل را بمیان خواهیم آورد و افراد را بدنبال در همان
سمت روانه خواهیم ساخت.

برای اینکه ملت‌ها نتوانند از افکار خود نتیجه مطلوب بدست آورند، ما فرصت تفکر را
بوسیله طرح مسابقه‌های صنعتی و ورزشی و سایر مسائل تفریحی از دست آنان خواهیم گرفت و
بدین ترتیب بخوبی موفق خواهیم شد که با افکار مخالف خود مبارزه پرداخته، آنها
را بآسانی از بین ببریم.
مردم، رفته رفته عادت تفکر را از دست خواهند داد و جز هم آهنگ با افکار
و نظریات ما رأیی نخواهند داشت زیرا افکار و مسائل جدید فقط از طرف ما مطرح
خواهد گشت.
وقتیکه رژیم حکومت ما روی کار خواهد آمد، خیال پرستان آزادیخواه که از روی

خدمت بزرگی برای ما انجام میدهند — از میدان بیرون خواهند رفت.

ما هرگز اجازه نخواهیم داد که کلمهٔ نظریات و تئوریهای خیالی و موهوم جدید که ظاهراً وسایلی به «ترقی» فکری منتهی میشود رواج پیدا کند. زیرا بوسیلهٔ همین کلمهٔ «ترقی» بود که در نخستین مرحله موفق شدیم عنان مسیحیان احمق را بدست گیریم، بدون اینکه حتی یک نفر از آنها بمقصود دیگر ما از آنچه را این کلمه داشتیم پی برده و باشتباه خود متوجه گردد.

«ترقی» کلمهٔ مبهمی است که بوسیلهٔ آن میتوانیم حقایق را تاریک سازیم و بسیاری واقعی آنها را پنهان نمائیم تا در نتیجه، جز ما که بندگان برگزیدهٔ خداوند هستیم، کس دیگری نتواند از حقیقت آنها اطلاع حاصل نماید.

وقتیکه دولت عالی ما تشکیل خواهد گردید، ناطقین زبردست ما درباره مسائلی که امروز بوسیلهٔ آن بشر را برای سوق دادن برژیم سعید خودمان، حیران و مبهوت ساخته‌ایم، بمباحثه و گفتگو خواهند پرداخت و آنها را حل خواهند نمود. و در آنروز همه از روی ایمان خواهند فهمید که این مسائل را ما برطبق یک نقشهٔ سیاسی که قرنهای دراز از نظر مردم پنهان بوده است، طرح نموده بودیم.



# فصل چهاردهم

## مذهب در دورهٔ حکمرانی فراماسونها.

وقتیکه دولت عالی ما روی کار خواهد آمد، ما هیچ دینی را جز دین خدای یگانه‌ئی که سرنوشت ما را هم مربوط ساخته است، برسمیت نخواهیم شناخت. زیرا که ما، چنانکه بارها گفته‌ایم، بندگان برگزیدهٔ خدا هستیم و سرنوشت بشر را نیز ما باید تعیین کنیم. و بهمین جهت ناگزیر خواهیم بود که ادیان و عقاید دیگر را بالمره از بین ببریم. و هرگاه این اقدامها باعث پیدا شدن مشرکین تازه‌ای شود، این امر بهیچوجه به نقشهٔ ما ضرری وارد نخواهد آورد. بلکه سرمشق خوبی برای نسلهای آینده خواهد بود زیرا آن نسلها موعظات ما را شنیده و خواهند دید که چگونه در سایهٔ دین موسی بتسخیر تمام گیتی و حکومت بر کلیهٔ ملل دنیا موفق گردیدیم.

## آسایش در بندگی.

آنگاه، ما در هر فرصتی، در صفحات مطبوعات، رژیم خوب و سعید خود را با رژیمهای گذشته مقایسه خواهیم نمود و صلح و آرامشی که دولت ما بعد از قرنهای آشوب و اغتشاش بمیان خواهد آمد، نیکی و برتری ما را بطور واضح و آشکار نشان خواهیم داد و با دلائلی جامعه را از رژیمهای گذشته متنفر و منزجر خواهیم نمود که مردم راحتی و آرامش را در نتیجهٔ بندگی و خدمت بما خواهند داشت. به آزادی و استقلالی که آنان را به زحمت و اضطراب دچار ساخته و حتی وسایل زندگی را نیز از دستشان گرفته و آنها را تسلیم اراذل کرده

احمق و ماجراجو بوده‌اند ترجیح خواهند داد.

تغییرات مکرر و بیهوده‌ای که برای از بین بردن دول مسیحی، بدست ما صورت خواهد گرفت، توده‌های مردم را بدانقدر خسته و فرسوده خواهد نمود که برای فرار از خطر تغییرات، تن بتحمل هرگونه پستی و ذلتی در خواهند داد.

ما پس از شرح محاسن و نیکیهای حکومت خودمان، بلافاصله اشتباهات و خطاهای تاریخی که دول مسیحی در طی قرون متمادی مرتکب شده‌اند، بجامعه گوشزد خواهیم نمود.

فلاسفه ما پیوسته از عیوب عقاید مسیحی صحبت خواهند کرد ولی کسی در باره حقیقت معنای مذهب ما ابداً تحقیقاتی نخواهد نمود. زیرا جز افراد مذهبی ما کسی باسرار آن مطلع نمی‌باشد و این افراد نیز هرگز جرات خیانت به آن اسرار را نخواهند داشت.

## ادبیات مفسد و مشوق بی‌دینی و بی‌عصمتی.

در کشورهائیکه ظاهراً مترقی بنظر میرسند، ما یک قسم ادبیات مفسد و مشوق بی‌دینی و بی‌عصمتی بوجود آورده‌ایم. پس از تشکیل حکومت خودمان نیز، هنوز تا مدتی این ادبیات را تقویت خواهیم نمود و سپس وقتیکه اثرات آن بطور واضح و روشن آشکار شد، آنرا از بین خواهیم برد و بنویسندگانش نشان خواهیم داد که ما تا چه اندازه برای رفع این عیوب و نواقص کوشیده و چه خدمت بزرگی در مقابل جامعه انجام داده‌ایم.

عقلا و دانشمندان ما، برای اصلاح اخلاق مسیحیان، خطابه‌ها و مجالس بحثی تشکیل خواهند داد و جهد بوسیله طرح مسائل و موضوعات مخصوص بتقویت نفوذ ما در روحیات آنان خواهند کوشید. و افراد عیسوی را بوسیله این وسیله بطرف افکار و معتقداتی سوق خواهند داد که ما آنها را دستور خواهیم داد.



# فصل پانزدهم

## کودتای عمومی و عالمگیر.

## حکم اعدام و تبعید.

وقتیکه کودتای عالمگیر ما در عرض یک روز در تمام دنیا صورت خواهد گرفت و کلیه دولتهای موجوده دنیا را از بین خواهد برد، ما خواهیم کوشید که کلیه فتنه‌ها و آشوبهائی را که بر علیه ما پیدا میشوند بزودی منحل سازیم، و برای اجرای این مقصود اشخاصی را که بخواهند بوسیله استعمال اسلحه از استقرار سلطنت ما جلوگیری بعمل آورند محکوم باعدام خواهیم نمود. همچنین اشخاصی که اعضای هرگونه تشکیلات سری دارای مرام و منظوری باشند بدیار مرگ فرستاده خواهند شد. ولکن اجتماعات امروزه که با اطلاع ما وجود داشته و در گذشته، در خدمات بزرگی برای ما انجام داده و حالیه نیز خدمتگزار ما هستند، ملغی گردیده و اعضای آنها بنقاط دور دست اروپا تبعید خواهند گردید.

## سرنوشت آینده فراماسونهای مسیحی.

در مورد فراماسونهای مسیحی بدینگونه عمل خواهیم کرد و آنها را به تبعیدهای ابدی محکوم خواهیم ساخت سپس قانونی وضع خواهیم نمود که بموجب آن کلیه اعضای قدیمی مجامع سری مجبور خواهند بود که از قطعه اروپا که مرکز حکومت ما خواهد بود، خارج شوند.

تصمیمات حکومت ما قطعی و غیر قابل تجدید نظر خواهد بود.

در جوامع مسیحی ما از چندی قبل باینطرف تخم نفاق و کینه و آشوب را افشانده‌ایم

پراکنده‌ایم، جز بوسیلهٔ بیرحمانه و بیباکی یک قدرت شکست‌ناپذیر و غیرقابل انعطاف، نمیتوانیم دوباره نظم و آرامش را برقرار نمود.

وظیفهٔ هر دولت فعال و مقتدر فقط استفاده از حقوق و مزایای خود نیست، بلکه او موظف است تکالیف خود را ~~نیز~~ نیز، ولو بقیمت خون هزاران نفر باشد، انجام دهد.

## اسرار قدرت.

برای اینکه دولت شکست‌ناپذیر باشد، باید پیوسته الهت و جلوهٔ قدرت خود را نمایان نماید تا برگزیده از طرف خداوند دانسته باشد. سلطنت استبدادی دولت روسیه تا این اواخر دارای این صفات و علامات بود و این دولت مقتدر با دولت پاپ، دو دشمن قوی ما بشمار میرفتند.

بخاطر بیاورید که ایتالیا در خون غوطه‌ور شد ولی یک مو هم از سبیل این خونریز یعنی سیلا[1] کم نگردید. زیرا سیلا بر جلوهٔ الوهیت کاذبی ارتقا یافته بود و هنگامیکه بایتالیا مراجعت نمود کسی جرأت بی‌احترامی هم باو نداشت. افراد هیچوقت بکسی که مجذوب او شده‌اند و از او شجاعت و جرأت و قدرت روحی دیده‌اند، مخالفت نخواهند ورزید!

## ادارهٔ مرکزی حکمای فراماسون.

ولیکن ما در اینجا از کودتای بزرگ خود، در کلیهٔ کشورها جای تشکیلات فراماسونی بوجود خواهیم آورد و تمام افرادی را ممکن است بوسیلهٔ خدمت خوب، عامل موثر برای ما واقع گردند در آنجا جمع خواهیم نمود.

1- Sylla.



لیکن سازمانها عبارت از مرکز اساسی تبلیغات ما خواهد بود و بهترین وسیلهٔ فعالیت و نفوذ ما خواهد گردید. مرکز این تشکیلات، اداره‌ای خواهد بود از اجتماع معتقدین ما و بدستیاری ما تشکیل خواهد شد.

از طرف تشکیلات فراماسونی، نمایندگانی بمرکز اعزام خواهد شد، ولی نمایندگان ما برنامهٔ عملیات آنها را تنظیم خواهند نمود. ولیکن باید دانست که کلمهٔ اسرار برنامه از طرف حکمای ما ــ که در فوق بآنها اشاره نمودیم ــ به نمایندگان مذکور تعلیم خواهد شد.

تشکیلات فراماسونی، از عناصر انقلابی و آزادیخواه بوجود خواهد آمد و از افراد و اعضای آن از کلیهٔ طبقات جامعه بجمع و سری‌ترین تصمیمات و نقشه‌های سیاسی آن از نظر ما مخفی نخواهد ماند و خود این تشکیلات نیز از نخستین روز که بیدا[ر] (خلق خواهد شد) تابع و مطیع ما خواهند بود.

کلیهٔ اعضای این جمعیت، عاملین پلیس تامین بین‌الملل ما خواهند بود. زیرا خدمتی که آنها میتوانند انجام بدهند، از عهدهٔ ما خارج است. آنها میتوانند بآسانی بر علیه متمردین تصمیمات اتخاذ نموده و نقشه‌ها و کارهای ما را از نظر پوشیده و مخفی نگاه دارند و مقدمات فتنه‌ها و نارضایتی‌ها را فراهم سازند.

اشخاصی هم در این اجتماعات سری داخل میشوند، معمولاً از افراد جاه‌طلب و ماجراجو و بیکس میباشند و بی عقل، ما با کمال سهولت و بدون هیچگونه زحمتی میتوانیم آنها را آلت ~~[illegible]~~ اجرای مقاصد و نقشه‌های خود قرار دهیم.

وقتیکه در جهان آشوب و فتنه‌ای بپا شود، رئیس و پیشوای آن انتشار، بطور حتم یکی از خدمتگزاران فداکار و باوفای ما میباشد و هیچوقت چیزها بکسی

اقدام به این قبیل کار ها می نماید.

## اهمیت شهرت عمومی.

ما در اقدامات خود، پیوسته عواقب امر و نتیجهٔ آن را در نظر میگیریم. ولی مسیحیان، برعکس، هرگز بعواقب کار های خود نظر دوربینی دقت نمی کنند و فقط بنتایج فوری و آنی دلخوش می باشند، غافل از اینکه، نقشه های آنها طرح خود و با اجرای همت گماشتن ناشیهٔ استقلال خود شان نمی باشد بلکه از طرف ما بآنان تلقین می گردد.

مسیحیان غالباً، به ثقهٔ کنجکاوی و جاه طلبی وارد اجتماعات مخفی می شوند و برخی ها بی سوتو داخل این تشکیلات می گردند تا بهتر بتوانند خیالات و تصورات واهی و غیر حقیقی خود را، فاقد هرگونه پایه و اساس عملی می باشد، در مقابل توده تشریح نمایند و مورد تمجید و تقدیر واقع گردند: ما نیز الحق منظور آنان را بطور کامل عملی می کنیم...

ما وسائل کامیابی را برای آنان فراهم می سازیم و در مقابل، از خودپسندی و غروری هم این کامیابی در آنها تولید می نماید، استفاده می کنیم: آنان تلقینات ما را، بدون ملاحظه و با دلگرمی تام، پذیرفته و آنرا عقیدهٔ شخصی خود پنداشته و در موقع بحث و مذاکره، با ایمان و اطمینان کامل از آن دفاع می نمایند و در عین حال معتقدند بر اینکه پیوسته بر عقیدهٔ شخصی خود استوار هستند و حاضر به پذیرفتن عقاید دیگران نمی باشند.

ما، بدین ترتیب، به آسانی، باهوش ترین و زبردست ترین افراد مسیحی را مسخر و از خود راضی ساخته و آنها را مانند اشخاص احمق و ساده لوح، آلت دست خود قرار میدهیم. از طرف دیگر می توانیم با کوچک ترین اقدامی، آنان را مایوس



و بیچاره نمائیم: بدین وسیله که حتی تقدیر ها و تحسین های ظاهری را متوقف ساخته، و در این اثنا، بیم وعدهٔ موفقیت جدیدی آنان را [?] و فرمانبردار خود قرار میدهیم.

همان اندازه هم «افراد و برادران یهودی ما» شهرت و موفقیت ظاهری را فدای پیشرفت مرام و اجرای نقشهٔ خود می سازند، بهمان اندازه نیز، مسیحیان حاضرند که حتی منافع شخصی و حقیقی خود را در راه کسب اشتهار و اهمیت ظاهری و بیفایده پایمال کنند. و این ضعف روحی، کار ما را برای مطیع ساختن و وادار نمودن آنها، بمراتب آسانتر می سازد.

این پلنگ نماها در واقع گوسفندانی بیش نیستند و افکار و مرام ما راجع به اهمیت حقوق و آزادی فردی و مساوات که بآنها تلقین نموده ایم، آنها را مدهوش و لایعقل ساخته و تاکنون نفهمیده اند که اجرای این اصول، تخلف صریحی از مهمترین قوانین لایتغیر طبیعی می باشد: طبیعت از نخستین روز آفرینش، کل مخلوق مساوی و یکنواخت نیافریده است. و همین امر، تفاوت سطح فکر ما و مسیحیان را بطور واضح و آشکار نمایان می سازد و ما را به پیشرفت و غلبهٔ نهائی امیدوار می نماید.

## قربانیها.

اکنون می فهمیم که حکمای گذشتهٔ ما، وقتیکه می گفتند: «در راه موفقیت و برای نیل بهدف، نباید بعدهٔ قربانیها توجه نمود...» تا چه اندازه حرف درست و متینی میزده اند.

چه بسا ما نیز عدهٔ بیشماری از مسیحیان و همچنین عدهٔ نسبتاً مختصری از افراد یهودی خود را فدای اجرای نقشهٔ خود نموده ایم و در نتیجه، قدرتی بدست آورده ایم که مسیحیان حتی تصور آنرا نیز نمی توانستند بکنند!... و علاوه بر آن [illegible] می توانیم بگوئیم که [illegible] پایمال شدن حقوق عده کمی از برادران یهودی خود، در راه نیل بمقصود بزرگی که داشتیم ترکیب

خلاص شده‌ایم.

## اعدام فراماسونها.

هر کس ناگزیر بالاخره شربت مرگ را خواهد چشید، پس چه بهتر از این که ما هر قدر زودتر بتوانیم، مرگ کسانی را که مانع از اجرای نقشه‌های ما می‌شوند، بر مرگ افراد خودمان مقدم داریم.

ما برای این وظیفه مانع عملی را اتخاذ بکنیم، از کشتن افراد فراماسون باکی نخواهیم داشت و در این مورد تردیدی بخود راه نخواهیم داد... حتی موقعیکه ما تصمیم بقتل یک چند نفر از اعضای فراماسون بگیریم، برادران همکار آنها نیز نمی‌توانند در این باره با اعتراضی بکنند، زیرا تصمیم ما حتی هرگونه اعتراض و مخالفت را از آنان سلب می‌نماید.

در عین حالیکه ما، آزادی‌خواهی و خودمختاری را در بین مسیحیان ترویج می‌کنیم، عمال و افراد خودمان را در یک حال اطاعت و فرمانبرداری محض نگاه میداریم.

## سقوط اعتبار قوانین مسیحیان.

اجرای قوانین دول مسیحی، در نتیجه دخالت و نفوذ ما متوقف مانده، و اعتبار آن قوانین روز بروز، بواسطه زیاد شدن عده آزادیخواهان و مداخله آنها در اداره امور کشور، بکاهش نهاده است.

دادگاهها در تغییر و اجرای قوانین، تحت تاثیر القائات ما قرار گرفته‌اند و ما این تلقین‌ها را طوری انجام میدهیم که مناسبت و تشریک مساعی آنها، کاملاً مخفی می‌باشد. و همچنین گاهی از روزنامه‌ها و سایر وسایل نیز برای نیل باین مقصود استفاده می‌نمائیم. و این کار را چنان با مهارت و متانت انجام میدهیم که گاهی سناتورها و قضات عالیرتبه نیز کورکورانه تحت تلقین‌ها واقع میگردند.



مسیحیان، مانند حیوانات بی‌شعور هستند که هرگز قدرت تجزیه و تحلیل قضایا را ندارند و فکر نمی‌کنند که مسائلی که ما با این ترتیب طرح و در اطراف آن بحث میکنیم بکجا منجر میشود. این تفاوت سطح فکر ما و مسیحیان، بهترین نشانه برگزیدگی ما از جانب خداوند میباشد. آنها، بطوریکه گفتیم، حیواناتی بادراکی هستند که ظواهر را می‌بینند ولکن از قدرت پیش‌بینی و ابتکار (جز در مسائل مادی) کاملاً محروم هستند. و این امر بطور آشکار ثابت می‌نماید که طبیعت نیز ما را برای فرمانروائی بر تمام دنیا انتخاب نموده و لیاقت حکمرانی بر مخلوقات دیگر را فقط در وجود ما بودیعه نهاده است.

## مشخصات قوانین آینده یهود.

هنگامیکه موقع آن خواهد رسید، که دولت عالی ما بطور آشکار و علنی زمام حکومت را بدست گیرد، در آن وقت ما کلیه مذاهب را از بین خواهیم برد و قوانین ما بسیار مختصر و واضح و سهل خواهد بود بطوریکه هر کس باسانی آنها را خواهد فهمید.

این قوانین آزادی و خودسری را بطور کلی از بین خواهد برد، و مهمترین نکته آن برقراری سختی اطاعت و انضباط کامل در افراد بود، در نتیجه، هر قسم طغیان و نافرمانی و بی‌نظمی را ریشه‌کن خواهد نمود.

## تنبیهات و کیفرها.

کارمندان دولت حق هیچگونه تعدی و سوء استفاده از قدرت خود را نخواهند داشت و در صورت ارتکاب این امور بکیفر سختی خواهند رسید.

ما، جزئیات کارهای کارمندان دولت و اولیاء امور را مورد دقت و کنجکاوی قرار خواهیم داد و مراقبت خواهیم نمود تا اقدامات آنها باعث کوچکترین بی‌نظمی در امور

اداری نکند. زیرا یک بی‌نظمی مختصری در اداره امور داخلی، ممکن است به بی‌نظمی تمام دنیا منجر شود و ما را از جهت غیر قابل تحمل دچار کند. بنابراین هر مستخدمی که در کارهای دولتی، اعمال نظر یا سوء استفاده از مقام خود نماید، شدیداً تعقیب و تنبیه خواهد شد.

از آنجا هم نافرمانی که جای قوانین، در واقع لطمه‌ای است که به ابهت و عظمت دولت‌ها وارد می‌آید، با این ملاحظه مجبور خواهیم بود که برای جلوگیری از این نافرمانی‌ها به مجازات‌های خیلی سخت و شدید متوسل گردیم و بدین وسیله ابهت و عظمت خود را محافظت نمائیم.

کسیکه بجهت تعدی و بی قانونی در امور اداری کشور، بسختی مورد مؤاخذه و تنبیه واقع گردد دیگر به هیچوجه جرأت تمرد و نافرمانی نخواهد داشت و همانطوریکه یک سرباز در میدان جنگ از اوامر مافوق خود نافرمانی [illegible] کند، او نیز از قوانین و نظامات کشور اطاعت خواهد نمود.

قضات ما خواهند دانست که در صورت ابراز کوچکترین اغماض و گذشت در محاکمه مامورین دولتی، رخنه بزرگی به قوانین و نظامات استوار دست آورند. زیرا قوانین برای تنظیم امور جامعه و جلوگیری از تعدیات مستخدمین دولتی وضع شده است، نه برای اینکه وسیله ابراز عطوفت آقایان دادرسان واقع گردد.

مهربانی و عطوفت، همانطوریکه در امور خصوصی و شخصی، مقبول و پسندیده است، بهمان اندازه نیز در امور عمومی و دولتی نکوهیده و ناپسند می‌باشد.

## حدود سن قضات.

قضات ما هیچوقت نباید سن‌شان از پنجاه و پنج سال بیشتر باشد: زیرا اولاً پیرمردان غالباً با اصرار و لجاجت، در عقیده خود پایدار بوده و حاضر بقبول اطاعت از قوانین و نظامات جدید نمی‌باشند و ثانیاً بر اثر این قاعده خواهیم توانست بزودی کسانی



را که از اوامر ما اطاعت نمی‌کنند، عزل نمائیم. و بنابراین قضاتی که بمقام و پست خود علاقمند باشند مجبور خواهند بود کورکورانه از احکام ما فرمانبرداری کنند.

بطور کلی دادرسان را از بین اشخاصی انتخاب خواهیم نمود که مطلع باشند بر اینکه وظیفه آنها ارشاد خودسری و آزادیخواهی و ابراز مهر و عطوفت در مقابل خطاکاران نیست، بلکه فقط تنبیه مجرمین و اجرای قوانین و دستورات است.

## وظایف کارمندان دولت.

این امر کلیه مامورین و کارمندان دولت را وادار خواهد نمود که بنفع دولت همکاری و تشریک مساعی نمایند.

قضات جدید، طوری تربیت خواهند شد که هیچگونه طغیان و نافرمانی را بر علیه مقررات و قوانینی که دولت برای تنظیم روابط افراد وضع می‌نماید، مشروع نشمرده، از جان و دل بحفظ احترام قوانین ما همت خواهند گماشت.

دادرسان سابق، فکر و منطق صحیحی ندارند و در مقابل هرگونه تخلف و جنایتی اغماض و عطوفت از خود نشان میدهند و علت این امر آن است که دول هنگامیکه در موقع انتخاب آنان بمشاغل قضائی، از الزام حس وظیفه‌شناسی و احترام قوانین بآنها غفلت میورزند.

همانطوریکه یک حیوان وحشی، بچه‌های خود را بجستجوی طعمه میفرستد، دول مسیحی نیز افراد رعایای خود را بر مسند مشاغل مهم میرسانند، بدون اینکه آنان را به اهمیت و عظمت آن مسند و مقام آشنا سازند: و بهمین جهت است که موثرترین عامل اضمحلال آن دول را همین مامورین و عمال آنها هستند.

ما باید از این قضایا، درس عبرت بگیریم و نتایج نیکوئی از مشاهدات خود بدست بیاوریم.

بنابراین ما باید پیوسته از آزادی و خودسری عمال و مامورین خود برحذر باشیم و فقط کسانی را برکارهای خطیر و مهم بگماریم که در تربیت حقوق آنان و برای روزهائی که در نظر داریم تربیت و تهیه شده باشند.

ممکن است بگوئید که عزل کارمندان قدیمی بضرر خزانهٔ دولت تمام خواهد شد. بچنین جواب میدهیم که اولاً ما در ابتدا، کسانی را خواهیم داشت که بجای خدمتگزاران قدیمی که از کار برکنار خواهند شد بنشانیم. و ثانیاً از آنجا که پول تمام دنیا در دست ما تمرکز یافته است، دولت ما از تحمل خرجهای گزاف باکی نخواهد داشت.

ما فقط در مواقع عفو و اغماض از خطاهایشان خواهیم [illegible] که منافع دولت ما آنرا اقتضا کند. بدین جهت در لحظهٔ بزرگ ما هیچگونه مخالفت و سر و صدائی بلند نخواهد گردید و پیوسته مورد احترام خواهد بود و اوامر ما نیز بدون کمترین وقفه‌ای بمورد اجرا گذاشته خواهد شد.

افراد ملت، حق تقاضای تجدید نظر نسبت بتصمیمات و احکام ما نخواهند داشت و ما اساساً این فکر را هم که ممکن است احکام برخلاف قانون یا غیرعادلانه از طرف قضات و مامورین صادر شود، از بین خواهیم برد ولیکن اگر خودمان متوجه شویم که حکمی برخلاف قانون صادر شده است، آن حکم را لغو خواهیم کرد و دادرسی را که بصدور آن حکم مبادرت ورزیده است، بجرم تخلف از قانون، بسختی تعقیب و مجازات خواهیم نمود.

یکبار دیگر، تکرار میکنیم. که ما برای اینکه رضا و رغبت ملت را جلب کنیم و خود را خیرخواه و خدمتگزار ایشان نشان بدهیم، در جزئیات امور دادگاهها، مامورین و عمال اداری خود دقت و مراقبت کاملی بعمل خواهیم آورد و دولت ما در واقع ~~[illegible]~~ حال قیمی را خواهد داشت که از طرف پدر برای حمایت فرزندانش منصوب میگردد.



افراد ملل خواهند دید که دولت ما مانند پدر مهربان و دلسوزی از منافع آنها حمایت کرده و احتیاجات آنها را برآورده و روابط آنها را با خویشان و همچنین با دولت، بخوبی و سادگی تنظیم میکند. در نتیجه، متوجه خواهند شد که برای داشتن زندگی آرام و توام با صلح و نظم، مجبورند که از چنین دولتی حمایت و طرفداری نمایند.

مخصوصاً وقتیکه خواهند دید که مامورین ما قدرت و اراده خود را هرگز جانشین قوانین و نظامات نمیسازند، دولت ما را با عشق و علاقهٔ مفرطی خواهند پرستید؛ و ذوق [illegible] خواهند شد از اینکه دولت شان به منافع و پرورش فرزندانشان توجه میگمارد، زندگانی آنها را مرتب و وسایل خوشی و راحتی آنها را فراهم میسازد.

آری! ملت در مقابل اسرار سیاست، حکم کودک صغیر و غیرممیزی را دارد...

بطوریکه ملاحظه مینمائید، ما اساس استبداد خودمان را بر دو پایهٔ «حق» و «تکلیف» پایدار میسازیم.

نخستین تکلیف دولت که حقوق را بروی رعایا و افراد ملت خود میداند، عبارت از دقت و مراقبت کامل در اجرای تکالیف افراد و مامورین میباشد.

حق برتری قوی

قانون برتری قوی، حقی است که دولت ما دارد و باید آنرا برای برقراری و حمایت انتظامی که طبیعت بوجود آورده است بکار ببرد.

در دنیا هر کسی مجبور است از مافوق و قویتر از خود اطاعت بکند و اگر این اطاعت در مقابل شخصی نباشد، ناچار در مقابل طبیعت خواهد بود. بنابراین بهتر است [illegible] کلیهٔ افراد و ملتها مردم [illegible] باشیم.

ما برای کشتن و از بین بردن افرادیکه با قوانین و اوامر ما مخالفت میورزند هیچگونه

تردید بخود راه نخواهیم داد. زیرا برای تربیت مردم، استفاده ای را از تبلیغات بکند و نشریه
می‌توان نمود، از هیچ وسیلهٔ دیگری عاید نمی‌گردد.

وقتیکه پادشاه یهود، تاج رام اروپا به پیشگاهش تقدیم میدارد، بر سر مقدس خود
خواهد گذاشت، در آن واحد پدر و پادشاه و رئیس روحانی تمام دنیا خواهد بود.

حکم اعدام یا کشتار رسمی لازم و ضروری، که وی برای پیشرفت کار و اجرای نقشهٔ
خود صادر خواهد نمود، هرگز باندازهٔ جنایاتی که مسیحیان در طول قرون متمادی مرتکب گردیده اند
نخواهد بود.

پادشاه ما دائماً با ملت مربوط و نزدیک بوده و نطقهای خواهد نمود در تمام دنیا منتشر
شده مورد تحسین قرار خواهد گرفت.



# فصل شانزدهم

## اصلاح اوضاع جهان بوسیلهٔ آموزش و پرورش.

برای اینکه بآسانی بتوانیم کلیهٔ قوای اجتماعی را منهدم ساخته، قدرت خود را جانشین
آنها قرار دهیم، دانشگاههای موجود را که نخستین مرحلهٔ اجتماع را تشکیل میدهند از بین خواهیم
برد و بجای آنها دانشگاههای دیگری مطابق میل و نقشهٔ خود تأسیس خواهیم نمود. رؤسا و استادان
دانشگاههای جدید، اشخاصی خواهند بود بطور مخفی مطابق برنامه‌های سری مخصوص تربیت شده
و برای آموزش تهیه گردیده اند. این اشخاص در نتیجه پرورشی را که دیده اند، پیوسته
مطیع ارادهٔ ما خواهند بود و از اوامر ما سرپیچی نخواهند نمود. علاوه برای استادان و رؤسای
این دانشگاه تابع مقررات خاص و دارای استقلالی نخواهند بود.

دانشجویان بطور کلی، از تحصیل علم حقوق و سیاسی محروم خواهند بود و فقط عدهٔ
معدودی در حدود ده نفر، حق تحصیل این موضوعات را در دانشکده‌های عالی مخصوص خواهند داشت.

جوانان بی‌تجربه‌ای را از این دانشکده‌ها بیرون خواهند آمد، حق نخواهند داشت در موضوعات
مربوط به ادارهٔ امور کشور دخالت نموده و پیشنهادهای تازه‌ای در سیاست طرح کنند و مانند سیاسیان
بمسائلی که پدران و اجداد شان هم از درک آنها عاجز بوده اند بپردازند.

## اعلان قدرت دولت در آموزشگاهها.

هنگامیکه قدرت کافی در دست خواهیم داشت، جوانان را از تحصیل موضوعاتی که صحیح

شورش و نافرمانی را در آنان تهییج می‌کند، محروم خواهیم نمود و آنان را از بچگی به اطاعت از قوانین و نظامات حکومت عادت داده و به آنها تلقین خواهیم کرد که پیوسته حکومت را پشتیبان صلح و نظم و آرامش اجتماعی بشناسند و از ته دل حرمت و فداکار او باشند.

بجای درسهای قدیمی و تاریخ روزگار گذشته که جز خاطره‌های تلخ و سرمشقهای ناپسند را حاوی نمی‌باشد، برنامه‌های مربوط به زندگانی آینده را تدریس خواهیم نمود.

آنگاه حوادث قرون گذشته را از خاطره افراد محو ساخته، از تاریخ فقط قسمتهائی را باقی خواهیم گذاشت که عیوب و نواقص حکام مسیحی را فاش نموده و کارهای ناپسندی که آنان بطور پوشیده از نظر جامعه انجام داده‌اند، واضح و آشکار می‌سازد.

موضوعات اساسی برنامه تحصیل عبارت خواهد بود از مسائل مربوط به نظم اجتماعی طبیعی، روابط افراد با یکدیگر، لزوم اجتناب از خودپسندی و سایر موضوعات تربیتی امثال اینها.

افراد هر یک از طبقات اجتماعی، برحسب وظایفی که در جامعه دارند، تربیت مخصوصی خواهند دید و هر دسته تربیت معینی نیز خواهند داشت.

اشخاص جدی و باهوش پیوسته میخواهند از مرتبه خود بالاتر رفته و جزو طبقه مافوق قرار گیرند ولکن باید دانست که اگر با اشخاص بی‌لیاقت اجازه استفاده از این حق داده شود و شغلی را که اداره آن مستلزم داشتن استعداد و تربیت مخصوص است، بهر شخص نالایقی واگذار نمائیم، بدون تردید ما نیز بسرنوشت مسیحیان دچار خواهیم شد.

برای اینکه حکومت ما در تمام کشور حکومت مقام و منزلت خوب و شایسته‌ای در نظر افراد کسب داشته باشد، در کلیه آموزشگاهها و میدانهای عمومی بوسیله ناطقین و سخنگویان زبردست، افراد را بلزوم و اهمیت وی آشنا خواهیم ساخت وظایفی



را که برای تأمین رفاه و آسایش ملت انجام میدهند، با آنها گوشزد خواهیم نمود.

## منع آزادی تعلیمات.

ما هرگونه تعلیمات آزاد را ممنوع خواهیم ساخت ولکن دانش‌آموزان حق خواهند داشت که با پدر و مادر خود در مجامع مخصوصی که از طرف آموزشگاهها تأسیس می‌شود حاضر شوند، در روزهای جشن، استادان و معلمین در این اجتماعات بطور ظاهر آزاد ولکن در معنی طبق دستورهائی که از ما خواهند گرفت به سخنرانی خواهند پرداخت و در چنین صحبتهائی خود از روابط افراد با همدیگر، مضرات حاصله از رقابتهای آزاد و نامحدود، فلسفه نظریات و برنامه‌های جدید، و سایر موضوعات امثال اینها، بحث خواهند نمود.

این نظریات، اصول اساسی تبلیغات ما خواهد بود و بوسیله آنها افراد را معتقد بوجود حکومت خود خواهیم نمود.

تجربه با نشان داده که زندگانی افراد بدست افکار و عقایدی سپرده شده که در طی سنین متوالی بتوسط تعلیم و تربیت به آنها تلقین گشته است. بنابراین ما نیز می‌توانیم تعلیم و تربیت را مورد استفاده خود قرار بدهیم و بوسیله آن، افکار و اندیشه‌های مخصوص بافراد تلقین نمائیم و پس از مدت مختصری تمام حرکات و زندگانی آنها را تابع میل و اراده خود سازیم.

## آموزش بوسیله اشکال و تصاویر

در سیستم تعلیم و تربیت بوسیله اشکال و تصاویر (1)، هنر روش جلوگیری از تفکر و تعقل بقوت خود باقی است. این سیستم مسیحیان را بحیوانات بی‌شعوری تبدیل نموده و قدرت تفکر را از دست داده‌اند و برای فهم و درک هر چیزی منتظرند تا شکل و تصویر آنرا نشانشان کنند.

---

1- Enseignement par l'image.

یکی از بزرگترین عمال ما «لئون بورژوا»[۱] سیستم جدید تعلیم و تربیت اطفال دهقانان را در فرانسه بوجود آورده است.

# فصل هفدهم

## وکالت در دادگستری.

وکلای مدافع، غالباً اشخاص حقه‌باز دروغگو و جاه‌طلب و لجوج بوده، می‌خواهند دائماً در موضوعات قانونی صحبت و مذاکره نمایند.

در مدافعات خود، بمنافع اجتماعی و عمومی کمترین توجهی ندارند و بالطبع از دفاع هیچ مجرم خیانتکاری مضایقه و خودداری نمی‌کنند. و پیوسته در فکر تحصیل پول بوده و برای پیروزی در دفاع از موکل خود، بهر وسیله‌ای مشروع یا نامشروع توسل می‌جویند و در نتیجه، دادگاه را از قلمرو مبانی احقاق حق خارج می‌سازند.

بدین جهت، ما خواهیم کوشید دایرهٔ وکالت را حتی‌الامکان تنگتر سازیم و وکلا را از اشخاص با بیان و قوهٔ مجربه انتخاب نمائیم و به آنها اجازه نخواهیم داد که با اصحاب دعوی مربوط باشند و از آنان راجع بجزئیات دعوی کسب اطلاع نمایند، بلکه وکیل فقط حق خواهد داشت

---

۱- «Leon Bourgeois» در سال ۱۸۵۱ در پاریس متولد شد، چندین بار بمقام وزارت و ریاست مجلس شورای نائل گردید و کتابی در فلسفهٔ اجتماعی بنام «Solidarité» تألیف نمود. لئون بورژوا عقیده داشت که باید نیروی نظامی بزرگی در اختیار جامعه ملل گذاشته شود تا هم مجری تصمیمات آن، یعنی منظورهای بهبود دنیا اقدام کند. خوشبختانه این نظریه عملی نشد و نیروی نظامی بین‌الملل صورت حقیقت بخود نگرفت. (رجوع شود بکتاب «لئون بورژوا» در مدرسه علوم سیاسی پاریس) مترجم



که مذاکرات دادگاه را راجع بموضوع دعوی بدست آورده، پس از تجزیه آنها و دقت کامل در اسناد قضائی، قضیه را کاملاً واضح و روشن ساخته، و با اجازهٔ دادگاه از موکل خود دفاع نماید. بدین ترتیب محرک وکیل برای دفاع، بجای پول و منافع شخصی، ایمان و اعتقاد بحقانیت موکل خواهد بود و در نتیجه، دفاع بصورت کاملاً آبرومند و بیطرفی خواهد داشت. علاوه براین، وکیل نیز مجبور نخواهد بود بهر وسیله باشد دعوی را بنفع موکل خود — در مقابل مبلغ هنگفتی که بعنوان حق‌الوکاله دریافت داشته است — خاتمه دهد.

## نفوذ کشیشها.

کشیشها و روحانیون مسیحی، نفوذ فوق‌العاده‌ای در توده دارند و می‌توانند بآسانی جامعه را برعلیه ما برانگیخته، و از اجرای نقشه‌های ما جلوگیری بعمل آورند. باین جهت ما نیز دقیقه‌ای از آنها غافل نبوده‌ایم و پیوسته برای بهم زدن کلیهٔ تشکیلاتشان کوشیده‌ایم.

امروز، آزادی مذهب در تمام نقاط دنیا رواج یافته است و باین جهت می‌توانیم بگوئیم که تا چند سال دیگر موفق خواهیم شد مذهب مسیح را بکلی از بین ببریم و در عین حال از مذاهب دیگر نیز غافل نبوده‌ایم ولکن، هنوز موقع صحبت در اطراف آنها نرسیده است. ما، روحانیان و اولیای کلیسای مسیحی را چنان در مضیقه و فشار گذاشته و از نفوذ آنها جلوگیری بعمل خواهیم آورد که در نتیجه، اهمیت و نفوذ آنها نسبت بزمان سابق، تقریباً بصفر خواهد رسید.

تنها وقتیکه موقع منحل و متلاشی ساختن دربار پاپ فرا خواهد رسید، انگشت

که دولت غیر یهودی نیز آنرا بتوده‌ها نشان خواهد داد و وقتیکه افراد با خشم و غضبی وصف ناپذیر بر سر آنان ریخته، بواژگون نمودن آن خواهند پرداخت، در آن موقع، ما برای ممانعت از خونریزی، بصورت مدافعین در بار پاپ ظاهر خواهیم شد...

بدین ترتیب داخل دربار پاپ خواهیم گردید و تا آنرا کاملاً محو و نابود ننمائیم بیرون نخواهیم آمد.

پادشاه یهودیان، پاپ حقیقی تمام دنیا و رئیس کلیسای بین‌المللی خواهد شد.

## وسائل مبارزه با کلیسا.

ولی مادام که ما، افکار جوانان را بعقاید و معتقدات تازه، و پس با اصول مخصوص خود عادت نداده‌ایم نخواهیم توانست بطور آزادانه بکلیسای مسیحیان متعرض گردیم، بلکه فقط بوسیلهٔ انتقادها و مباحثات مخصوص، با آنها مبارزه خواهیم کرد.

بطور کلی، مطبوعات معاصر ما پرده از روی اعمال زشت حکومت و مذاهب برداشته و به اثبات عدم اهلیت و لیاقت مسیحیان و استعداد و نبوغ ما خواهد پرداخت.

## سازمانهای پلیسی.

ما بدون یاری پلیس رسمی، کارهائی انجام خواهیم داد و از اسرار مطلع خواهیم شد که حال مسیحیان بکلی از آنها غافل هستند. بموجب برنامهٔ ما، ثلث افراد ما مراقب افراد دیگر خواهند بود و بدین ترتیب برای اطلاع یافتن بر اسرار مردم، بدولت یاری خواهند نمود. آن موقع، دیگر، جاسوسی کار پستی و موهونی شمرده نخواهد شد و برعکس شغل مهم و شرافتمندی بشمار خواهد رفت. ولیکن اشخاصی که از شغل و سمت خود سوء استفاده نموده و اخبار غیر صحیح و غرض آلودی بدولت بدهند، بسختی تعقیب و تنبیه خواهند شد.



عمال و مامورین ما، که از میان طبقات مختلف جامعه انتخاب خواهند شد، بدون هیچگونه [illegible] و آزادی موظف خواهند بود با رعایت قوانین و دستورهای مخصوص، مراقب حال اشخاص بوده و شرح حالات خود را بدولت گزارش دهند.

برای اینکه اطمینان کامل بتجربه و گزارشهای مامورین فوق‌الذکر داشته باشیم، تشکیلاتی را ایجاد، و بازرسی آنها خواهیم نمود. جاسوسان نیز دیگر حق دستگیر نمودن اشخاص را نخواهند داشت و حبس و دستگیر نمودن متهمین فقط بتوسط ژاندارمها و پلیسهای شهری صورت خواهد گرفت.

هرگاه یکی از جاسوسها، چیزی دیده یا شنیده ولی دولت را از آن مطلع نساخته باشد، شریک جرم یا مخفی کنندهٔ آن شناخته گشته و بنوبت تعقیب و مجازات خواهد شد.

همانطوریکه امروز، برادران یهودی ما، مجبور و مکلفند برانیکه هرگاه متوجه گردند که کسی از همکیشان آنها مرتد گردیده و یا اقدامی بر علیه منافع مشترک یهودیان و کنیسه نموده است، آنرا بجمعیت خود اطلاع دهند، بهمان ترتیب در حکومت عالمگیر بین‌المللی ما نیز افراد وظیفهٔ خدمت بدولت خود را خواهند داشت. و هر دسیسه و مخالفتی بر علیه حکومت کشف کنند، بمقامات مربوطه اطلاع خواهند داد. در آن موقع، تشکیلات مخصوص ما، کلیهٔ تعدیات و فسادهائی که ما برای ضعیف ساختن و از بین بردن مسیحیان، در میان آنها ترویج نموده‌ایم، از بین خواهد برد...

مهمترین وسیله، برای از بین بردن علل بی‌نظمی در جامعه مسیحیان عبارت خواهد بود از عمال و مامورین ما که وظیفهٔ منحصر بفرد آنها برقرار ساختن نظم و آرامش می‌باشد.

# فصل هیجدهم

## اقدامات تأمینی.

وقتیکه ما برای ~~حکومت~~ پیشرفت کار خود به مأمورین امنیتی نیازمند باشیم، احتیاج خود را بدین ترتیب رفع خواهیم نمود: که ابتدا اغتشاش و بی نظمی در جامعه تولید کرده، تا طبقهٔ روزنامه نگاران را وادار خواهیم ساخت تا فریادهای ناله و شکایت برآورند. در این موقع عده‌ای از عمال و مأمورین ما هم دست ما جزو مأمورین امنیتی میباشند ـ که موظف به برقرار ساختن نظم و آرامش میباشند، در آمده و با دقت فوق العاده‌ای مشغول بازرسی و مراقبت کامل خواهند گردید.

تجربه بما ثابت نموده که اغلب کسانیکه بر علیه حکومت قیام کرده، و مخالفت بروز داده‌اند، اشخاصی هستند که شهوت بزرگی یا میل تسلط بر آنها را باین کار وادار می‌نماید. بدین جهت وقتیکه ما از ظهور چنین اشخاصی اطلاع پیدا کردیم، بزودی به منکوب نمودن آنها نمی‌پردازیم، بلکه مدتی بحال خودشان می‌گذاریم و در این اثنا فقط به مراقبت دقیق آنها اکتفا می‌نمائیم.

این نکته را نیز نباید فراموش کرد که هرگاه حکومتی فتنه‌ها و دسیسه‌های زیادی را خفه کردن نماید، این امر دلیل بر قلت اعتبار و نفوذ آن حکومت است: زیرا از طرفی ناتوانی این اقدام وی را اعترافی بر ضعف خود محسوب داشت و از طرف دیگر دلیل بزرگی بر غیر عادلانه قوانین و نظامات و ناراضی بودن جامعه می‌باشد.

بطوریکه در فصلهای قبل گفته‌ایم، ما اعتبار و قدرت سلاطین حکمفرمای مسیحی را که بواسطهٔ سوء قصدها و حمله‌های مکرری که از طرف عمال ما بر علیه آنها بعمل آمده است از بین برده‌ایم و هنوز هم خواهیم کوشید که آنها را وادار کنیم تا بوسیله اخذ تضییقات امنیتی بر علیه ضعف اعتبار خود اعتراف صریح نمایند...



## نگهبانان مخفی.

محافظت حکومت ما توسط نگهبانان کاملاً مخفی و نامرئی بعمل خواهد آمد، زیرا ما نمی‌توانیم حتی این تصور را قبول بکنیم که ممکن است یک دستهٔ مخالفی بر علیه ما وجود داشته باشد، که حکومت ما از مبارزه با آن دسته عاجز بوده و خود را از نظر ~~ایشان~~ آن مخفی سازد. اگر ما این فکر را بپذیریم ـ چنانکه مسیحیان تا حال آنرا پذیرفته‌اند ـ در واقع حکم اعدام پادشاه خود یا لااقل حکم اضمحلال خاندان و سلسلهٔ وی را امضا نموده‌ایم.

حکومت ما برحسب ظاهر، کلیهٔ قوای خود را صرف آسایش جامعه خواهد کرد و بهیچوجه بر نفع شخص سلطان یا سلسله و خاندان وی از اموال و قوای حکومتی استفاده نخواهد نمود، و بدین جهت پیوسته مورد پرستش و احترام ملت واقع خواهد گردید و کلیهٔ افراد رعیت، وی را تنها حامی امن و آسایش خود خواهند پنداشت. پادشاهی که آشکارا بواسطهٔ نگهبانان و قراول به محافظت خود می‌کوشد در حقیقت اعتراف صریحی بر ضعف قدرت حکومت خود می‌نماید.

وقتیکه پادشاه ما وارد اجتماعات مردم خواهد گردید، همیشه عده‌ای مرد و زن که ظاهراً برحسب اتفاق در صف اول حلقه‌ای دور پادشاه را احاطه می‌نمایند، و قرار گرفته‌اند، بین پادشاه و توده حائل خواهند شد و چنین وانمود خواهند کرد که برای احترام مقام پادشاه از نزدیک شدن افراد جلوگیری بعمل می‌آورند.

هرگاه کسی بخواهد عریضه‌ای به پادشاه تقدیم کند، اشخاصی که در صف اول ایستاده‌اند عریضه را خواهند گرفت و در پیش چشم صاحب تقاضا، آنرا به پادشاه ~~تقدیم~~ خواهند رسانید: این امر حاکی از این خواهد بود که تقاضا کننده بمقصود خود میرسد و پادشاه نیز حاضر بپذیرفتن تقاضاهای افراد می‌باشد.

برای اینکه اهمیت و اعتبار دولت همیشه بعظمت خود باقی باشد، باید پرونده کاری بکند که افراد جامعه پیوسته بگویند: «اگر پرونده میدانست ....» یا «پرونده مطلع خواهد شد....»
تأسیس و برقرار ساختن گارد رسمی برای نگهبانی پرونده، عظمت و اعتبار رمز دولت را از بین خواهد برد و کسی که ریاست نگهبانی پرونده را خواهد داشت، خود را صاحب اقتدار واقعی دولت خواهد پنداشت و اشخاص ماجراجو نیز، تا کوچکترین فرصتی بدست آورند، آن قدرت را مورد حمله و تعرض قرار خواهند داد.

## توقیف متهمین

ما در مقابل مجرمین سیاسی، هیچگونه رحمت و عطوفتی نشان نخواهیم داد و کسی باید مورد سوء ظن قرار گیرد — اعم از اینکه تقصیر یا گناهش ثابت باشد یا نه — فوراً توقیف خواهیم نمود. زیرا ترس از ارتکاب اشتباه نباید باعث آن گردد که ما برای مجرمین فرصت فرار بدهیم.
حتی اگر قرار براین باشد که در علل وقوع جرائم عادی دقت و کنجکاوی نمائیم، درباره جرائم سیاسی این عمل هیچ موردی نخواهد داشت و بهیچوجه نمیتوان کسی را که در مسائل مربوط بحقوق و تکالیف دولت دخالت نموده است مورد عفو و بخشش قرار داد.
در خاتمه ناگفته نماند که هنوز هم دولتهائی وجود دارند که بعض حقیقی سیاست پی نبرده اند...



# فصل نوزدهم

## حق تقدیم تقاضا و پیشنهاد بدولت.

چنانکه در فصول پیش گفته ایم، بافراد اجازه نخواهیم داد بطور مستقیم در امور سیاسی دخالت نمایند. ولکن آنها را در تسلیم هرگونه تقاضا و یا پیشنهادی بدولت، با صلاح اوضاع اجتماعی جامعه مربوط باشد، آزاد و مختار خواهیم گذاشت.
زیرا این امر ما را از اشتباهات و تمایلات جامعه آگاه و مطلع خواهد ساخت.
بتقاضاها و پیشنهادهائیکه قابل انجام بوده و بنفع و صلاح ملت باشد ترتیب اثر خواهیم داد و تقاضاهای بیمورد را بطور عملی رد خواهیم نمود.

## احزاب مخالف

احزابیکه با نقشه دولت مخالفت میورزند، درست مثل سگهای کوچکی هستند که در برابر فیل بزرگی عوعو می نمایند. آری!.. اگر روحیه این دسته ها در مقابل دولتی که، نه تنها از نظر پلیسی بلکه، از لحاظ اجتماعی دارای تشکیلات صحیح و منظمی میباشد، درست حکم داد و فریاد سگهای کوچک را در مقابل فیل دارد. زیرا که آنها بهیچوجه از مقام و ارزش خود، در مقابل حریف، اطلاعی ندارند.
برای اینکه این سگهای کوچک، صدای خود را قطع نموده و بدم جنبانیدن شروع کنند، فقط کافی است که آنها را بمقام و منزلت خود آشنا سازیم. برای اجرای این منظور، یعنی برای اینکه اهمیت و اعتبار مجرمین سیاسی را از بین ببریم. آنها را در زندانها

و توقیفگاه‌ها، در ردیف سایر مجرمین - از قبیل دزدان و آدم‌کشان - جای خواهیم داد. زیرا در این صورت عقیده و نظر عمومی دچار اشتباه گردیده و جامعه به گنهکاران سیاسی با همان چشم خواهد نگریست که به کلاهبرداران و جنایتکاران می‌نگرد.

ما می‌کوشیم تا سیاسیان را مانع شویم از اینکه بر علیه احزاب یا دسته‌های مخالف به مبارزه بپردازند و بدین منظور، در مطبوعات، در خطابه‌های عمومی، در تواریخ، شهادت‌ها و جانفشانی‌ها و مصائبی را که اعضاء احزاب سیاسی در راه اجرای مرام و احترام به عقیدهٔ خود متحمل شده‌اند، با آب و تاب فراوان اعلان نموده‌ایم و این اعلان‌ها باعث ازدیاد تحمل و تقویت روح فداکاری آزادیخواهان گردیده و میلیون‌ها عیسوی را در ردیف گله‌های فدائی ما قرار داده است.



# فصل بیستم

## برنامهٔ مالیاتی

مسئلهٔ مالیات یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مواد برنامهٔ ماست و به این جهت ما آن را نگاه داشتیم تا بعد از شرح مباحث دیگر، مورد صحبت قرار دهیم. و اینک در این فصل به بحث در اطراف آن می‌پردازیم.

قبل از شروع به اصل موضوع، به خاطر بیاوریم که در ضمن فصول گذشته، به طور اشاره، گوشزد نموده‌ایم که مسائل عمدهٔ ما روی هم رفته به وسیلهٔ اعداد حل خواهند شد.

وقتی که حکومت عالی ما زمام امور را به دست خواهد گرفت، برای اینکه بهتر بتواند رضا و رغبت جامعه را به طرف خود جلب نماید، شفقت پدر و حامی ملت نشان دهد، مالیات سنگینی به افراد تحمیل نخواهد کرد. ولیکن از آنجا که تشکیلات حکومتی مستلزم مخارج زیادی است، فقط برای تهیهٔ این هزینه مالیات مناسبی از افراد گرفته خواهد شد.

پادشاه ما، حق مالکیت بر کلیهٔ اموال و دارائی افراد را خواهد داشت و هر گاه ضبط اموالی را برای براه انداختن چرخ‌های اقتصادیات کشور ضروری بداند، فوراً به ضبط آن اقدام خواهد نمود.

## مالیات تصاعدی.

مالیات نسبت به دارائی افراد و به طور تصاعدی برقرار خواهد شد. اشخاص ثروتمند مجبور خواهند بود مقداری از ثروت و دارائی خود را در اختیار حکومت بگذارند، تا در مقابل، حکومت نیز حفظ و بقای ثروت آنها را ضمانت کند و از هر گونه غارت و تاراج محفوظ نماید.

مالیات بر فقرا و تنگدستان تحمیل خواهد شد، خیلی سبک و مختصر خواهد بود، زیرا اغنیا نباید بیش از آنچه که... مالیات سنگین، فقرا را بر علیه دولت بشورش واداشته و اساس اقتصاد و قدرت دولت را از بین می برد.

امروز، ما برای ضعیف ساختن و از بین بردن قدرت دولتهای مسیحی، ثروت را در دست اشخاص معدودی تمرکز داده ایم ولیکن در دورهٔ حکومت دولت خودمان، مالیات سنگینی بر ثروتمندان تحمیل خواهیم نمود، تا در نتیجه از تمرکز کلیهٔ ثروت در دست چند نفر باید از جلوگیری بعمل آید.

بهترین اقسام مالیات که احتیاج دولت را از هر حیث تأمین می نماید، مالیات تصاعدی است. مالیات ثابت، برعکس، جز تولید اغتشاش و عدم رضایت در جامعه، نتیجه ای ندارد و بهمین جهت ما نیز برای استفاده های آتی خودمان، آن را در دولتهای مسیحی ترویج نموده ایم.

اساس قدرت پادشاه ما بر روی پایهٔ سیاست موازنه و حفظ صلح بین المللی متکی خواهد بود.

ثروتمندان باید برای براه انداختن چرخهای ماشین حکومت، مقداری از ثروت خود را تقدیم دولت نمایند، زیرا مخارج دولت باید از اشخاصی گرفته شود که برای دادن آن، متحمل زحمت زیادی نشوند.

اجرای این نقشه، کینه و خصومت رنجبران و کارگران را نسبت بطبقات ثروتمند بکلی از بین خواهد برد.

برای اینکه اشخاص دقیق و باهوش، مالیات را بدون نگرانی و با کمال آسانی بپردازند، حساب کلیهٔ درآمد و مخارج دولت — باستثنای مخارج دربار پادشاهی — تنظیم و اعلان خواهد شد. پادشاه هیچگونه اموال و ملک شخصی نخواهد داشت، زیرا چنانکه در ابتدای



این بحث گفتیم، وی حق مالکیت بر کلیهٔ اموال و دارائی افراد ملت خود داشته و بدیهی است که داشتن اموال شخصی، مخالف با مالک بودن دارائی کلیهٔ افراد کشور خواهد بود.

اقوام و اقربای پادشاه — باستثنای جانشین او ولیعهد که مخارج او از درآمد دولت تأمین خواهد شد — مجبور خواهند بود جزو مستخدمین دولت داخل شوند و یا بکارهای دیگر اشتغال ورزند تا از این راه مخارج زندگی خود را تأمین نمایند. زیرا وابستگان پادشاه نباید حق تاراج نمودن خزینهٔ دولت را داشته باشند.

برای خرید و فروش یا انتقال اموال بوسیلهٔ ارث، مالیات تصاعدی مخصوص مقرر خواهد گردید و هرگاه طرفین، بدون پرداخت مالیات معین، بمعامله اقدام نمایند، جریمه ای معادل ۲۰ درصد از فروشنده گرفته خواهد شد.

صورت کلیهٔ معاملاتیکه در عرض هر هفته انجام میگردد، باید با تعیین نوع معامله، اسم و نام خانوادهٔ طرفین و اقامتگاه آنها، باداره خزانه داری مرتباً گزارش داده شود.

از درآمد دولت، مبلغ معینی بخزینهٔ سیاست دولت تخصیص داده خواهد شد و از آن برای کارهای عام المنفعه مصرف شده و بدینوسیله جریان اقتصادی داخلی خواهد گردید.

این عمل، رضایت تودهٔ کارگر و رنجبر را جلب خواهد نمود و آنان را خدمتگزار دولت خواهد ساخت.

قسمت معینی از درآمد دولت نیز بعنوان جایزه و پاداش، باشخاصی که در راه ترقی و پیشرفت امور اقتصادی کشور، خدمات بزرگی انجام داده اند، داده خواهد شد.

باستثنای مبالغی که بموجب قانون و بعنوان مالیات وصول میشود، هیچگونه پولی نباید از افراد گرفته شود، زیرا این امر باعث رکود پول خواهد گردید و بازار اقتصادی را دچار تشنج و وقفه خواهد نمود.

ما دیوان محاسبات منظمی خواهیم داشت و بدینوسیله خواهیم توانست هر موقع که بخواهیم، حساب ترتیب کلیهٔ درآمد و مخارج دولت را در آنجا ملاحظه و رسیدگی نمائیم.

متأسفانه در خالی شدن و بغارت رفتن خزینهٔ دولت ذینفع نیست. صاحب آن خزانه بغیر خود دولت [illegible] شده. بهمین جهت، دولت بهترین بازرسی است که میتواند از حیف و میل شدن عایدات کشور جلوگیری بعمل آورد.

جشن‌ها و مجالس پذیرائی که بهترین اوقات دولت را تلف میکند حذف خواهند شد تا دولت وقت کافی برای بازرسی و تفکر و تدبیر داشته باشد. و با این روش قدرتش دیگر در معرض تهدید سوگلی‌هائیکه در پیرامون تخت و تاج سلطنت پراکنده‌اند، نخواهد بود و کسانیکه خط سانسور خود را در نظر دارند دیگر نخواهند توانست روش حکومت ما را منحرف سازند.

## جریان پول.

ما برای اینکه پول کشورهای مسیحی را از جریان خارج کنیم، بحرانهای اقتصادی بوجود آوردیم. در نتیجهٔ بحران، سرمایه‌های بزرگ را که همه وجوه نقد [illegible] را از برای تأمین مخارج ضروری کشور [illegible] متقرض میشوند. قرض‌های مخارج دولت را بالا میبرد و مقدار زیادی از درآمد دولت را برای اقساط قرضش از کشور بیرون میبرد.

تمرکز صنعت در دست سرمایه‌داران، کارخانجات کوچک را از بین برده و قدرت ملت و دولت را بخود جذب مینماید.

مقدار پولی که فعلاً در جریان است، برای مخارج عمومی مخصوصاً برای تأمین احتیاجات کارگران کافی نیست و در هر کشوری مبلغ آن باید با افزایش نسبی افراد ملت رو بازدیاد گذارد، حتی کودکان را هم باید در این مورد در نظر گرفت و با افزایش هر یک از آنها نیز بمبلغ پول جاری اضافه نمود، زیرا اطفال نیز از نخستین روز تولد احتیاجاتی دارند که برای رفع آنها پول لازم است.



که از مهمترین مسائل اقتصادی دنیای کنونی، تجدید نظر در ضرب سکه‌ها میباشد. چنانکه میدانید، مبادلهٔ طلا برای دولتهائیکه آنرا قبول نمودند بسیار خطرناک واقع گردید. زیرا بهیچوجه قادر نشدند جای طلائی را که ما از جریان خارج ساختیم، پر کنند.

## پول جدید

ما باید پول جدید کاغذی یا چوبی اختراع کنیم که بهای آن روی کار رفته شده و مقدار آن نیز در جریان، متناسب با احتیاجات افراد جامعه نگاهداریم و برای هر کودکی که متولد میشود مقدار معینی بمبلغ پول افزوده و در مقابل هر فردی هم که میمیرد بنسبت معینی کسر نمائیم.

برای اینکه تأمین احتیاجات کشور و افراد، دچار وقفه و تأخیر نگردد، هر ایالت و ولایتی موظف خواهد گردید حساب پول مورد نیاز خود را نگاه دارد و مقدار و تاریخ نشر آن نیز بوسیلهٔ دولت تعیین و تثبیت خواهد گردید. در نتیجه برای تنظیم حساب پولهای جاری احتیاجی ببانک و وزیر دارائی نخواهد بود.

ما پیشنهادهای خود را دربارهٔ رفورم پول و سایر عوامل اقتصادی بطوری بمعرض نمایش خواهیم گذاشت که بهیچوجه باعث وحشت و اضطراب کسی نخواهد شد. و ضمناً لزوم و وجوب این رفورم را برای از بین بردن بی‌نظمی‌ها و اغتشاشاتی که در کشورهای مسیحی حکمفرما میباشد، بتوده گوشزد خواهیم نمود.

## بودجه

بنظر ما که دول مسیحی از اینجا شروع میشود هر یک از آن دولتها ابتدا بودجهٔ معمولی را تقریب میرسانند و تا نیمهٔ سال آنرا تمام میکنند، سپس اصلاح بودجهای تقاضا مینمایند و آنرا نیز در عرض سه ماه با ولخرجی و اسراف از بین میبرند، بالاخره یک بودجهٔ تکمیلی نیز بر آن میافزایند و مجموع کلیهٔ این بودجه‌ها، بودجهٔ عمومی را تشکیل میدهد... بودجهٔ سال بعد، چون از روی

بودجه سال قبل پیش بینی میشود، بدین جهت رفته رفته رو به افزایش میگذارد و بدین ترتیب در عرض ده سال درست سه برابر میشود و در نتیجه کیسه دولت بزودی خالی میگردد. و دولت بعد از آن برای تأمین مخارج کشور مجبور باستقراض میشود و قرضهای کمرشکن، در یک کمی وی را به ورشکستگی و افلاس سوق میدهد.

## قرض دولتی.

هر قرض تنهائی برای اثبات ضعف دولت کافی میباشد. زیرا که دولت وقتیکه نتواند مخارج کشور را از محل مالیاتها که از افراد ملت وصول میکند، تأمین نماید، ناچار دست استقراض بسوی بانکها دراز خواهد کرد. و قرضهای خارجی مانند زالوهائی هستند که بجان دولت افتاده و دست بردار نمیشوند مگر موقعیکه بخودی خود بی حس گردیده بیفتند، یا اینکه دولت بتواند آنها را کاملاً از بین ببرد.

ولکن دول مسیحی هرگز بفکر جدا نمودن آنها از پیکر خود نیفتاده و خود را آنقدر بآنها نزدیک میکنند، تا در نتیجه این خونگیری اختیاری تلف میشوند.

قرضهای خارجی، مقدار زیادی از دارائی ملت را از کشور خارج میکند و بکیسه بیگانگان میریزد. مثلاً دولتی که مبلغی با تنزیل پنج درصد برای بیست سال قرض میگیرد، فرعی که در عرض این بیست سال میپردازد، درست مساوی با مبلغ اصلی قرض خواهد بود. حالا اگر مدت قرض ۴۰ سال باشد، فرع آن دو برابر اصل و اگر ۶۰ سال باشد، فرع به سه برابر اصل خواهد رسید.

بطوریکه ملاحظه میشود، با این طریق کلیه درآمد مختصر رنجبران ~~[illegible]~~ بیچارگان کشور، بجیب توانگران و سرمایه داران کشورهای بیگانه ریخته خواهد شد.

تا موقعیکه دیون دولتی، منحصر بدیون داخلی بود، پول کشور فقط از جیب فقرا بکیسه



اغنیا منتقل میشد ولکن، از آن موقع که قروض خارجی معمول گردید، آن پولها بصندوقهای ما وارد شده و دولتها باجگذار ما گردیدند.

حالا خودتان ملاحظه کنید، که از وقتیکه بکسری زمامداران مسیحی، بیکفایتی وزرا و عدم مهارت آنها در علوم مالی، کشورهای عیسوی را دچار دیون کمرشکن ساخته است، این امر تا چه اندازه بنفع سرمایه و قدرت ما تمام شده است.

بهمین ملاحظه، ما خواهیم کوشید تا از رکود پول و سرمایه جلوگیری بعمل آوریم، تا آنکه دولتها مجبور باستقراض نشده و دچار این زالوهای خون آشام نگردد.

فقط کمپانیهای صنعتی، حق انتشار اوراق قرضه را خواهند داشت زیرا آنها میتوانند فرع دیون خود را از منافعی که بدست میآورند بپردازند. و حال آنکه دولت، از پولی که قرض میکند، هیچگونه عایدی نمیتواند داشته باشد، زیرا کلیه آن بمصرف مخارج ضروری(؟) کشور میرسد.

چقدر بی فکری و بی شعوری مسیحیان در این نکات واضح و آشکار است! آنها مبالغ هنگفتی از ما قرض میکنند، ولکن هیچ فکر نمیکنند که بایستی عین همان مبلغ را باضافه چندبرابر آن — بعنوان فرع — بدولت خود تقدیم کنند، تا بمصرف ادای دیونی که بما دارند ~~مصرف شده~~ برسد.

وقتیکه، ما در موقع مقتضی، صورت واضح و روشنی از تجارب هزارساله خود منتشر خواهیم ساخت، آنوقت آشکار خواهد شد که ما تا چه اندازه توانسته ایم از بدعتها و رسوم ناشیانه که در میان مسیحیان دنیا متداول ساخته ایم، استفاده ببریم.

آن موقع، دیگر به عقیده و تعصب که ما بوسیله آنها دول مسیحی را تحت اطاعت خود درآوردیم خاتمه داده خواهد شد.

ما روش محاسباتی خود را بطوری برقرار خواهیم نمود که نه دولت و نه فردی از مستخدمین دولتی نخواهند توانست کمترین مبلغ جزئی را حیف و میل نمایند و یا بمصرف دیگری غیر از آنچه در ابتدا تعیین گردیده است برسانند. زیرا که کمترین تغییر و تبدیل در آن بطور واضح و آشکار عیان خواهد گردید.

حکومت و اداره نمودن یک ملت بدون نقشهٔ ثابت و صحیح غیر ممکن است. همچنانکه راه پیمایان و رهروان نیرومندی که بخواهند راه دور و درازی را بدون نقشهٔ قابل اعتمادی بپیمایند بدون تردید در بین راه تلف خواهند شد.

## اعمال یهودی در کشورهای مسیحی.

سابقاً، وقتیکه ما به پیشوایان و رؤسای مسیحی نصیحت میکردیم که برای تفریح و تفرج و رفع خستگی، مجالسی به پیرایه و جشن ترتیب دهند و عیدهای گوناگون درست کنند مقصود ما این بود که آنها را با این وسایل سرگرم ساخته، از انجام وظایف خویشتن باز داریم.

حسابهائی که سوگلیهای ما که بحکومت میرسند باید تنظیم نمایند، بدستیاری ما تهیه میشود و هر دفعه این وعده به آنان داده میشود که در آتیه صرفه جوئی خواهد شد و اوضاع بهبود خواهد یافت. ولی صرفه جوئی از چه؟ کدام صرفه جوئی؟ کدام بهبودی؟

قطعاً کسانی که حسابهای ما را میبینند و از کارهای ما اطلاع ندارند، خیال میکنند که وسیلهٔ نجات از این بحرانها «قرضه‌های جدید» خواهد بود. شما خودتان بهتر میدانید نتیجهٔ این بی اطلاعی و بی اتفاقی چیست! شما خودتان بهتر میدانید بوجه فعالیت بی نظیر ما، فقر و بی نظمی آنها تا چه درجه است!!..



# فصل بیست و یکم

## قروض داخلی.

در این فصل، مختصری درباره قروض داخلی — علاوه بر آنچه در فصل پیش اشاره کردیم — صحبت خواهیم نمود. ولی راجع بقروض خارجی، دیگر بحثی نخواهیم داشت. زیرا این قروض تا حال وسیلهٔ خوبی برای پر کردن صندوق ما بود ولکن وقتیکه دولت عالی ما زمام ادارهٔ امور دنیا را بدست خواهد گرفت، قرض خارجی معنی نخواهد داشت، بعبارت بهتر، دولت بیگانه، یعنی دولت دیگری غیر از دولت ما، موجود نخواهد بود.

ما بوسیلهٔ دادن قرضهائی بدول مسیحی — که در واقع مورد احتیاج ضروری آنها نبود — موفق شده‌ایم که تشکیلات اداری آنها را درهم و مغشوش سازیم و دو یا سه برابر اصل مبلغی که پرداخته‌ایم، بعنوان فرع از آنان بگیریم.

ولی آیا کسی پیدا خواهد شد که نسبت بدولت ما نیز چنین اقدامی نماید؟

البته نه!

و بهمین جهت ما دیگر راجع بقرض خارجی حتی یک کلمه هم صحبتی نخواهیم نمود و کلیه بحث ما دربارهٔ قروض داخلی خواهد بود.

وقتیکه قرضه‌ای از طرف یک دولت منتشر میشود، در ابتدا برای آنکه قرضه‌ها زودتر بفروش برسد، دولت برای خریداران اوراق تخفیف قائل میشود، پس از چند روز قیمت قرضه‌ها بالا رفته، چنین وانمود میشود که عدهٔ خریداران فوق العاده رو بزیادی گذاشته است.

پس از چند روز دیگر، خزانه پر میشود و دولت نمیداند که بقیهٔ پولهائی را که خریداران قرضه‌ها خواهند پرداخت، کجا بریزد (ولی آیا چرا بقیه را میگیرد؟) بالاخره مبلغ تعهد شده از مبلغ قرضهٔ مورد احتیاج دولت تجاوز میکند: آری، اعتمادیکه بسوی قرضه‌های دولت ابراز میشود، بدین ترتیب آشکار میگردد.

وقتیکه کمدی باین ترتیب بپایان میرسد، یک مجهول فوق العاده عجیب و لاینحل ظاهر میشود: فرع این قرضه‌ها از کجا باید پرداخت؟ ناچار برای پرداخت فرع مذکور مجدداً اقدام بانتشار قرضه می‌نمایند. و این امر بار قرض را سنگین‌تر میسازد.
اعتبار دولت نیز بپایان میرسد و دولت ناگزیر شروع بتحمیل مالیاتهای جدید میکند ولکن دیناری از این عایدات جدید برای تادیهٔ اصل قرض بمصرف نمیرسد و همهٔ آن صرف ادای فرع میگردد.

این مالیات جدید، مجهول ثانوی است که برای حل مجهول اولی بکار برده میشود!..

## مبادلهٔ قروض.

نوبت مبادله[1] فرا میرسد، ولکن این امر نیز اصل قروض را بکلی از بین نمیبرد و فقط فرع آنها را تقلیل میدهد، علاوه براین، مبادله باید برضایت طلبکاران صورت گیرد و به طلبکارانی که حاضر بمبادله نباشند، باید پول نقد پرداخته شود. و اگر کلیهٔ طلبکاران پول نقد مطالبه نمایند، دراینصورت دولت مقروض، بهیچوجه قادر بتصفیهٔ قروض خود نخواهد بود.

خوشبختانه از آنجائیکه رعایای دول مسیحی زیاد به کلیات اقتصادی و مالی آشنا نیستند بدین علت، بزودی بمبادله، حتی با تنزل نسبت فرع نیز حاضر میشوند...

1- Conversion.



ولکن، دول مسیحی در بارهٔ قروض خارجی نمیتوانند باین وسایل بازی خود را [illegible]، زیرا میدانند ما حتی از یک شاهی پول خود صرفنظر نمینمائیم.

بنابراین بالاخره، ورشکستگی دولت عیان میشود و عدم ارتباط منافع قوم با منافع [illegible] بطور واضح و روشن آشکار میگردد.

## صندوق پس انداز و درآمد سالیانهٔ آن

دولتها، کاملاً وجوهی را که بصندوقهای پس انداز از طرف افراد سپرده میشود مورد استفاده قرار میدهند. و آنرا بعنوان قرض داخلی یا برای پرداخت فرع قرض خارجی بمصرف میرسانند.

وقتیکه ما رسماً بتخت سلطنت دنیا جلوس خواهیم کرد، کلیهٔ مالیاتهای بیجا و بیمورد را الغو خواهیم نمود و بورسها را نیز از بین خواهیم برد. بجهت آنکه ما نمیخواهیم اعتبار دولت ما تابع تغییر ارزش اوراق بی معنی و بیفایده باشد.

## تثبیت بهای اوراق بهادار.

بجای بورسها «بنگاههای اعتبار رسمی» دایر خواهیم نمود که ارزش اعتبار اوراق بهادار صنعتی را بنظر دولت تعیین خواهد کرد. بدین ترتیب اختیار کلیهٔ اقدامات و تحولات اقتصادی در دست ما خواهد بود و ملاحظه خواهید کرد که از این راه چه قدرت بزرگی را بدست خواهیم آورد.

# فصل بیست و دوم.

## اسرار آینده.

در فصول پیش، کلیه صحبتهای ما راجع بحوادث گذشته بود و فقط گاهگاهی آینده نزدیک که در شرف رسیدن است اشاره کردیم.

در ضمن آن فصول، اسرار و روابط خود را با مسیحیان بیان نمودیم و اقدامات اقتصادی خود را بطور مجمل شرح دادیم. بنابراین، دیگر راجع باین قسمت جز چند کلمه مختصر صحبت نخواهیم کرد.

چنانکه سابقاً نیز متذکر شده‌ایم، بزرگترین قدرت جدید دنیا، یعنی طلا، در دست ما است و هر موقع بخواهیم، مقدار زیادی از آنرا ممکن است در عرض مدت خیلی کمی تهیه و آماده کنیم.

آیا باز هم لازم است بگوئیم حکومت ما از طرف خداوند تعیین و منتخب شده است؟

آیا ما نخواهیم توانست با اینهمه ثروت که در طی قرون متمادی، با رنگهای [illegible] جنایتکارانه بدست آورده‌ایم، نظم و آرامش را در دنیا برقرار سازیم و از بدبختیهائی که در عرض این مدت مرتکب شده‌ایم نتیجه خوب و پسندیده‌ای بگیریم؟

بدون تردید برای برقراری نظم و آرامی، بمختصری فشار و سختگیری احتیاج خواهیم داشت ولیکن در عین حال باید مطمئن باشیم که بالاخره بانجام آن موفق خواهیم گشت.

بکلیه مسیحیان ثابت خواهیم نمود ما پیوسته فکر نیکوکاری بوده‌ایم و در نتیجه



توانسته‌ایم دنیای شورش و آشفته را منظم و آرام سازیم و آزادی فردی و صلح و امنیت را برقرار نمائیم. و توده‌های مردم برای آنکه بتوانند از نعمتهای ما بهره‌مند گردند، مجبورند که از قوانین و نظامات ما اطاعت نمایند.

ما معنی آزادی را برای مردم تشریح خواهیم کرد و گوشزد خواهیم نمود آزادی عبارت از هرج و تولید شورش و اغتشاش نیست و از حدود اختیارات قانونی تجاوز نمی‌کند بلکه آزادی واقعی عبارتست از مصونیت و غیر قابل تعرض بودن کسیکه کلیه تکالیف و وظائف خود را مطابق آنچه در قوانین و مقررات دولتی تعیین گشته است، انجام میدهد.

## عظمت قدرت و پرستش اسرارآمیز آن.

قدرت حکومت بزرگ ما از هرگونه ضعف و سستی بری خواهد بود و بالنتیجه [illegible] حاکم بر تمام دنیا حکمفرمائی خواهد نمود و هرگز اختیار خود را بدست لیدرها و ناطقین که با داد و فریادهای بیفایده گلوی خود را پاره می‌کنند و خیالات واهی و بی معنی خود را بنام اصول مهم اجتماعی بگوش مردم میرسانند نخواهد سپرد.

حکومت ما با اختیارات تامه‌ای برای برقراری نظم و تامین آسایش توده‌ها بکار خواهد پرداخت و اقدامات نیک و خیرخواهانه وی افراد ملت ما را باحترام و پرستش او وادار خواهد نمود.

قدرت واقعی از هرگونه تعرض برکنار خواهد بود و هیچ شخصی قدرت مبارزه با او نخواهد داشت.

# فصل بیست و سوم.

## تقلیل تولید محصولات تجملی و لوکس.

### ترویج صنایع کوچک و رفع بیکاری.

برای آنکه توده‌ها را نیز به بردباری و اطاعت از قوانین و مقررات وادار کنیم، آنها را به سادگی و بی‌تجملی عادت خواهیم داد و تمایل به لوکس و تجمل‌پرستی را از آنان سلب خواهیم نمود.

همچنین صنایع کوچک را، بعنوان بکار انداختن سرمایه‌های کوچک رواج خواهیم داد، زیرا صاحبان کارخانه‌های بزرگ که با سرمایه‌های هنگفت کار می‌کنند، گاهی بدون آنکه خود نیز متوجه باشند، جامعه را بر مخالفت با قوانین و نظامات حکومت تحریک می‌نمایند. هرگاه افراد ملت با صنایع کوچک مشغول و سرگرم باشند، هرگز بفکر بیکاری و اعتصاب و تعطیل نخواهند افتاد و پیوسته فرمانبردار حکومت خواهند بود. زیرا بیکاری افراد، خطرناکترین دشمن برای حکومت می‌باشد. ولیکن موقعیکه زمام حکومت بدست ما خواهد افتاد حکومت ما از خطر بیکاری افراد کاملاً در امان خواهد بود.

### منع میخوارگی.

یکی از مهمترین نقشه‌های ما عبارت خواهد بود از اینکه استعمال مشروبات الکلی را ممنوع خواهیم ساخت و اشخاص مست را مانند مرتکبین جنایات بزرگ مجازات خواهیم نمود. چنانکه سابقاً بیان گفته‌ایم، افراد جامعه از یک دست قوی که بالاتر از



آنها باشد، کورکورانه و بدون تفکر اطاعت می‌کنند، بهیچ وجه لازم نیست که پیشوایشان دارای روح ظریف و عالی باشد. بلکه کافی است که شخصیت و اقتدار و نفوذ فوق‌العاده‌ای حکومت کند.

ما بوسیله تعلیم مخصوص، احمق‌ترین توده‌های امروزی را چنان خالد ساخته‌ایم که حتی قدرت خداوند را نیز انکار کرده و جامعه را دچار آتش هرج و مرج و اغتشاش نموده است. بهمین علت نخستین اقدام حکومت ما، خاموش کردن این شعلهٔ عالمسوز خواهد بود.

## محکومیت جامعهٔ کنونی باضمحلال و تشکیل آن بصورت جدید.

یهودیها، که در واقع برگزیدهٔ از طرف خداوند می‌باشند، وظیفه اساسی است از محو و نابود ساختن قوائی که بر علیه بشریت و امن و آسایش عمومی قیام نموده، آزادی و حقوق اشخاص را در خطر انداخته است. اگرچه این قوا، نظم اجتماعی توده‌ها را بهم زده، اساس صلح و آرامش را ویران می‌سازند تا بر روی آن ویرانه‌ها، کاخ سلطنت یهودیها را بنا کنند؛ ولیکن، وقتیکه دوره سلطنت یهودیها فرا خواهد رسید، وظیفهٔ این قوا نیز بپایان خواهد آمد و محکوم باضمحلال خواهند گردید.

آنوقت، ما به ملل گیتی خواهیم گفت: شکر خداوند را بجای آورید و در مقابل کسیکه نشانهٔ برگزیدگی از طرف خداوند را بر پیشانی دارد، بزانو در آیید. زیرا فقط او است که می‌تواند کلیهٔ قوای مخالف صلح و آرامش و امن و آسایش را نابود سازد و از بین ببرد...

# فصل بیست و چهارم.

## خصوصیات پادشاه یهودی و طرز تعیین جانشین وی.

در این فصل از وسایل تأمین نژاد خانوادگی پادشاه و طرز تهیهٔ وی برای سلطنت صحبت خواهیم کرد.

رهبر ما در این قسمت، همان نقشه‌ها و قواعدی خواهد بود که عقلا و دانشمندان ما در تمام کارهای مربوط به ادارهٔ کشورهای دنیا رهنمای ما بوده است.

اعقاب سلاطین یهودی و جانشینان آنها از میان سلالهٔ فرزندان داود، انتخاب خواهد گردید و تعیین جانشینی پادشاه نیز از روی قواعد ارثی بعمل نخواهد آمد، بلکه پیوسته تابع شخصیت و لیاقت اشخاص خواهد بود.

پادشاه و جانشینان وی، محرم نکات مخفی سیاست و نقشه‌ها و کارها و سایر اسرار خواهند بود و هیچکس دیگری بر آنها واقف نمی‌باشد. مقصود ما از این طرز عمل این است که کلیهٔ مردم دنیا بدانند زمام حکومت را نمی‌توان بدست کسانی سپرد که از نکات و رموز سیاست و ادارهٔ کشور بی‌اطلاع باشند.

پادشاه و ولیعهد، طرز اجرای نقشه‌های سیاسی و نتایج کلیهٔ تجاربی که در اثنای قرون متوالی بدست آمده و همچنین ملاحظات مربوط به کلیهٔ قوانین اقتصادی را کاملاً آشنا خواهد بود.

هرگاه ولیعهد در اثنای تحصیل و امتحان، صفاتی از قبیل سبکسری، تابع احساسات بودن، و سایر صفات امثال اینها که لیاقت حکمفرمائی را از دست بیرون نماید — از خود نشان دهد،



از تاج و تخت محروم خواهد ماند.

هرگاه پادشاه بمرضی که باعث ضعف ارادهٔ وی باشد مبتلا گردد، مجبور است که بموجب قوانین مخصوصی از سلطنت کناره گیرد و شخص لایقتری را بجای خود بنشاند.

کلیهٔ نقشه‌ها بخصوص آنکه طرز عمل پادشاه متکی بر آنها است، باید از نظر عموم افراد مخفی باشد و فقط مشاورین هم در موقع طرح آن، بیش از عدهٔ معدودی نخواهند، حق اطلاع بر آن را دارند.

سرنوشت تمام دنیا، در دست شخص پادشاه که در آن واحد فرمانفرمای خود و فرمانده تمام دنیاست، خواهد بود.

بنابراین کسی اطلاعی قبلاً از تصمیمات پادشاه نخواهد داشت و در نتیجه، در موقع اجرای آن تصمیمات، هیچگونه مخالفتی پیش نخواهد آمد.

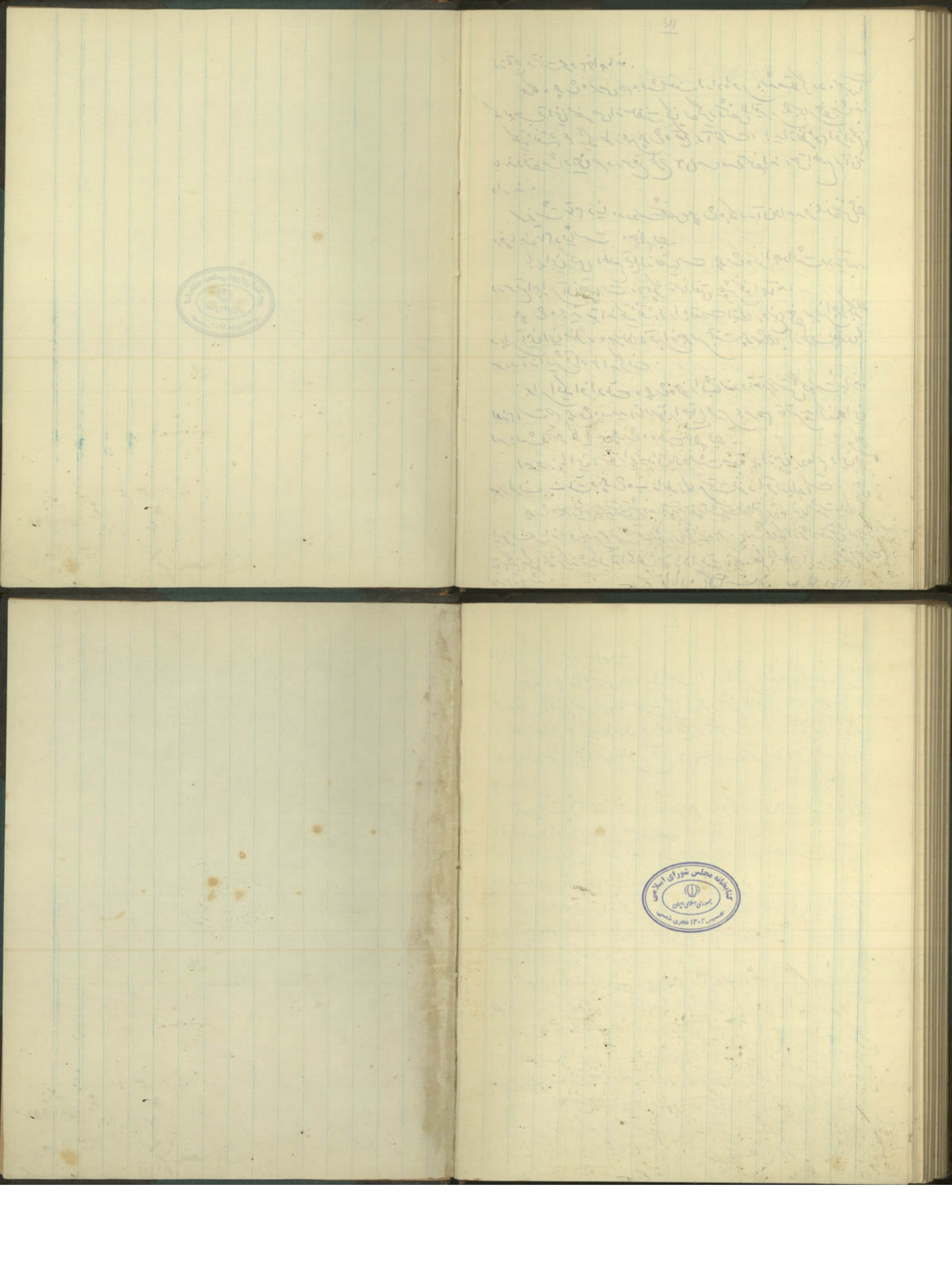
پادشاه باید بتواند کلیهٔ نقشه‌ها را با قدرت ابتکار و نبوغ خود بموقع اجرا گذارد و برای تأمین این منظور، هر سلطانی قبل از جلوس بتخت پادشاهی، از طرف عقلای ما مورد آزمایش قرار خواهد گرفت.

برای آنکه افراد ملت، پادشاه خود را بشناسند و تا حد پرستش دوست بدارند، لازم است که پادشاه در میدانها و محلات اجتماع عمومی با مردم تماس پیدا کند. این امر باعث اتحاد کامل بین پادشاه و ملت خواهد بود.

امروز ما این اتحاد را بوسیلهٔ ایجاد وحشت متقابل از بین برده‌ایم و این وحشت، هر دو طرف — ملت و پادشاه — را بطور کامل تحت نفوذ ما قرار داده است.

پادشاه یهودی، نباید تحت تأثیر احساسات و مخصوصاً شهوت خود واقع شود، زیرا شهوت، افکار او را منحرف می‌سازد و بطرف حیوانیت و بی‌شعوری سوق میدهد. پادشاه ما که از نژاد مقدس داود برگزیده شده و بتمام گیتی حکمفرمائی میکند، باید کلیهٔ لذائذ نفسانی خود را فدای ملت نماید. حکمران مطلق ما باید از هر نقص و قصوری عاری باشد.

پایان کتاب. ۱۳۲۱،۴،۱۷


311
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی

